

ماهنامه تحلیلی
وژنه هادیان سیاسی بسیج

هادیان

سال سیزدهم

سال ۱۳۹۳

شماره - ۱۴۸



پژوهی
در
هجران
بی
خود
نهاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ماهنامه

هدایت

«نشریه تحلیلی سیاسی»

«ویژه هادیان سیاسی»

معاونت سیاسی

نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

شماره ۱۴۸ - سال ۱۳۹۳

«هدایت»

«ماهنامه تحلیل سیاسی»

صاحب امتیاز: نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

مدیر مسئول: عبدالله داورزنی

سردبیر: حمید عبداللهی

تایپ و صفحه آرایی: شهلا مهدوی

طرح جلد: عباس رستمی

ویراستار: غلامرضا گودرزی

مخاطبان: هادیان سیاسی بسیج

همکاران این شماره:

- ۱- رمضان شعبانی سارویی ۲- علی مرادزاده ۳- عباس حاجی نجاری
- ۴- علی آزر می ۵- بهزاد کاظمی ۶- احد کریم خانی

شمارگان: ۷/۵۳۲

نشانی: تهران - صندوق پستی ۳۶۴ - ۱۷۸۴۵

تلفن و نمابر نشریه: ۶ - ۳۳۲۳۹۶۷۳

پست الکترونیکی هادی (ایمیل): E-mail: ssb۱۱۰@yahoo.com

نشانی ما روی شبکه: www.hadinews.ir

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه

خوانندگان ارجمند:

- ✓ ماهنامه هدایت متعلق به هادیان سیاسی است، بنابراین بخشی از مقالات نشریه به مطالب ارسالی هادیان سیاسی اختصاص دارد. انتظار می‌رود هادیان، عزیز ما را یاری فرمایند.
- ✓ انتقادات و پیشنهادهای ارسالی هادیان سیاسی، موجب غنای مطالب این نشریه خواهد شد.
- ✓ مقالات و مطالب ارسالی برای نشریه، مسترد نخواهد شد.
- ✓ نشریه هدایت در اصلاح، ویرایش، تلخیص و چاپ مطالب آزاد است.
- ✓ نقل مطالب با ذکر مأخذ، بلامانع است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
------	-------

۱.....	سفن هدایت
--------	-----------

۳.....	کلام نور
--------	----------

بخش سیاسی

۷.....	* پیش درآمدی بر گام نهایی مذاکرات هسته‌ای
۲۳.....	* الزامات راهبردی سیاست خارجی مبتنی بر عزت، حکمت، مصلحت
۳۲.....	* فرهنگ و اقتدار ملی
۵۳.....	* زمینه‌های بهره‌گیری جریان اصلاحات از دولت یازدهم برای بازگشت به قدرت
۶۲.....	* تحلیلی بر انتخابات پارلمانی عراق

بخش اقتصادی

۷۵.....* ساخت درونی قدرت مهمترین الزام تحقق اقتصاد مقاومتی.....

اندیشه سیاسی اسلام

۸۷.....امت اسلام در اندیشه سیاسی امام خمینی^(ره).....

مفاهیم

۹۹.....جامعه بین‌المللی و جهانی.....

۱۰۳.....بخش پرسش و پاسخ.....

در سخن آغازین این شماره از ماهنامه هدایت به بازخوانی برخی از موضوعات کلیدی از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی که در دیدار با دانشجویان دانشگاه افسری امام حسین علیه السلام ایراد فرمودند اشاره می‌شود.

نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از زمان پیروزی تاکنون در طول ۳۵ سال در رویارویی و مبارزه با دشمنان داخلی و خارجی صحنه‌های زیادی از دوستی‌ها و دشمنی‌ها را پشت سرگزرانده است. صحنه‌هایی که در هر برهه از تاریخ، اندک بدخواهان، منحرفان و فتنه‌گران که در مقابل موج خروشان و توفنده ملت انقلابی قرار گرفتند از صحنه انقلاب ریزش پیدا کردند. در برابر این ریزش اندک همانطور که رهبر فرزانه انقلاب اشاره داشتند؛ انبوهی از رویش‌های نو به نو در نظام جمهوری اسلامی ظهور کردند که از خود جلوه‌ای نو و متناسب با نیاز، بروز دادند؛ رویش‌هایی که علاوه بر غلبه بر ریزش‌ها با آمادگی روزافزون برای خدمت به اهداف و آرمان‌های بلند اسلامی به آینده روشن و دور یعنی ایجاد تمدن اسلامی پای در رکاب نموده و مصمم‌تر از گذشتگان با مولا و ولی خود بیعت کردند و این موضوع مهمی است که حضرت آقا به آنهايي که نگران بودند، گوشزد کردند. موضوع دیگری که حضرت آقا به آن اشاره داشتند

وجود چالش‌هایی است که نظام اسلامی با آن درگیر است. مهم‌ترین این چالش‌ها که دنیا با آن رو به رو شده است بروز پدیده ننگین و شوم استعمار و استکبار بین‌المللی است که ملت‌ها را به دو گروه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر، تقسیم کرده است. سلطه‌گرانی که در تمام شئون زندگی ملت‌ها از اقتصاد، فرهنگ، سیاست تا تربیت آن‌ها دخالت کرده و دنیا را در اختیار می‌گیرند و امروز آمریکا در رأس این هرم نفرت‌انگیز قرار گرفته است.

بنابراین وقتی ملتی و کشوری بخواهد در برابر افزون‌طلبی و زیاده‌خواهی آنان بایستد، سخت برآشفته می‌شوند و از هیچ جنایتی دریغ نمی‌کنند. انقلاب اسلامی در حالی مقابل این خوی و عادت زشت و نفرت‌انگیز آنان ایستاد که حتی بسیاری از دولت‌هایی که خودشان جرأت نمی‌کنند در مقابل نظام سلطه بایستند، از اینکه نظام جمهوری اسلامی در برابر این مستکبران ایستاده است، لذت می‌برند؛ و این ایستادگی است که آمریکا را عصبانی کرده و برای جبران حقارت، مخالفت خود را به دروغ با نام جامعه جهانی تعبیر می‌کند.

از این‌رو معظم له در تعبیر دروغین «جامعه جهانی» در مقابل جمهوری اسلامی که به کار می‌برند می‌فرمایند: «کدام جامعه جهانی؟ کسانی که در مقابل جمهوری اسلامی قرار دارند جامعه‌ی جهانی نیستند، چند دولت مستکبرند که آنها هم عمدتاً زیر نفوذ یک مشت کمپانی داران صهیونیست غارتگر بدنام بددلند؛ این جامعه جهانی نیست؛ آنها خودشان را جامعه جهانی می‌نامند. جامعه جهانی ملت‌ها هستند، جامعه جهانی دولت‌های مظلومی هستند که جرأت و دلیری اظهار مخالفت را ندارند و اگر فضا پیدا کنند، آنها هم مخالفت خواهند کرد. جامعه جهانی دانشمندان و اندیشمندان و متفکران و عالمان و خیرخواهان و آزادی‌خواهانی هستند که در همه دنیا متفرقند و حقیقت را می‌فهمند و آن را ستایش می‌کنند». بر همین اساس است که رهبر معظم انقلاب ادعای وجود اجماع جهانی بر ضد ایران را یک دروغ آشکار از جانب آمریکا و چند کشور دیگر می‌داند.



حفظ و پایداری نظام به مبارزه است؛

نظام اسلامی با مبارزه به وجود آمد، بدون مبارزه این نظام تحقق پذیر نبود؛ همه آرزوهای بزرگ در دنیا همین جور است. حفظ نظام و پایداری نظام هم با مبارزه به وجود آمد؛ اگر مبارزه مردم نبود، اگر مبارزه امام نبود، اگر مبارزه مسئولان در میدان‌های مختلف نبود، این نظام باقی نمی‌ماند و از بین می‌رفت.

مبارزه صمیمی، جدی و خردمندانه فرصتی برای صاحبان انقلاب؛

همچنان که می‌بینید در یک نقاطی از دنیا - که از ما دور هم نیستند - حادثه‌ای پیش می‌آید، فرصتی پدید می‌آید، لکن این فرصت را صاحبان فرصت نمی‌توانند نگه دارند، آن را از دست می‌دهند؛ ببینید در شمال آفریقا و در بعضی جاهای دیگر چه خبر است. عیناً این سرنوشت می‌توانست برای جمهوری اسلامی پیش بیاید که دری به تخته بخورد و حرکتی به وجود بیاید و نظامی اسلامی با شعارهای رنگین و براق به وجود بیاید، بعد هم بعد از اندکی به کلی اوضاع دگرگون بشود و از بین برود. آنچه نگذاشت این اتفاق بیفتد، مبارزه بود؛ مبارزه صمیمی و جدی و خردمندانه؛ این را ما فراموش نکنیم.

حرکت صمیمی و صادقانه در مسیر پیشرفت؛

دشمنان ما نمی‌خواهند این را اعتراف بکنند که ملت ایران در راه پیشرفت خود، خردمندانه عمل کرد، اما واقعیت قضیه این است که اگر خردمندانه نبود، نمی‌شد، نمی‌ماند، پیش نمی‌رفت، به نتیجه نمی‌رسید؛ [پس] خردمندانه بود. حرکت ملت ایران، حرکت صمیمی بود، صادقانه بود؛ فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ بَعْدُونا الْكِتَابَ وَأَنْزَلَ عَلَيْنَا النِّصْرَ؛ (۸) این را امیرالمؤمنین فرمود. صدق ملت ایران در میدان‌های مختلف نشان داده شد.

این مبارزه تا کی طول خواهد کشید؟

مبارزه و جهاد به یک معنا تمام‌نشدن است - چون شیطان همیشه در دنیا هست - به یک معنا با موقعیت‌های مختلف، شکل جهاد تغییر پیدا می‌کند. اگر کشورها و ملت‌هایی، بتوانند همت کنند و جامعه بشری را و جامعه جهانی را از زیر بختک استعمار و استکبار بیرون بکشند، مشکل حل خواهد شد. یعنی عمده مشکل بشریت این است. امروز دستگاه‌های استکباری و در رأس آنها آمریکا، مثل بختک افتاده‌اند روی جسم بشریت و روی فکر بشریت - مثل جان بشریت - او را احاطه کرده‌اند، او را می‌فشردند، او را آشفته می‌کنند، زندگی‌اش را پریشان می‌کنند؛ [اگر] بشریت بتواند خودشان را از زیر این سایه سنگین، از زیر این کابوس بیرون بکشند، آن وقت نفس راحتی خواهد کشید.

ویژگی‌های کار جهادی؛

۱. به دور از انگیزه‌های شخصی؛
۲. به دور از هرچیزی جز انگیزه خدمت به مصالح کشور انجام بگیرد؛
۳. انگیزه‌های گوناگون را نباید دخالت داد؛
۴. اولویت‌ها را باید نگاه کرد.

اقتصاد مقاومتی گامی بلند در برنامه ششم؛

من بر روی اقتصاد مقاومتی تکیه می‌کنم. اول سال هم عرض کردم، به

شما هم حالا توصیه خواهیم کرد، در برنامه ششم که در پیش است، روی اقتصاد و روی فرهنگ و روی علم باید تکیه کنید. اقتصاد مقاومتی قدم بلندی است که در این زمینه‌ها می‌توان برداشت و دستگاه‌های دولتی و دستگاه‌های مدیریت کشور - چه در مجلس، چه در دولت، چه بخش‌های گوناگون - وظایفی در این زمینه دارند.

علاج مشکلات کشور چیست؟ و در کجا باید جست؟

- علاج مشکلات کشور، اقتصاد مقاومتی است. علاج مشکلات کشور را - چه مشکلات اقتصادی، چه مشکلات سیاسی - بیرون از این مرزها نمی‌شود پیدا کرد. کار بکنند؛ هر کس هر تلاشی بلد است، انجام بدهد؛ ما هم موافقیم، بارها هم گفته‌ایم، از همه کسانی که در بخش‌های مختلف - خارجی، داخلی - ابتکار دارند و حرکت دارند و تحرک دارند، ما دفاع می‌کنیم، دفاع صمیمانه و واقعی، نه دفاع صوری.

- اما معتقدیم آن چیزی که علاج مشکلات کشور است، در درون کشور است، در درون وجود من و شما است. ما هستیم که می‌توانیم اقدام بکنیم؛ بلد باشیم که چه کار بکنیم و بفهمیم که راه درست کدام است و با جرأت و دلیری آن کار را انجام بدهیم؛ آن وقت مشکلات کشور بلاشک حل خواهد شد. یک گام بزرگ و بلند، همین اقتصاد مقاومتی است.

نقاط اصلی در نقشه راه عملی برای پنج سال کشور در برنامه ششم؛

۱. یکی اقتصاد است که تکیه روی اقتصاد مقاومتی در آن برنامه باید تجلی پیدا کند.

۲. یکی مسأله فرهنگ است؛ هر جا می‌گوییم فرهنگ، مقصود ما از فرهنگ، یعنی فرهنگ انقلابی، فرهنگ اسلامی، یعنی ایجاد حرکت فرهنگی بر مبنای اسلام و بر مبنای ارزش‌های اسلامی و حرکت دادن جامعه به معنای حرکت فرهنگی به سمت اهداف اسلامی، تقویت فرهنگ اسلامی و باور

اسلامی و آداب اسلامی و اخلاق اسلامی و سنت‌های اسلامی؛ فرهنگ این است.

۳. سوم علم؛ حرکت علمی در کشور خوب آغاز شده است؛ بحمدالله در این سال‌ها، در این ده دوازده سال حرکت خوبی در کشور به وجود آمده؛ این حرکت مطلقاً نباید گُند بشود؛ بلکه باید سرعت و شتاب بگیرد. خیلی از افتخارات ملی و بخش مهمی از عزت ملی و بخش قابل توجهی از ثروت ملی به برکت علم به‌دست می‌آید؛ مسأله علم و تحقیق و پیشرفت در بخش‌های گوناگون علمی و کشف سرزمین‌های ناشناخته دانش، برای کشور خیلی مهم است؛ این هم ان‌شاءالله باید در برنامه مورد توجه قرار بگیرد.

مسأله جمعیت یک مسأله مهم است؛

- در خصوص جمعیت باید مراقب باشیم که اشتباه سال‌های قبل تکرار نشود.
 - زیرا بهترین حالت برای دشمن، ایرانی «کم‌جمعیت» و با اکثریتی «سالخورده» است.
 - مسأله کاهش جمعیت برای آن دشمنان مسأله بسیار مهمی است.
 - بهترین چیز (برای دشمنان) این است که ایران یک کشوری باشد با بیست سی میلیون جمعیت که نصف این جمعیت هم کهن سال و میان سال و از کار افتاده باشند؛ این برایشان بهترین چیز است؛
 - (دشمنان اگر) برای این برنامه‌ریزی بتوانند بکنند، حتماً می‌کنند، پول بتوانند خرج کنند، حتماً خرج می‌کنند؛
 - ما باید حرکتمان در مقابل این حرکت، حرکت صحیح و منطقی و خردمندانه و عالمانه باشد.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۰۳/۰۴

پیش‌درآمدی بر گام نهایی مذاکرات هسته‌ای

عباس حاجی نجاری

مقدمه

نشست وین ۴ که برای تدوین پیش‌نویس توافقنامه نهایی هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ تشکیل شده بود به دلایلی چند به نتیجه نرسید. اما هر دو طرف ترجیح دادند که مذاکرات را شکست‌خورده تلقی نکنند و ادامه بحث را به نشست‌های بعدی ارجاع دهند. این مذاکرات اگرچه به اذعان طرفین از آغاز، خوشبینی چندانی برای حصول توافق در آن وجود نداشت، و مذاکرات بسیار دشواری بود اما به طور طبیعی مباحث مطرح شده در آن بر روند مذاکرات آینده و نتیجه آن تأثیر خواهد داشت.

بررسی تاریخچه پرونده هسته‌ای ایران بیانگر آن است که غرب به بهانه وجود انحراف در روند فعالیت هسته‌ای ایران، تلاش کرده تا پروژه مسأله‌سازی برای ایران را از طریق این موضوع دنبال نماید. تحلیل شرایط کشور و دشمن قبل از مذاکرات جدید هسته‌ای و توافقنامه ژنو

بدین معنی است که قبل از توافقنامه ژنو، دشمن توانسته بود در حوزه تحریم‌ها، فشارهای اقتصادی مضاعفی را به کشور وارد نماید و مدیریت اجرایی کشور هم با انجام برخی بی‌تدبیری‌ها موجب انتقال این پیام به غرب شد که تحریم‌ها تأثیرگذار بوده است. اما در عین حال، دشمنان در مقابل ایران با بحران گزینه مواجه بودند؛ چرا که احساس می‌کردند در مسأله تشدید تحریم‌ها به سقف حداکثری رسیده و هنوز نمی‌توانند نتیجه ملموسی را از تشدید تحریم‌ها به عنوان دستاورد معرفی نمایند. در مقابل، جمهوری اسلامی ایران به مرحله انتخابات ریاست جمهوری یازدهم نزدیک می‌شد و به‌طور طبیعی غربی‌ها باید منتظر نتایج انتخابات می‌ماندند. غربی‌ها با افزایش فشار حداکثری به دنبال تغییر محاسبات مردم و مسئولان کشور در فرایند انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۱۳۹۲ بودند و جمهوری اسلامی ایران هم علاوه بر تلاش برای برگزاری انتخابات آزاد و سالم، به مسأله لغو تحریم‌ها و در عین حال حفظ دستاوردهای هسته‌ای خود توجه داشت.

پیروزی آقای دکتر روحانی که در میان سایر رقبای انتخاباتی توجه ویژه‌ای به مسأله سیاست خارجی و اتخاذ رویکرد تعامل با غرب در شعارهای انتخاباتی داشت، استقبال غربی‌ها را به دنبال داشت و پس از آغاز چند دور مذاکره سیاسی که به طور مشخص در مذاکرات مستقیم مقامات ارشد کشور با هم‌تایان آمریکایی صورت گرفت، در نهایت ایران و گروه ۵+۱ در تاریخ سوم آذرماه ۱۳۹۲ در مورد متن توافق ژنو به عنوان چارچوبی برای گام نهادن در مسیر حل و فصل سیاسی مسأله هسته‌ای ایران به توافق رسیدند. اما ضعف‌های این توافقنامه که شاید محصول شتابزدگی تیم ایرانی و یا اعتماد به طرف مقابل و یا باور به اثربخشی مذاکرات و... بود، فرصت‌های بیشتری را برای طرف مقابل در گام‌های بعدی مذاکرات ایجاد کرد و به همین دلیل از همان نقطه آغاز با انتقادات منتقدان دلسوز مواجه شد، اگرچه برخی انتقادات نیز با نقد دلسوزانه فاصله داشت.

الف: اهداف پيدا و پنهان آمريكايي‌ها در مذاكرات هسته‌اي

در مورد چرایی ورود ایران و آمریکا به عرصه مذاکرات هسته‌ای و اهداف هر یک پیش از این سخن گفته شده است، اما روند مذاکرات تاکنون و فراز و نشیب‌های آن بیانگر این است در سطح کلان آمریکایی‌ها برای توافقنامه چند دستاورد عمده را پیش‌بینی کرده بودند:

اولین هدف مهار پیشرفت‌های ایران در عرصه فناوری‌های هسته‌ای به رغم بهره‌گیری قبلی از تمام ظرفیت‌های منطقه‌ای و جهانی برای از بین بردن آن بود که مصداق بارز آن تحریم فلج‌کننده اقتصادی ایران در سال‌های اخیر است؛ اگرچه طبق اذعان اوباما هدف اصلی آمریکا از بین بردن توان بالقوه و بالفعل هسته‌ای ایران و حتی از بین بردن پیچ و مهره‌های هسته‌ای ایران است.

دومین هدف آنها در این مسیر آن بود که توجیهی برای القاءات قبلی خود در مورد انحراف ایران از روند فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای بیابند. در این زمینه اگرچه ایران بارها بر عدم انحراف فعالیت‌های هسته‌ای خود تأکید کرده بود و حتی مقام معظم رهبری، رفتن به سمت تولید بمب اتم را خلاف شرع دانسته بودند، اما ایران از روند مذاکرات برای اثبات سلامت فعالیت‌های گذشته هسته‌ای استفاده کرد و توانست توهّم ایجادشده در زمینه انحراف ایران از فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای را در هم شکسته و تا همین مرحله به رغم سیاه‌نمایی‌های نظام سلطه، اعتماد منطقه‌ای و بین‌المللی را باز یابد.

سومین دستاورد مورد انتظار آمریکایی‌ها از این مذاکرات مبتنی بر خط القایی گذشته که - انتخابات یازدهم ایران نتیجه تحریم‌ها و فشارها بود - این بوده و هست که این روند را به بستری برای تغییر رفتار و حتی تغییر ساختار جمهوری اسلامی ایران تبدیل کنند. به همین دلیل است که در سفر سوزان رایس و وندی شرمن به سرزمین‌های اشغالی در آستانه نشست وین ۴، رایس

در دیدار با نتانیاهو «بر تلاش باراک اوباما برای دستیابی به توافق با ایران تا پایان سال جاری، یعنی قبل از آنکه شرایط سیاسی داخلی ایران، روند امور را عوض کند» تأکید کرده بود. در این زمینه اگرچه ناگفتنی های زیادی وجود دارد، اما روند شتابناک برخی از رسانه های وابسته داخلی بر ضرورت تسلیم در برابر زیاده خواهی های دشمنان و غافلگیری و سکوت آنها نسبت به نتیجه مذاکرات وین ۴ از این همگرایی ها حکایت دارد و البته تردیدی نیست که ایستادگی تیم مذاکره کننده بر اصول و خطوط قرمز نظام این سناریوی مورد انتظار غربی ها را هم به محاق برد.

چهارمین هدف مورد انتظار آمریکایی ها به روند تحولات منطقه ای و جهانی باز می گردد. تحولات اخیر منطقه و ناکامی های آمریکا در تنظیم تحولات بر اساس راهبردهای کلان امنیت ملی آمریکا و در نقطه مقابل توفیقات ایران در این عرصه، ایران را به بازیگری اصلی در تحولات منطقه تبدیل کرده است که نادیده گرفتن آن امکان پذیر نیست. به همین دلیل آمریکایی ها با پیگیری این مذاکرات و تلاش برای تحمیل دیدگاه های خود در این توافقنامه درصدد ایجاد یک «قاعده» جدید در تعاملات منطقه ای بوده و بهره برداری طبیعی آنها هم از این روند القای تسلیم ایران بود. مبتنی بر آن رسیدن به یک سازوکار جدید منطقه ای و تأمین امنیت رژیم صهیونیستی که ارکان آن بر تضعیف و از بین بردن توان دفاعی و مهار موقعیت منطقه ای ایران بود، دور از انتظار نبود، که در این هدف نیز ناکام ماندند.

پنجمین هدف حفظ همراهی متحدان بود. دشواری های غرب در ادامه تحریم ها به دلیل بحران اقتصادی غرب و عدم همراهی متحدان در تداوم تحریم ها علیه ایران سبب شکنندگی انسجام ۱+۵ در برابر ایران شده بود. مدیریت روند این مذاکرات از سوی آمریکایی ها آنها را قادر کرده که این روند را حداقل در ظاهر حفظ کنند. به همین دلیل به رقم تحولات اکراین ویا

تشدید رقابت‌های اقتصادی آمریکا و چین، تغییر عمده‌ای در دیدگاه و همراهی این دو قدرت بلوک شرق در مقابل آمریکا و متحدان غربی آن در مذاکرات وین ۴ دیده نمی‌شد.

ششمین هدف به روند رقابت‌های احزاب در درون آمریکا باز می‌گردد. تحولات داخلی آمریکا و نیاز دمکرات‌ها به یک موفقیت برای رقابت‌های آتی، سبب شده است که مذاکرات هسته‌ای از جایگاه ویژه‌ای در روند رقابت‌های درونی آمریکا برخوردار باشد.

هفتمین هدف معطوف به پیشرفت‌های ایران در عرصه تقویت قدرت دفاعی و عدم تأثیر تحریم‌ها در این روند بود. پیش از این، این تصور در کشورهای غربی ایجاد شده بود که از این طریق قادر به مهار توان دفاعی و به ویژه موشکی ایران خواهند بود، اما موضع قابل تقدیر تیم ایرانی بر عدم پذیرش هرگونه مذاکره در مورد قدرت دفاعی ایران و به ویژه توان موشکی، طرف غربی را در این هدف نیز ناکام گذاشت؛ اگر چه پس از مذاکرات وین ۴، چاگ هیگل وزیر دفاع آمریکا در گفتگو با شبکه «پی‌بی‌اس» اذعان می‌کند که این کشور موضوعات دیگری چون توان موشکی را هم بعد از حل مسأله هسته‌ای با ایران، مطرح خواهد کرد. وی مدعی شد: ایرانیان توانایی موشکی پیچیده‌ای دارند و موشک‌های فعلی ایرانیان، تنها برای دفاع ساخته نشده بلکه توان تهاجمی هم دارد. رهبری ایران سال‌هاست که بسیار واضح و شفاف، بر داشتن توان ساخت سلاح اتمی تأکید کرده است!

و یا اینکه گروهی از اعضای سنا و مجلس نمایندگان آمریکا، در نامه‌ای به باراک اوباما، از او خواسته‌اند طی مذاکرات اتمی با ایران از فرصت استفاده کرده و مسأله حقوق بشر را نیز مطرح کند. در بخشی از این نامه که از طرف دو سناتور آمریکایی؛ مارک کرک [جمهوری خواه] و ران وایدن [دموکرات] مطرح شده و ۲۱ سناتور و ۱۵ تن از اعضای مجلس نمایندگان، آن را امضا

کرده‌اند، ادعا شده است که: «تهران همچنان به بدرفتاری با شهروندان خود و هدف گرفتن اقلیت‌ها ادامه می‌دهد» و «مذاکرات (اتمی) که با ایران در حال حاضر انجام می‌شود، فرصتی کم‌نظیر و مغتنم برای ایالات متحده است که به موضوع احترام به حقوق ابتدایی انسان‌ها و شأن آنها در سراسر جهان» بپردازد.

نهمین هدف به پرکردن خلأهای اطلاعاتی از محیط سیاسی، امنیتی و دفاعی ایران باز می‌گردد. قطع رابطه ایران و آمریکا از سال‌های آغازین انقلاب سبب محدود و کور شدن سرپل‌های اطلاعاتی آنها از محیط داخلی ایران شده است و به همین دلیل راهبردهای آنها برای تغییر در محیط داخلی ایران با شکست مواجه می‌شد. اصرار بر انجام بازررسی آژانس از پارچین و یا تصویب پروتکل الحاقی از سوی ایران که امکان بازرسی سرزده از هر نقطه ایران را برای آژانس ایجاد می‌کند مبتنی بر این سناریو است.

الف: اهداف و چرایی نیاز ایران به مذاکرات هسته‌ای

ورود ایران به عرصه مذاکرات هسته‌ای پیشینه‌ای طولانی داشته و به رغم اینکه مذاکرات گذشته بارها به شکست رسیده و بی‌نتیجه مانده بود، اما از آنجاکه جمهوری اسلامی ایران برای پیگیری فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای از منطقی قوی برخوردار است، پس هیچ‌گاه فرصت میز مذاکره را از دست نداده و این بار البته مبتنی بر روند تحولات داخلی و تحقق حماسه سیاسی در انتخابات ۹۲ و مبتنی بر تاکتیک "نرمش قهرمانانه" گام در این راه نهاد. ایران چند هدف عمده را دنبال می‌کند که به رغم عدم حصول توافق نهایی در مذاکرات، به برخی از این اهداف دست یافته است:

۱. اعتمادزایی بین‌المللی به رغم راهبردهای ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی غرب و مرتجعان منطقه؛

۲. اثبات عدم انحراف روند فعالیت‌های هسته‌ای ایران و خنثی‌سازی جنگ

روانی چند سال اخیر غرب؛

۳. ایجاد شکاف در بدنه تحریم‌ها و اصلاح پیامدهای تحریم اقتصادی در عرصه اجتماعی؛

۴. ایجاد تغییر در نگاه مسولان و دولتمردان در توجه به ظرفیت‌های داخلی برای مقابله با آثار تحریم‌ها با اتکا به اقتصاد مقاومتی، به جای امید بستن به دشمنان برای گشایش در امر اقتصادی ایران و کاهش تحریم‌ها؛

۵. فراغت دستگاه دیپلماسی از موضوع هسته‌ای و تمرکز بر مسائل دیگر؛

۶. حفظ ظرفیت غنی‌سازی با رعایت خطوط قرمز ایران؛

۷. به رسمیت شناخته شدن حق ایران در غنی‌سازی هسته‌ای؛

۸. شناساندن ماهیت نظام سلطه به مردم ایران به ویژه نسل جوان (غیرقابل اعتماد بودن آمریکا).

ج- آسیب‌شناسی رفتاری دیپلماسی هسته‌ای کشور

به نظر می‌رسد در فرایند مذاکرات منتهی به توافقنامه ژنو در آذرماه ۹۲ و روندهای پس از آن تاکنون، چند آسیب زیر در مدل رفتاری دولت و تیم هسته‌ای قابل توجه باشد:

۱- در آستانه مذاکرات ژنو ۳، دولتمردان جمهوری اسلامی ایران با بزرگنمایی مشکلات اقتصادی کشور، پیام نادرستی در مورد تأثیر تحریم‌ها برای طرف مقابل فرستادند.

۲- در حالی که فرایند مذاکراتی میان ایران و ۵+۱ بسیار پیچیده و فشرده به نظر می‌رسید، تیم هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بر اساس یک رفتار اورژانسی و فوری، توافقنامه اولیه ژنو را در آذرماه ۹۲ امضا نمود. در این راستا، کارشناسان معتقدند که اگر تیم هسته‌ای کشور در پذیرش محتوای توافق ژنو عجله نمی‌کرد و هوشمندانه‌تر عمل می‌کرد (آنگونه که در نشست وین ۴ اتفاق افتاد) از مراحل بعدی مذاکرات آسان‌تر می‌توانست عبور کند.

۳- تأکید تیم دیپلماسی هسته‌ای کشور بر محرمانه بودن مذاکرات، اگر چه ممکن است با هدف جلوگیری از آثار روانی مذاکرات بر محیط داخلی کشور صورت گرفته باشد، اما خود این مسأله پیامدهای عملیات روانی منفی به ویژه در خصوص تولید بدبینی در داخل کشور نسبت به طرح‌های پیشنهادی احتمالی از سوی ایران و همچنین امکان تأثیرگذاری منفی گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای بر روند مذاکرات را فراهم کرده بود.

۴- احساس بی‌نیازی دیپلماسی هسته‌ای جدید کشور نسبت به انتقادات داخلی و حتی داشتن نگاه بدبینانه نسبت به مواضع جریان‌های سیاسی داخلی، این فرضیه را قوت بخشیده که تیم دیپلماسی جدید کشورمان قائل به نقش و فعالیت همه جریان‌های سیاسی و تولید هم‌افزایی در این خصوص نیست. یا حتی اگر به چنین فرایندی معتقد باشند، اما در صحنه عمل چنین مسأله‌ای قابل مشاهده نیست. در صورتی که در نقطه مقابل کاخ سفید همواره از مخالفت‌های کنگره برای فشار بر ایران استفاده کرده است.

۵- افزایش سطح و حجم گمانه‌های رسانه‌ای در مورد محتوای مذاکرات و اجتناب‌ناپذیری تیم هسته‌ای جدید نسبت به پاسخگویی به ابهامات و پرسش‌ها، موجب نوعی انفعال در مواضع دیپلماسی هسته‌ای شده بود.

۶- گره زدن موضوع هسته‌ای به مسأله رابطه ایران و آمریکا نیز اگر چه ممکن است بر پایه این پیش فرض صورت گرفته باشد که باید مسائل را با طرف اصلی مطرح و حل و فصل کرد، اما با توجه به عدم اعتقاد طرف آمریکایی به این موضوع به نظر می‌رسد آسیب‌های روانی برای کشور ایجاد نماید. در واقع، آمریکا نگران شکسته شدن اجماع علیه جمهوری اسلامی ایران است و به همین دلیل از پذیرش چنین پیوندی (گره خوردن مسأله مذاکرات هسته‌ای به موضوع رابطه ایران و آمریکا) خودداری می‌کند.

د- شرایط ایران در مذاکرات وین ۴

در شرایطی که به نظر می‌رسید غرب بر پایه محاسبه غلط اثرگذاری تحریم‌ها روی ایران تلاش داشت تا مسیر مذاکرات را متناسب با مطلوبیت‌های خود جهت‌دهی نماید، جمهوری اسلامی ایران تحت تدابیر حکیمانه مقام معظم رهبری، الگوی اقتصاد مقاومتی را با هدف بازیابی هویت سیاست خارجی مطرح ساخت. به طوری که انتظار می‌رود بحث اقتصاد مقاومتی تأثیر به‌سزایی در روند سیاست خارجی کشور و انتقال پیام محاسباتی جدی‌تری به غرب داشته باشد.

از طرف دیگر، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارکنان سازمان انرژی اتمی و به مناسبت روز ملی فناوری هسته‌ای مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۰ حائز اهمیت است. ایشان در سخنان خود بر محورهای زیر تأکید کردند:

۱- مهم‌ترین دستاورد پیشرفت‌های هسته‌ای کشور، تقویت اعتماد به نفس ملی است.

۲- موافقت با مذاکرات جدید با گروه ۵+۱ به منظور شکستن فضای خصمانه جبهه استکبار علیه ایران بود.

۳- مذاکرات هسته‌ای باید ادامه یابد، اما فعالیت‌های هسته‌ای کشور نیز نباید متوقف یا کند شود.

۴- کسی روی دستاوردهای هسته‌ای ملت ایران معامله نخواهد کرد.

۵- روابط آژانس با ایران باید روابط متعارف و غیر فوق‌العاده باشد.

۶- تیم هسته‌ای کشورمان نباید تسلیم زورگویی‌های حریف شود.

این مواضع نماد چند پیام مهم زیر از سوی جمهوری اسلامی ایران به گروه ۵+۱ در آستانه مذاکرات وین ۴ بود:

الف- طرح الگوی اقتصاد مقاومتی و عدم تأثیرپذیری محاسبات ایران از

تحریم‌ها؛

ب- تأکید بر عدم عقب‌نشینی از دستاوردهای فنی هسته‌ای؛

ج- تأکید بر جدی بودن عدم تمایل ایران به سلاح هسته‌ای.

این در حالی است که به رغم عدم انتشار جزئیات مربوط به مذاکرات هسته‌ای از سوی طرفین، به نظر می‌رسد این مذاکرات در سطوح کارشناسی با پیچیدگی‌های جدی نیز همراه بود.

با نزدیک شدن به زمان برگزاری نشست وین ۴ که برای رسیدن به گام نهایی توافق هسته‌ای برگزار می‌شد، حداقل خواسته‌های ایران که مبتنی بر تدابیر مراجع صالحه در این مذاکرات مطرح شد و در برخی رسانه‌ها بازتاب یافت به شرح زیر بود:

۱- هیچ مرز و میزانی برای غنی‌سازی ۵ درصد وجود ندارد.

۲- هیچ محدودیتی را برای سانتریفیوژهای نصب‌شده نخواهیم پذیرفت.

۳- هیچ مرزی برای ادامه تحقیقات در تمام موضوعات مرتبط با فناوری هسته‌ای در کشور وجود نخواهد داشت.

۴- تمام تحریم‌ها باید در یک دوره زمانی کوتاه (حدوداً یک ساله) برداشته شود.

۵- هیچ مذاکره‌ای در مورد مسائل دفاعی، موشکی ایران پذیرفته‌شدنی نیست.

۶- تبدیل نیروگاه آب سنگین اراک به آب سبک و کاهش قدرت و ظرفیت آن به دلیل نیاز ایران به بهره‌گیری از این نیروگاه برای تولید رادیوداروها پذیرفته نیست. اگرچه ایران اعلام کرد که آماده است برای رفع نگرانی‌های غرب، برخی تغییرات فنی را نسبت به تولید پلوتونیم در این نیروگاه انجام دهد.

۷- ایران به توقف غنی‌سازی بالای ۵ درصد و استمرار اکسید کردن اورانیوم ۲۰ درصد پایبند خواهد بود.

۸- پذیرش دانشجویهای ایرانی در رشته‌های مرتبط با فناوری هسته‌ای باید در دانشگاه‌های دنیا انجام شود.

۹- فتوای رهبر معظم انقلاب به صورت سند رسمی و به پنج زبان در سازمان ملل ثبت خواهد شد.

ه- شرایط طرف مقابل

در آستانه مذاکرات وین ۴ اگرچه اعضای گروه ۵+۱ ترجیح داده بودند تا برای حفظ انسجام گروه از بیان رسمی دیدگاه‌های خود برای مذاکرات نهایی پرهیز کنند و عمدتاً بر همان دیدگاه‌های گذشته تأکید می‌شد، اما مؤسسه مطالعات امنیت قومی رژیم صهیونیستی در گزارشی با عنوان «آمریکا، رژیم صهیونیستی و احتمال تنظیم یک نقشه کلی برای توافق نهایی با ایران» راهکارهای قابل پذیرش بودن توافق جامع هسته‌ای با ایران را اعلام می‌کند که با اخباری که از درون نشست در مورد دیدگاه غرب به بیرون درز کرده است، نزدیک است:

۱- امحای اکثر سانتریفیوژهای ایران به طوری که فقط تعداد محدودی از سانتریفیوژهای نسل اول باقی بماند؛

۲- کاهش موجودی اورانیوم غنی شده ایران به سطحی کمتر از مقدار مورد نیاز برای ساخت یک بمب هسته‌ای؛

۳- اوراق ساختن تجهیزات غنی‌سازی ایران در فردو با توجه به امکان مقاومت آن در برابر بمباران؛

۴- تغییر و تبدیل راکتور اراک به گونه‌ای که برای اهداف نظامی، قابل استفاده نباشد؛

۵- پاسخ شفاف به سؤالات درباره ابعاد نظامی برنامه هسته‌ای ایران؛

۶- جواز بازدید بازرسان از پارچین که احتمالاً ایران در آنجا برنامه‌های نظامی خود را اجرایی می‌کند.

و- ضرورت تأمل بیشتر در نشست وین ۴

عدم حصول توافق در نشست وین ۴ اگرچه ممکن است به بن بست روند مذاکرات هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱ تعبیر شود و حتی در عرصه رسانه‌های داخلی با بایکوت خبری رسانه‌های مدعی حمایت از دولت مواجه شود، اما واکنش منطقی و قابل انتظار تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای در این مذاکرات را می‌توان مرحله جدیدی در روند تعامل دستگاه دیپلماسی کشور با گروه ۵+۱ و مهره شاخص آن گروه یعنی آمریکا ارزیابی کرد.

آمریکایی‌ها از قبل، این دور از مذاکرات را سخت ارزیابی کرده و مدعی شده بودند که تیم مذاکره‌کننده ایرانی باید در این نشست تصمیم‌های سختی بگیرد؛ چرا که مبتنی بر مراحل گذشته مذاکرات و دستاوردی که آنها از توافقنامه اولیه (آذر ۹۲) داشتند، تصورشان این بود که این بار هم با فضا سازی‌های حاشیه‌ای قادر خواهند بود متن توافقنامه نهایی را در چارچوب منافع راهبردی خود تنظیم کنند، اما به رغم انتظار آنها، تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای مبتنی بر خطوط قرمز طراحی شده در مراجع تصمیم‌گیری نظام و البته به پشتوانه حمایت‌های رهبری و مردم توانست «دلاورانه» در این مرحله «دلوپسی‌های» منتقدان داخلی را پاس داشته و با پافشاری بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران سه اصل «عزت، حکمت و مصلحت» را در عمل تحقق بخشد.

علل راهبردی عدم پیشرفت در مذاکرات وین ۴ را در ابعاد زیر می‌توان جستجو کرد:

اول: آمریکایی‌ها تحت تأثیر دو ارزیابی راهبردی شامل ۱- زمان را به نفع خود می‌دانند و ۲- نیازمند توافق ژنو هستند، سیاست‌های تنبیهی و تشویقی همزمان را به کار گرفته‌اند. ضمن این که آمریکا در فرایند تدوین گام نهایی تمایل به رفع تحریم‌ها نخواهند داشت. چرا که «تحریم» اساساً یک ابزار

راهبردی برای آمریکا به منظور مدیریت تحولات منطقه و سایر نقش‌های ایران محسوب می‌شود و بنابراین موضوع لغو تحریم‌ها را نباید به عنوان یک موضوع جدی در روابط دوجانبه ایران و آمریکا مورد توجه قرار داد.

دوم: امریکایی‌ها تصور می‌کنند دولت ایران آنچنان نیازمند توافق است که در نهایت هیچ توافقی را با این استدلال که یک توافق بد است، رد نخواهد کرد. این در حالی است که یک توافق خوب با دشمنی همچون امریکا شکل نخواهد گرفت مگر اینکه آمریکا عمیقاً درک کند محاسبات راهبردی ایران تابعی از شدت فشارها نیست و ایران سناریوهایی حاضر و آماده برای شرایط تشدید تحریم‌ها و عدم توافق دارد. هرگونه گره‌خوردگی بیش از حد مسائل اقتصادی به تحریم‌ها و تحریم‌ها به مذاکرات، تنها نتیجه‌ای که به بار می‌آورد این است که طرف مقابل را سرسخت‌تر، مطالبات آن را بیشتر و ما به ازاء‌های پیشنهادی‌اش را کمتر می‌کند. کافی است ایران ثابت کند لغو یا عدم لغو تحریم‌ها برایش مهم نیست، و عملاً نشان بدهد که توان اداره کشور حتی در صورت تشدید تحریم‌ها را هم دارد؛ آن وقت گشایش‌های فوری در مذاکرات رخ خواهد داد.

سوم: هر دو طرف فعلاً موضع حداکثری خود را بیان کرده‌اند. این منطق مذاکراتی از این دست است که مذاکره با بیان مواضع حداکثری شروع می‌شود، ولی هر دو طرف می‌دانند جا برای چانه زدن وجود دارد. پس از آن است که چانه‌زنی میلی‌متری درباره جزء به جزء موارد آغاز می‌شود؛ بنابراین کاملاً طبیعی است که دور اول کمی تلخ و تند باشد، ولی می‌توان انتظار داشت که لااقل درباره آن دسته از مسائلی که دو طرف درباره نحوه حل آن اجمالاً تفاهم دارند، نگارش متن توافق نهایی به زودی شروع شود.

چهارم: این مذاکرات اساساً بر پایه توافق ژنو که در آذرماه ۹۲ حاصل شد انجام می‌شود که آشکارا یک توافق بد بوده است. توافق ژنو ایران را به مثابه

یک استثنا در نظر می‌گیرد، حق غنی‌سازی برای ایران قائل نیست مگر آن مقدار که غربی‌ها بپذیرند و می‌گویند درباره هیچ چیز توافق نخواهد شد مگر اینکه درباره همه چیز توافق شده باشد. تیم ایرانی باید صادقانه این موضوع را بپذیرد که اگر امروز مذاکرات درباره توافق جامع به مشکل برخورد کرده از جمله به این علت است که توافق ژنو پایه‌ای نیست که بتواند یک توافق خوب را بر آن استوار کرد. تنها راه و بهترین راه رسیدن به یک توافق خوب با ۱+۵ خلاص شدن از شر الزامات و محدودیت‌هایی است که توافق ژنو مقرر کرده است. اگر بناست با ایران به عنوان یک استثنا برخورد نشود، حقوق ایران به رسمیت شناخته شود و تکالیفش هم زیاده‌خواهانه و متوهمانه معین نگردد، باید توافق نهایی را بر شالوده‌ای جدید به جز توافق ژنو استوار کرد.

پنجم: رسانه‌ها گزارش داده‌اند تیم ایرانی در مذاکرات وین ۴ بر اساس ۵ خط قرمز زیر مذاکره کرده است:

- ۱- تحقیق و توسعه قابل مذاکره نیست.
 - ۲- تمام تحریم‌ها باید در توافق نهایی به یک‌باره (و نه تدریجی) لغو شود.
 - ۳- درباره ظرفیت غنی‌سازی که ایران می‌تواند در گام نهایی حفظ کند، تنها نیاز ایران ملاک است نه چیز دیگر.
 - ۴- ماهیت آب سنگین راکتور اراک باید حفظ شود.
 - ۵- در این مذاکرات مطلقاً به مباحث دفاعی ایران ورود نخواهد شد.
- شرایط مذکور نشان می‌دهد که تیم ایرانی اصول راهنمای یک توافق خوب را یافته است. به شرط اینکه الگوی مذاکراتی تیم ایرانی به نسبت توافق ژنو تغییر کند، و به گونه‌ای باشد که غرب دریابد این اصول واقعی است نه تاکتیک چانه‌زنی، و همچنین به شرط اینکه دولت و تیم مذاکره‌کننده از عواقب یک یا چند بار شکست مذاکرات هراسان نباشند، یک توافق خوب با آمریکایی که اساساً چاره‌ای جز توافق کردن ندارد، دور از دسترس نیست.

ز- توصیه‌های راهبردی

فرمانده معظم کل قوا بعد از بازدید از نمایشگاه دستاوردهای نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سخنانی در جمع فرماندهان عالی سپاه و ارتش و تعدادی از فرماندهان و متخصصان و کارشناسان نیروی هوافضای سپاه، بازدید از این نمایشگاه را بسیار شیرین و فراموش‌نشدنی خواندند و تأکید کردند: مهم‌ترین درس این نمایشگاه، اثبات استعداد و توانایی ملت ایران برای ورود به میدان‌های دشوار و میدان‌هایی است که دشمن قصد ممنوع‌الورود کردن آنها را دارد. این نمایشگاه به همه ما مسئولان پیام اقتدار و توانایی درونی را می‌دهد و اعلام می‌کند که «ما می‌توانیم». ایشان با اظهار گلایه از توجه جدی نکردن برخی مسئولان به پیام اقتدار و توانایی درونی خاطر نشان کردند: متأسفانه در برخی از بخش‌ها مدیران ما این پیام را درک نمی‌کنند. رهبر معظم انقلاب اسلامی همچنین «استعداد، توانایی و عزم» را مهم‌ترین عامل اقتدار دانستند و افزودند: در طول سال‌های گذشته، در هر بخشی که بر آن متمرکز شدیم و عزم صاحبان عزم را متوجه آن کردیم، به نتیجه رسیدیم.

ایشان همچنین در بیانات خود در جمع نمایندگان مجلس نیز با تشریح روند مبارزه نظام سلطه علیه انقلاب اسلامی ایران، حفظ نظام را معطوف بر مبارزه متقابل دانسته و همه عرصه‌ها از جمله عرصه مذاکرات را عرصه مبارزه دانسته و یادآور می‌شوند که: در همه این صحنه‌ها و چه در عرصه اداره کشور، چه عرصه فعالیت‌های گوناگون اقتصادی، علمی، فرهنگی و چه عرصه ساستگذاری، چه عرصه تقنین و چه عرصه مذاکرات خارجی و غیره، باید بدانیم ما در حال مبارزه‌ایم. در ادامه مبارزاتی و راهی که به پیدایش نظام و بقای نظام منتهی شد داریم حرکت می‌کنیم، این را باید بدانیم. این باید مثل

یک تفکر گسترده‌ای بر تمام فعالیت‌های ما حاکم باشد. براین اساس اگر میز مذاکرات نیز به عنوان یکی از عرصه‌های مبارزه نظام سلطه با نظام اسلامی تلقی شود توفیق بیشتر در آن مستلزم چند نکته راهبردی است.

- ۱-انجام مذاکرات عزتمندانه و مبتنی بر توانمندی‌ها اقتدار ملی؛
- ۲-ضرورت افزایش اعتماد به نفس تیم مذاکره‌کننده و حمایت از آن؛
- ۳-پرهیز از ایجاد فضای خوش‌بینی بیش از حد در مورد نتیجه مذاکرات؛
- ۴-ضرورت به کارگیری سیاست‌های متنوع تاکتیکی (بهره‌گیری از مذاکرات موازی، دیپلماسی لایه دوم و ...)
- ۵- پرهیز از پیوند زدن تحریم‌ها به نتیجه مذاکرات، برای مقابله با تحریم‌ها باید روش‌های دیگری را جستجو کرد که تلاش عملی همه‌جانبه مسئولان و مردم برای تحقق شعار سال، اصلی‌ترین نقشه راه تفوق در مذاکرات است؛
- ۶-تأکید بخش‌های دفاعی و نظامی کشور بر مخالفت با طرح موضوعات موشکی و ... در مذاکرات؛
- ۷-بررسی امکان فعال کردن بازیگران داخلی برای افزایش سطح مطالبه‌گری؛
- ۸-گفتمان واحد مسئولان در این عرصه، مبتنی بر تصمیم‌های مراجع راهبردی نظام؛
- ۹-حفظ وحدت داخلی و پرهیز از افتادن در دام چالش‌های سیاسی کاذب داخلی.

الزامات راهبردی سیاست خارجی مبتنی بر عزت، حکمت، مصلحت

علی آزرمی*

سیاست خارجی یکی از موضوعاتی است که همواره از اهمیت حیاتی برای کشورها برخوردار بوده است؛ زیرا اهداف تعیین شده برای یک کشور همراه با راهبردهای اتخاذ شده برای نیل به آن اهداف را در بر می گیرد. سیاست خارجی موفق می تواند موجب اعتلای یک کشور شده و برعکس سیاست خارجی ناموفق می تواند موجب افول و حتی نابودی آن گردد. سیاست خارجی به عنوان یکی از پویاترین و پرتحرک ترین عرصه فعالیت دولت ها محسوب می شود. کشورها با اتخاذ مشی های گوناگون در سیاست خارجی خود به دنبال تأمین منافع ملی هستند. با توجه به این ویژگی ها، سیاست خارجی در جمهوری اسلامی ایران نیز از اهمیت فوق العاده ای برخوردار بوده است. و دولت ها سعی دارند از ابزار سیاست خارجی برای تأمین اهداف و منافع جمهوری اسلامی استفاده کنند. اما دولت های ایران، در طول مدتی که از عمر انقلاب اسلامی مان می گذرد روش های گوناگونی را در حوزه سیاست خارجی اتخاذ نموده اند، که یکی از معیارهای مهم برای ارزیابی درستی یا نادرستی و حتی موفقیت یا عدم موفقیت هر کدام از آن جهت گیری ها، منطبق بودنشان با اصول اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و رهنمودهایی است که توسط حضرت امام خمینی^(ع) و مقام معظم رهبری مطرح شده است. یکی از پایه ها و چارچوب هایی که در سیاست خارجی توسط مقام معظم رهبری طرح گردیده است اصول سه گانه عزت، حکمت و

* دانشجوی دکترای علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان

مصلحت است؛ اصولی که به تعبیر مقام معظم رهبری یک مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین‌المللی ماست. اما این کلمات چه معنی دارند و به چه چیزی اشاره می‌کنند؟ عزت، همانطور که می‌دانیم برآمده از سنت دینی ماست «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه»، «لن یجعل الله الکافرین علی المؤمنین سبیلاً». ما برای خودمان، عزت را بر اساس اعتقاد و ایمان توحیدی که خاصیت و شاخصه تفکر اسلامی است و دل بستن به خدا و محبت به بندگان و خلائق الهی و لزوم خدمت به آنها قائلیم. پس ما هر قدرتی که می‌خواهد ابرقدرتی و تکبر و استکبار و فخرفروشی را در روابط خود با ملت‌های دیگر وارد بکند، رد می‌کنیم. اما حکمت، یعنی حکیمانه و سنجیده کار کردن. هیچ‌گونه نسنجیدگی را نباید در اظهارات دیپلماتیک و هر آنچه که مربوط به سیاست خارجی و ارتباطات جهانی است، راه داد. همه چیز باید سنجیده باشد. مصلحت، یعنی مصلحت انقلاب، و این مصلحت همه‌جانبه است.^۱

بر این اساس و با توجه به مطالب گفته‌شده در یادداشت پیش رو سعی خواهد شد تا ببینیم که چه نوع راهبردی در سیاست خارجی می‌تواند تأمین‌کننده اصول عزت، حکمت و مصلحت باشد؟ به عبارت بهتر چه نوع سیاست خارجی باید توسط دولت و دستگاه وزارت خارجه ما به کار گرفته شود تا بتواند در چارچوب اصول سه‌گانه تلقی شده و تأمین‌کننده اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران باشد؟

سیاست خارجی تعامل‌گرای ضد نظام سلطه؛ راهبردی مبتنی بر عزت، حکمت و مصلحت

رهبر معظم انقلاب اسلامی در نهم اسفندماه ۱۳۸۸ در دیدار با وزیر و مسئولان وزارت خارجه و سفرا و روسای نمایندگی‌های ایران در خارج از

^۱ - بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه ۱۳۷۰/۰۴/۱۸

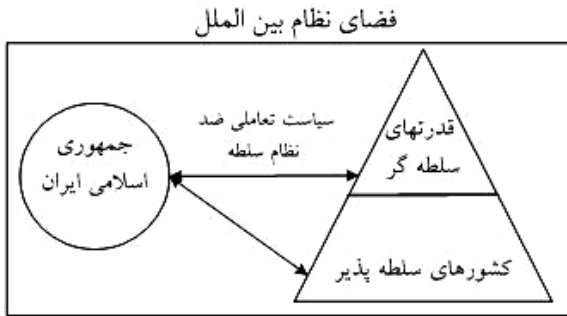
کشور به طرح راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دهه چهارم انقلاب اسلامی یعنی سیاست «تعاملی ضد نظام سلطه» پرداختند. ایشان فرمودند: انقلاب اسلامی پدیدآورنده یک منطق و سیاست نو در عرصه روابط بین الملل با عنوان سیاست «تعاملی ضد نظام سلطه» است. وظیفه سفیر و نماینده جمهوری اسلامی به کارگیری دیپلماسی کیفی، قوی و کارآمد برای پیشبرد «سیاست ضد نظام سلطه» است که لازمه آن ایستادگی منطقی بر اصول انقلاب و مبانی شرعی و رودربایستی نداشتن نسبت به این اصول و مبانی است. سیاست ضد نظام سلطه، دارای عقبه و پشتوانه‌های مستحکم استراتژیکی است که یکی از آنها پشتوانه عظیم مردمی انقلاب اسلامی است.^۱

اما سیاست تعامل گرای ضد نظام سلطه چگونه راهبردی است و چگونه اصول سه‌گانه عزت، حکمت و مصلحت را با خود به همراه دارد؟

در این سیاست خارجی، تأکید می‌شود که در نظام بین‌الملل دو طرف وجود دارد، یکی سلطه‌گر و دیگری سلطه‌پذیر. اما جمهوری اسلامی با این راهبرد اعلام می‌کند که نه سلطه‌گر است و نه سلطه‌پذیر. جمهوری اسلامی طرفین نظام سلطه را در شکل‌گیری این نوع نظام هژمونیک مقصر می‌داند و تنها راه حل را نیز مقاومت در برابر نظام سلطه بر می‌شمرد. بنابراین ویژگی اصلی این نوع سیاست خارجی، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری در عین تعامل‌گرایی در روابط خارجی است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی که یک سیاست تعاملی - تهاجمی است موجب نقش بر آب شدن اندیشه‌های شوم آمریکایی‌ها بوده است. این سیاست‌گذاری‌ها که رهنمودهای مقام معظم رهبری برای دستگاه دیپلماسی ایران بوده در دهه چهارم انقلاب ترسیم شد و عبارت بود از تعامل با کشورهای غیرمخاصم و تهاجم در مقابله با خصم. در

۱- سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع سفرا و مقامات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۸/۱۲/۹

واقع تعامل ما با همه کشورهایی است که از منظر مخاصمه با ایران اسلامی وارد نمی‌شوند و به تعبیر دیگر، سیاست تعامل برای آن دسته از کشورهایی اعمال می‌شود که در زمره کشورهای ضدنظام سلطه قرار دارند و طبیعی است کشورهایی که همواره با مشی و منش سلطه‌گری وارد عرصه گفتگو با ایران می‌شوند، هیچ جایگاهی در این تعامل نخواهند داشت. برای این دسته از کشورها فقط نسخه پیشنهادی، همان نسخه‌ای است که رهبر فرزانه انقلاب در سال ۸۶ بر آن تأکید داشتند؛ یعنی «سیاست تهاجمی» و هجمه به روش‌های سلطه‌گری قدرت‌های بزرگی همچون آمریکا، انگلیس و برخی دولت‌های پیاده‌نظام اروپایی که متأثر از شانتاژ تبلیغاتی آمریکا، اقداماتی را علیه ایران اسلامی در آژانس انرژی اتمی و برخی نهادهای بین‌المللی اعمال می‌کنند. در واقع بیانات مقام معظم رهبری مبتنی بر سه اصل «عزت، حکمت و مصلحت» نظام بوده است که با تبعیت از آن هرگز راه ناصواب طی نخواهد شد.



در این نوع سیاست خارجی همانند دیگر سیاست‌ها نیازمند یکسری توانایی‌ها و به عبارت بهتر پشتوانه‌های مستحکم و راهبردی هستیم که شاید گفت سه عامل را می‌توان به عنوان عقبه راهبردی یا به عبارت دیگر ضرورت‌های این راهبرد بر شمرد که عبارتند از:

۱- پشتوانه عظیم مردمی انقلاب اسلامی؛

۲- پیشرفت‌های علمی و فناوری دانشمندان ایرانی؛

۳- حجم عظیم آبادانی در کشور بعد از انقلاب.

مقام معظم رهبری این سه عامل را روحیه‌بخش و زمینه‌ساز اعتماد به نفس برای دستگاه دیپلماسی کشور می‌دانند که با اتکا به آن سیاست تعاملی ضد نظام سلطه را که در بر دارنده سه اصل عزت، حکمت و مصلحت است به پیش ببرد.

بنابراین با توجه به مطالب گفته‌شده پی می‌بریم که جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود تعامل‌گراست (امری که در ابلاغیه‌های سیاست‌های کلی نظام به آن اشاره شده است)؛ یعنی باب گفتگو و مذاکره با هر کشوری به جز رژیم صهیونیستی را باز می‌داند و تعامل را ضرورتی برای دفاع از هویت و اصالت انقلاب اسلامی و کیان جمهوری اسلامی تلقی می‌کند، اما در مقابل نظام سلطه (سلطه‌گر و سلطه‌پذیر) موضع منفی داشته و قائل به مبارزه و ضدیت با آن است و این ضدیت با نظام سلطه را بر آمده از یک حس دینی و غیرت ملی و احساس هویت و وجود و همچنین مبتنی بر عزت و حکمت از یک سو و مصلحت دنیای اسلام و کشور ایران از سوی می‌داند. نظام سلطه بر هر کشوری مسلط شود هویت ملی آن را نابود می‌کند و هویت نیز یعنی دین، فرهنگ، اراده و استقلال و اعتقادات، حکومت و حیثیت یک کشور.

شاید بتوان گفت که مهم‌ترین کارکردهای این نوع سیاست خارجی نیز ایجاد و تقویت حس مقاومت در برابر موج فزون‌خواهی نظام سلطه است که این زیاده‌طلبی‌های نظام سلطه با امنیت ملی کشورها و از جمله ایران که در منطقه کانونی فزون‌خواهی‌های هژمون قرار دارد در تقابل می‌باشد؛ بنابراین ویژگی اصلی این نوع سیاست خارجی، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری در عین

تعامل گرایی در روابط خارجی می باشد.

از دیگر ویژگی های سیاست خارجی تعامل گرایی ضد نظام سلطه به صورت تیتروار می توان اینگونه عنوان نمود:

- ۱- ارزیابی انتقادی به فرایندهای سیاست بین الملل؛
- ۲- تقسیم نظام بین الملل به دو گروه کشور؛
- الف: نظام سلطه (شامل کشورهای سلطه گر و کشورهای که سلطه را می پذیرد و با آن همراهی می کنند)؛
- ب: نظام ضد سلطه (شامل کشورهای که با سلطه گری مخالفت می کنند)؛
- ۳- مقابله با تهدیدها از راه ائتلاف سازی؛
- ۴- اجتناب از ائتلاف با کشورهای سلطه گر؛
- ۵- مبتنی بر الگوی اسلامی ایرانی؛
- ۶- برآمده از هویت دینی و دارای عناصر مبتنی بر آموزه های اسلامی و فقهی منطبق بر ارزش ها و هنجارهای اسلامی و نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران.

در حقیقت در مکتب سیاسی مقام معظم رهبری، خط درست دیپلماسی و سیاست خارجی به حفظ جهت گیری اسلامی و عزت مندانه و شجاعت در مقابل تهدیدهای دشمنان و قدرت های بزرگ بستگی دارد و برای انجام این مهم نیز باید معتقدترین، خبره ترین، وفادارترین، صمیمی ترین، خوش فکرتین و پرانگیزه ترین انسان ها در دستگاه دیپلماسی مجتمع شوند تا بتوانند تهدیدها را به فرصت تبدیل و منافع ملی کشور را حراست کنند. این در حالی است که مقام معظم رهبری توجه و رویکرد به تعامل با کشورها و جامعه جهانی را به عنوان یکی از اصول دیپلماسی ایران تثبیت کرده و همانطور که اشاره شد، به باور ایشان تماس و تبادل با کشورهای دیگر در

صحنه بین‌المللی صرف نظر از مذاکرات و امور جاری دستگاه‌های اداری دولت‌های پس از انقلاب، ضرورتی برای دفاع از هویت و اصالت انقلاب اسلامی و کیان جمهوری اسلامی ایران بوده و هست.

در نتیجه استقرار مخالفت با سلطه‌پذیری در سطوح دولت‌ها و ملت‌ها، عدم رابطه و معامله با رژیم صهیونیستی، پیروی از خط امام در سیاست خارجی، سرعت عمل در مسائل جهان، تبعیت از اصل خدشه‌ناپذیر و بدون تغییر نه شرقی، نه غربی، عدم عدول از مواضع اصلی نظام، توجه ویژه به اهداف راهبردی، ائتلاف سازی‌های راهبردی، مجموعه‌سازی در سیاست خارجی، استفاده از ظرفیت‌های جهان اسلام، نقش‌آفرینی برای اسلام، توجه به معنای بیداری اسلامی، ارتباط با کشورهای آفریقایی، تبدیل شدن تهدیدها به فرصت‌ها با مهارت دیپلماسی، خط درست دیپلماسی، انقلابی‌گری در دیپلماسی، لزوم بیان صریح مواضع و برخورداری از عقل دیپلماسی از جمله اصول و مبانی مشخصی هستند که از نظر رهبر انقلاب می‌بایست در سیاست خارجی کشور توجه ویژه‌ای به آنها مبذول داشت.

همچنین ایشان در سال ۱۳۹۲ با توجه به شرایط بین‌المللی و تلاش نظام سلطه برای ضربه زدن به ایران اسلامی به بهانه‌هایی چون پرونده هسته‌ای بر «نرمش قهرمانانه» در دیپلماسی و سیاست خارجی در چارچوب همین راهبرد تأکید ورزیدند. و آن چیزی را که مقام معظم رهبری به عنوان نرمش قهرمانانه نام بردند نیز معطوف به کنش تاکتیکی است، یعنی بدانیم که طرف مقابل چه می‌خواهد بدانیم چه راهکارهایی را دارد، بدانیم چه ابزارهایی دارد، اراده خود را از دست ندهیم؛ زیرا که از دست دادن اراده به معنی پایان راهبرد است و نرمش قهرمانانه یعنی حرکت عزتمندانه و حکیمانه البته با توجه به مصالح نظام اسلامی در سیاست خارجی.

بنابراین چنانچه دولت بخواهد در چارچوب اصول عزت، حکمت و

مصلحت عمل نماید به ضرورت باید در عملکرد و راهبردهای خود مآلفه‌های تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه را همزمان دارا باشد. این راهبرد تفکیک شدنی نبوده و تعامل در چارچوب مقاومت‌گرایی و ضدیت با نظام سلطه و مقاومت‌گرایی نیز در چارچوب تعامل باید توجه شود و هر روشی که به ضرورت‌های هر دو اصل توجه نکند طبعاً خارج از مثلث عزت، حکمت و مصلحت نیز حرکت نموده است. اما همانطور که در ابتدای این یادداشت نیز اشاره شد معیار ارزیابی عملکرد دولت‌ها در سیاست خارجی میزان انطباق عملکرد آنان با اصول سه‌گانه عزت، حکمت، مصلحت و مشخصاً راهبرد تعاملی ضد نظام سلطه است، یکی از موضوعاتی که در چند ماهه اخیر و در سیاست خارجی دولت می‌توانیم مورد بررسی و ارزیابی قرار دهیم مذاکرات هسته‌ای است. که ببینیم تا چه اندازه مبتنی بر سه اصل مذکور و در چارچوب تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه بوده است؟ به نظر می‌رسد که متأسفانه در این امر تا حدودی از اصول سه‌گانه عدول شده است به این صورت که اگر دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای را در زمره منافع حیاتی کشور تلقی کنیم موافقتنامه ژنو به منزله آن چیزی است که در آن منافع حیاتی ما نادیده گرفته شده است؛ چرا که غنی‌سازی در درون متن موافقتنامه نادیده گرفته شده است، به این صورت که بر اساس متن توافقنامه باید غنی‌سازی ۲۰ درصد را به ۵ درصد برسانیم و ۵ درصد از هگزا فلوراید آمونیوم را به اکسید آمونیوم تبدیل کنیم، این یعنی یک کار بیهوده و بی‌ثمر. درحالی‌که منطبق با اصول سه‌گانه این یعنی عدم توجه به مصلحت و ضرورت‌های راهبردی و همچنین پشتوانه‌های استراتژیکی نظام جمهوری اسلامی ایران. و هنگامی که مصالح کشور تأمین نشود طبعاً روشی عزتمندانه و حکیمانه اتخاذ نشده است. امری که در مذاکرات اخیر در وین تا حدودی به آن توجه گردید و سعی شد تا کاستی‌های روش اتخاذشده در مذاکرات ژنو را مرتفع نمایند. امیدواریم که

دست‌اندرکاران سیاست خارجی در دولت یازدهم با نزدیک‌تر کردن اقدامات خود به بایسته‌های راهبردی در سیاست خارجی که مبتنی بر اصول عزت، حکمت و مصلحت باشد و در این یادداشت به آن اشاره شد (راهبرد سیاست خارجی تعامل‌گرای ضدنظام سلطه) موجب تأمین منافع ملی و اسلامی‌مان شده و رشد و شکوفایی همه‌جانبه کشور عزیزمان را تحت زعامت و هدایت مقام معظم رهبری و توجهات ویژه امام عصر^(عج) شاهد باشیم.

فرهنگ و اقتدار ملی

رمضان شعبانی سارویی*

چکیده

بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. فرهنگ به یک معنا تراوش‌های فکری بشری است که بشر از دیرباز تاکنون برای اعتلای خویش اندیشیده و سبب تعالی انسان‌ها شده است و در معنای صحیح‌تر و وسیع‌تر به مجموعه دانسته‌های هنجاری و اثباتی بشری گفته می‌شود که آن را از منابع عقلی و نقلی دریافت کرده است. از سوی دیگر، قدرت و توانایی دارنده آن برای واداشتن دیگران به تسلیم در برابر خواست خود به هر شکلی است. اقتدار، قدرت مشروع است که مشروعیت خود را بر اساس دین، قانون، سنت و... به دست می‌آورد. اقتدار ملی برآیند و نتیجه قدرت‌های اقتصادی، نظامی، فرهنگی، سیاسی، علمی و فناوری مشروع است. مسأله مورد نظر این مقاله این است که نقش فرهنگ به عنوان یکی از عوامل در اقتدار ملی چیست؟ در مشخص ساختن فاکتورها و مؤلفه‌های فرهنگ در اقتدار ملی، این گفتار در تلاش است ضمن تدوین و تعریف مفهوم فرهنگ و اقتدار ملی، نقش فرهنگ در اقتدار ملی مورد تأمل قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: فرهنگ، قدرت، اقتدار، اقتدار ملی.

مقدمه

فرهنگ یکی از مهم‌ترین عناصر در تشکیل یک جامعه‌ی ایده‌آل است. در

* shabani_Ramzan@yahoo.com^۱

* دکترای مهندسی سیستم‌های فرهنگی دانشگاه جامع امام حسین (ع)^(ع)

همه‌ی تحلیل‌های علوم اجتماعی و مرتبط با اداره جامعه گفته می‌شود که باید به طور هم‌زمان پنج بخش را مورد بررسی و کنترل داشت تا بتوان جامعه را به معنای واقعی به مسیری که مورد نظر است، هدایت نمود که این موارد عبارتند از بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و علمی فناوری. البته این عناصر با یکدیگر ارتباط بسیار زیادی در جهت تأثیر و تأثر دارند. در اهمیت فرهنگ، سخن امام خمینی^(ره) گویاتر از همه، اولویت فرهنگ را تبیین می‌کند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هرچند جامعه از بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی، قدرتمند و قوی باشد، ولی پوچ و میان تهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ غرب باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد» (امام خمینی، ج ۱۵، ص ۱۶).

در منظر مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نیز «فرهنگ به معنای خاص برای یک ملت، عبارت از ذهنیات، اندیشه‌ها، ایمان‌ها، باورها، سنت‌ها، آداب و ذخیره‌های فکری و ذهنی برای یک ملت است. بخش عمده فرهنگ، همان عقاید و اخلاقیات یک فرد یا یک جامعه است. رفتارهای جامعه هم که جزو فرهنگ عمومی و فرهنگ یک ملت است، برخاسته از همان عقاید است. در واقع، عقاید یا اخلاقیات، رفتارهای انسان را شکل می‌دهند و به وجود می‌آورند. بنابراین، فرهنگ، مثل روحی است که در کالبد همه فعالیت‌های گوناگون کلان کشوری، حضور و جریان دارد» (بیانات رهبری در دیدار جمعی از شعرا، ادبا، فرهنگیان و دانشگاهیان استان

آذربایجان شرقی(۱۳۷۲/۵/۹) و دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۷۹ و ۱۳۸۱).

پدیده «اقتدار ملی» یعنی رسیدن به مشخصه‌هایی که به یک کشور امکان می‌دهد تا در مقابله با تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی دوام آورده و در راه پیش‌برد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی، انسانی و مهم‌تر از همه فرهنگی، قدم بر دارد و در این مسیر، آن که نقشی بیش از همه دارد، همانا نقش عوامل فرهنگی و ارزشی در کمک به اقتدار ملی است (خدایی، ۱۳۷۶، ۷۶).

بدین لحاظ عوامل اقتدار ملی در بیانات مقام معظم رهبری شامل موارد زیر است: «قوی شدن یک ملت به این نیست که تسلیحات جنگی پیشرفته‌ای داشته باشد، البته تسلیحات هم لازم است. اما فقط با تسلیحات هیچ ملتی قوی نمی‌شود. من وقتی نگاه می‌کنم سه عنصر را پیدا می‌کنم. این سه عنصر اگر مورد توجه قرار گرفتند یک ملت قوی می‌شود: یکی اقتصاد، یکی فرهنگ و سومی علم و دانش»... عزیزان من، فرهنگ مهم‌تر از اقتصاد است. چرا؟ چون فرهنگ، به معنای هوایی است که ما تنفس می‌کنیم؛ شما ناچار هوا را تنفس می‌کنید، چه بخواهید، چه نخواهید؛ اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد؛ اگر این هوا کثیف باشد، آثار دیگری دارد. فرهنگ یک کشور مثل هوا است، اگر درست باشد آثاری دارد (بیانات نوروزی رهبر انقلاب در حرم رضوی ۱۳۹۳/۱/۱).

به دلیل اهمیت فرهنگ در طول تاریخ بشر و با بررسی تهاجم فرهنگی در گذشته و حال و تأثیر آن بر اقتدار ملی درمی‌یابیم که اولاً فرهنگ همانند سایر مؤلفه‌ها و عناصر مادی مولد قدرت، یک پدیده نافذ و تأثیرگذار بر روابط متقابل کشورهاست. ثانیاً قابل مبادله بودن کالاهای فرهنگی (حامل بار ارزشی) است؛ بنابراین امکان بر هم خوردن موازنه و به وجود آمدن تراز منفی میان کشورها خواهد بود (کاظمی، ۷۴). پس هنگامی که جامعه‌ای تحت تأثیر

تهاجم فرهنگی قرار می‌گیرد، شعور متعارف حاکم بر آن جامعه بیش از پیش متوجه پدیده‌ها خواهد شد و کمتر به روابط میان آنها فکر خواهد کرد. در چنین جامعه‌ای بیشتر به معلول‌ها توجه می‌شود و مطالعه روی علت‌ها را تحلیل می‌برد. این امر بدان سبب است که تهاجم فرهنگی احساس و اندیشه ملی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. وجود نگرش جهت‌دار و سلطه‌گرانه ویژگی اصلی تهاجم فرهنگی می‌باشد که در جوامع مختلف قابل رؤیت است. در طول تاریخ قدرت‌های سلطه‌گر همواره سعی داشته‌اند به نحوی با دخل و تصرف در بافت اجتماعی جامعه، اهداف و مقاصد خویش را دنبال کنند. از ویژگی‌های تهاجم فرهنگی: ۱- مسخ فرهنگ، ۲- از بین بردن ارزش‌ها، ۳- سعی در سلطه فرهنگی خویش و تکمیل مثلث زور، زر و تزویر است (فصلنامه مطالعات راهبردی) که در نهایت باعث تضعیف قدرت مشروع (اقتدار ملی) می‌شود. با این توصیف اهمیت نقش و کارکردهای مختلف فرهنگ در جامعه دینی همانند نظام جمهوری اسلامی که فرهنگ نقش تعیین‌کنندگی در مناسبات گوناگون جامعه دارد و از سوی دیگر قدرت هجوم فرهنگی انقلاب اسلامی از یکسو و رویارویی و تهاجم فرهنگی غرب به نظام دینی در طول بیش از سه دهه گذشته ادامه داشته است، ما را بر آن می‌دارد تا به بررسی مناسبات فرهنگ و اقتدار ملی و نقش مهم فرهنگ در این عرصه بپردازیم.

مبانی نظری

مفهوم‌شناسی

در مفهوم‌شناسی و تعریف واژگان اصلی، مهم‌ترین مفاهیم کاربردی در این مطالعه عبارتند از:

۱- فرهنگ: واژه فرهنگ (طالقانی، ۱۳۸۴، ۱۱۹) در زبان فارسی

برگرفته (فرهنگ)^(۱) پهلوی است (محمد معین، فرهنگ فارسی معین، مدخل فرهنگ) از ترکیب پیشوند «فر» به معنای جلو، بالا و «هنگ» که به معنی برکشیدن و متعالی ساختن، و با کلمات هیختن و فرهیختن هم‌ریشه است. در تعریف‌های ارائه‌شده از سوی اندیشمندان اسلامی، تعریف شورای عالی انقلاب فرهنگی از فرهنگ تعریف کامل‌تر و جامع است که عبارتند از: «نظام‌واره‌ای است از باورها و مفروضات اساسی، ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری ریشه‌دار و دیرپا و نمادها و مصنوعات که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد^(۲)». مهم‌ترین شاخص‌های تشکیل‌دهنده فرهنگ عبارتند از:

الف) اعتقادات: مجموعه عقایدی است نسبت به جهان هستی و جایگاه انسان در آن که ریشه در فطرت انسان دارد و از تعامل انسان با محیط و با هدایت و راهنمایی عقل حاصل می‌شود. این عقاید چارچوب نظری فرد نسبت به جهان هستی یا هر موضوع دیگری را شکل می‌دهند؛ مثل اعتقاد به خدا.

ب) باورها: مفروضات پنهان یا الگوهای ذهنی پذیرفته‌شده‌ای است که ریشه در اعتقادات افراد دارد و در عمل رفتار آنان را هدایت می‌کنند و به آنان شیوه فکر کردن، شیوه درک کردن و شیوه احساس کردن، شیوه عمل کردن در مورد پدیده‌ها، رویدادها و نقش‌ها را می‌آموزند.

ج) ارزش‌ها: ارزش‌ها حکایت از مطلوبیت و مفید بودن پاره‌ای از امور زندگی انسانی دارند. ارزش عبارت از بار معنایی خاص که انسان به برخی از اعمال، پاره‌ای از حالات و بعضی از پدیده‌ها نسبت می‌دهد و برای آن در زندگی خود جایگاه خاصی قائل است. مانند ارزش عدالت یا آزادی که به شدت رفتارها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

د) هنجارها: هنجارها و مقررات نه تنها تعیین کننده نوع رفتارهایی هستند که در شرایط خاص باید یا نباید انجام شوند، بلکه بر اساس هنجارها می توان رفتارهای افراد را در موقعیت و شرایط زمانی و مکانی خاص پیش بینی کرد.

ه) رفتارها: نمادهای بیرونی و اقدام و عمل های برخاسته از اعتقادات، باورها، ارزش ها و هنجارهای حاکم بر افراد در عرصه های مختلف آشکار می شود.

در جهان بینی اسلامی، فرهنگ به معنای اخص آن مشتمل بر نظام اعتقادات، ارزش ها، اخلاقیات و رفتارها بوده و منبعث از وحی و جهت دهنده و محتوابخش نظام ها و بخش های جامعه است. باورها و اعتقادات و ارزش های اسلامی، شاکله نهادها و سازمان جامعه اسلامی را ایجاد و در تار و پود اندیشه و تفکر و کردار و رفتار فردی و اجتماعی فرد مسلمان تنیده شده است. چنین یکپارچگی و درهم تنیدگی کل نمای اعتقادات و باورها، ارزش ها و رفتارها، دین اسلام را به یک فرهنگ (فرهنگ اسلامی) مبدل ساخته است. فرهنگ اسلامی در هر جامعه و کشوری با حفظ ماهیت و اصالت الهی و جهان شمول خویش، شکل و صورتی متناسب با مقتضیات جغرافیایی، تاریخی، زبانی و... به خود می گیرد. فرهنگ اسلامی- ایرانی همان فرهنگ متعالی اسلامی است که در روح و کالبد فرهنگ ایران زمین دمیده شده و متناسب با تاریخ، جغرافیا، مذهب، زبان و... در طی ۱۴ قرن گذشته توسعه و تکامل یافته است (نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ۱۳۹۲).

۲- قدرت: مفهوم قدرت به معنای توانایی دارنده آن برای واداشتن دیگران به تسلیم در برابر خواست خود به هر شکلی است. در بینش اسلام منشأ قدرت از آن خداست. بر اساس اعتقاد توحیدی، خداوند رب و صاحب اختیار هستی و انسان هاست. در تفکر سیاسی اسلام قدرت در دولت اسلامی

امانت الهی است؛ زیرا حاکم اسلامی، خلیفه خداوند و جانشین پیامبر اسلام^(ص) است و او وارث این امانت است (عمید زنجانی، ۱۳۶۶، ۲۰۰).

مهم‌ترین انواع قدرت عبارتند از:

الف) قدرت سیاسی: بسیاری از متفکران سیاسی غرب معتقدند قدرت سیاسی توانایی نهایی کنترل رفتار و اعمال دیگران است. عوامل متعددی از جمله محرک‌های سیاسی، طبیعی (سیل، زلزله و آتشفشان)، سیاسی انسانی و سیاسی- اجتماعی (طبقات متشکل، گروه‌های اقشار، انجمن‌های نژادی و فرهنگی) در فرآیند پیچیده قدرت سیاسی مؤثرند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: ثبات سیاسی، شکل حکومت، کیفیت رهبری، مشارکت سیاسی و اعتبار ملی (قوام، ۱۳۷۳، ۱۳۴).

ب) قدرت اقتصادی: توانایی تولید پویای محصولات مورد نیاز، توزیع و مصرف مناسب ثروتهای مادی در محیط ملی و امکان حضور و رقابت اقتصادی در صحنه بین‌المللی است. شاخص‌های قدرت اقتصادی عبارتند از: تولید ناخالص ملی، رشد سالیانه، کیفیت جمعیت و نیروی انسانی، منابع کانی، میزان تورم، میزان سهم از تجارت و سرمایه‌گذاری جهانی، مالیات‌ها و تعرفه‌ها و نحوه تولید (تک‌محصولی یا چندمحصولی).

ج) قدرت علمی و فناورانه: قدرت علمی، توانایی تولید دانش، تربیت منابع انسانی ماهر و فناوری برای تحقق اهداف مربوطه است. شاخص‌های قدرت علمی چنانچه، در تعریف آن مستتر است، عبارتند از: تولید دانش، منابع انسانی ماهر و فناوری در چهار حوزه بیوتکنولوژی، نانو تکنولوژی، فناوری مواد و فناوری اطلاعات.

د) قدرت نظامی: عبارت است از تمامی نیروهای مسلح همراه با سایر عناصر قدرت ملی از قبیل قدرت سیاسی، قدرت اقتصادی، قدرت فرهنگی و توانایی کشور در به کار بردن نیروهای مسلح برای پشتیبانی از سیاست ملی.

ه) قدرت فرهنگی: عبارت است از توان استفاده از عقاید، الگوهای رفتاری، هنر، سنت‌ها و ویژگی‌های فکری و... برای تحقق اهداف مورد نظر و مقابله با تهاجم فرهنگی.

با این توصیف قدرت ملی ظرفیت کلی یک کشور در دستیابی به منافع ملی و یا به عبارت دیگر مجموعه نیروهای مادی و معنوی یک ملت است. قدرت ملی برآیند و نتیجه انواع قدرت است.

۳- تعریف اقتدار

الف) تعریف لغوی اقتدار

«اتوریته» (اقتدار)، در زبان انگلیسی از دو واژه کهن لاتین مشتق شده است که معنای لغوی آن را شکل می‌دهند: الف. واژه Auctor که "Author" انگلیسی بوده و در فارسی به «بانی» ترجمه می‌شود. ب. واژه Auctoritas که معادل Authorizortion انگلیسی بوده و در فارسی به معنای ایجاد و ابداع است. حال با توجه به ملاحظه فوق و معنای واژه Authorization – که از آن به ابداع و انشا تعبیر شده و در حوزه‌های فکری، عقیدتی و فرماندهی به صورت یکسان به کار می‌رود- می‌توان چنین نتیجه گرفت که معنای ساده لغت‌شناختی «اقتدار» آن است که، فرد از چنان ویژگی‌ای برخوردار باشد که حرف او در موضوع یا مسائلی که پیش می‌آید، حرف آخر باشد و دیگران به آن گردن نهند.

اقتدار واژه‌ای عام بوده و در سطوح مختلف فردی – گروهی قابل طرح است، اقتدار ملی جنبه خاص دارد و بر مجموع توانمندی‌های یک ملت در سطوح مختلف رهبری، کارگزاران، توده مردم و نهادهای مربوط، ناظر است. این ملاحظه ناشی از اضافه شدن وصف «ملی» برای این واژه می‌باشد که قاعدتاً به آن فراخی خاصی می‌بخشد. دوم آن که، جنس اقتدار ملی از «قدرت سیاسی» است، برخلاف «اقتدار» که از «قدرت» به معنای عام آن

تغذیه می‌کند.

ب) تعریف اصطلاحی

یک. رویکرد حقوقی

از این منظر اقتدار یک رابطه است که بر اساس قانون شکل گرفته و اعمال آن قدرت حقوقی، به اقتدار می‌انجامد. لاسول و کاپلان و سایر همکاران وی در «قدرت و جامعه: چارچوبی برای پژوهش سیاسی» بر این نکته انگشت گذارده آن رانوعی «ارتباط» می‌دانند که در بستر حقوقی شکل می‌گیرد و از قابلیت «بسط معقول» برخوردار است. در فرهنگ انگلیسی اکسفورد نیز همین رویکرد وجود دارد، آنجا که اقتدار به «حق واداشتن دیگران به اطاعت»، «حق فرماندهی یا رایحه تصمیم نهایی» و «حق مورد اعتماد بودن» تعریف شده است.

دو. رویکرد عملی

«عمل‌گرایان» برخلاف اندیشه‌گرایان گروه نخست، بیشتر متوجه عرصه عملی بوده و بدون توجه به این که آیا فرد و یا نهادی از حق اولیه‌ای برای اعمال قدرت برخوردار است یا خیر، به سلسله روابط موجود در جامعه بین فرمانبران و فرماندهان نظر دارند و اینکه آیا رأی فرماندهان به طور کامل اجرا می‌شود یا خیر؟ در صورت نخست، ما با پدیده اقتدار مواجه هستیم و لو اینکه حقوق مؤید این نوع از ارتباط نباشد. تعاریفی چون «قدرت تأثیر گذاشتن بر رفتار دیگران»، «نفوذ شخصی یا عملی» «سلطه و سیطره به آرا و عقاید دیگران»، «نفوذ فکری» و «تفوق اخلاقی» با همین رویکرد از اقتدار، رایحه شده‌اند.

دو رویکرد بالا از آنجا که بر تولید معانی متعددی از اقتدار منتهی شده، در مقام عمل به یأس و نومیدی از تعریف اصطلاحی اقتدار منجر شده و ضرورت این کار را کاهش داده است. تا آنجا که «رابرت. ال

پیبادی» (Robert L. peabody) پس از سیری اجمالی در تعاریف موجود چنین نتیجه می‌گیرد که: «به نظر می‌رسد که دنبال کردن بحث تعریف اقتدار به عنوان مورد خاصی از قدرت یا نفوذ، ارزش چندانی ندارد، دانشمندان علوم اجتماعی (متأسفانه) تا کنون نتوانسته‌اند (حتی) تعریف دقیق و عملی همه‌پذیری از قدرت- (که زیر بنای شناخت بسیاری از واژگان دیگر) و از جمله اقتدار را تشکیل می‌دهد و مفهوم مادر به حساب می‌آید)- ارائه دهند. حتی اگر تعریف عملی از این مفاهیم ارایه شود، به نظر می‌رسد بیش از آن که مشکلات را حل کند، به آنها دامن خواهد زد» (افتخاری، ۱۳۸۳-۱۳۸۴).

ب. تحلیل محتوا

مهم‌ترین ویژگی‌های مفهومی «اقتدار» عبارتند از:

اول: مشروعیت

از بررسی تلاش‌های مزبور برای تعریف در روشن کردن مفاهیم یادشده (چون قدرت، زور، فشار و...) چند نتیجه به دست می‌آید: نخست این که آنچه به وضوح اقتدار را از زور، فشار و قدرت از یک سو و از هدایت، ترغیب و نفوذ از سوی دیگر متمایز می‌کند، مسأله مشروعیت است. فرادستان (مافوق‌ها) احساس می‌کنند که دارند دستور صادر می‌کنند و زیردستان نیز اطاعت را یک تعهد و وظیفه می‌دانند. اگر ارتباط مزبور زیر سؤال برود، در این صورت اقتدار کاهش می‌یابد و پیوندی که این افراد را در کنار هم نگه می‌دارد، با خطر گسستگی روبه‌رو می‌شود. اقتدار زمانی در قوی‌ترین حال است که زیردستان دستورها را قبل از صادر شدن، پیش‌بینی کنند.»

عبارت «پیبادی» به صورت آشکاری بر خصلت بنیادین «اقتدار» اشاره دارد که عنصر «مشروعیت» باشد. این مفهوم بیش از همه در اندیشه

سیاسی «ماکس وبر» مطرح می‌باشد که به صورت کلاسیک به تفکیک گونه‌های ایده‌آلی «مشروعیت» همیت گمارده و از سه گونه، قانونی، سنتی و فرهی سخن به میان آورده است.

دوم: التزام طرفینی

گذشته از مشروع بودن اعمال قدرت نزد مردم در الگوی اقتدار، لازم می‌آید که مردم و حاکمان همدیگر را بپذیرند و محترم بپندارند. به عبارت دیگر حاکمان نیز باید دربارهٔ مردم دیدگاه و نظری مساعد داشته باشند؛ چرا که اقتدار در فضایی با مقبولیت طرفینی می‌روید.

سوم: تطبیق فرهنگی

هیچ یک از الگوهای قدرت بدون داشتن انطباق با مبانی فرهنگی یک جامعه، نمی‌توانند به «اقتدار» تبدیل شوند. به عبارت دیگر در جامعه‌ای سنتی می‌توان سراغ از قدرت‌های بوروکراتیک گرفت، ولی نمی‌توان اقتدار بوروکراتیک را بنیان نهاد. پس لازم است تا بین قدرت و الگوی فرهنگی جامعه انطباقی حاصل آید و بدین ترتیب، قدرت بتواند تا سطح یک الگوی اقتدار موفق بالا رود. مطالعات مهمی در این زمینه صورت پذیرد که آلموند (Almond) و «وربا» (verba) بنیان‌گذار آن هستند. در این حوزه مطالعاتی پژوهشگران به مقوله مهم «فرهنگ سیاسی» عطف توجه نشان داده‌اند و به تحلیل رابطه فرهنگی سیاسی با اقتدار ملی پرداخته‌اند. ایشان سه الگوی ایده‌آلی فرهنگ را از یکدیگر تمییز داده‌اند که عبارتند از: مشارکتی (Participant)، انقیادی (Subject) و محدودنگرانه (Parochial). هر یک از این سه الگوی فرهنگی، اقتدار را به گونه‌ای خاص تعریف می‌نماید.

چهارم: حقانیت

اقتدار اگر چه با «مشروع پنداشتن» اعمال قدرت از سوی حاکمان و مردم بر پا می‌شود، اما استحکام آن بدون توجه به عنصر حقانیت غیر ممکن به نظر

می‌رسد. از این منظر، اقتدار با «حق انجام عمل» تعریف می‌شود.

پنجم: توفیق

ویژگی‌های پیشین ناظر به ابعاد معنایی اقتدار بود که کمتر بر وجهه بیرونی آن اشاره داشت. این در حالی است که قدرت‌های اغلب (یا پیوسته) ناکام نمی‌توانند، مقتدر باشند. «دژونل» با توجه به همین مهم است که وجهه عملی اقتدار را به عنوان یکی از عناصر محتوایی اقتدار مورد تأکید قرار داده، می‌گوید: فرد مقتدر باید بتواند نظراتش را به دیگران بقبولاند. وی اقتدار را این چنین تعریف می‌کند: «منظور من از اقتدار، همانا توانایی‌ای است که کسی برای قبولاندن پیشنهادهایش به دیگران دارد» (افتخاری، ۱۳۸۳-۱۳۸۴).

۴- اقتدار ملی:

به قدرت دارای مشروعیت که از ناحیه یک حکومت در یک کشور برای تأمین و تحقق اهداف و منافع ملی آن کشور اعمال می‌گردد، اقتدار ملی گفته می‌شود. اقتدار ملی برآیند ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی همراه با حفظ شرافت‌های انسانی است که می‌تواند باعث اعتلا و سربلندی آن جامعه در عرصه داخلی و بین‌المللی شود و امکان توطئه، تطمیع و تجاوز را از بیگانگان بگیرد (سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، ۱۳۸۲، ۱۹).

مؤلفه‌ها و عناصر اقتدار ملی همان مؤلفه‌های قدرت ملی (قدرت سیاسی، قدرت نظامی، قدرت اقتصادی، قدرت علمی و قدرت فرهنگی) هستند که دارای مشروعیت می‌باشند.

چارچوب مفهومی

۱- مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی

با جمع‌بندی از مباحث مفهوم‌شناسی اقتدار ملی نتیجه‌گیری می‌شود که

اقتدار ملی برآیند و حاصل اقتدار فرهنگی، نظامی، اقتصادی، سیاسی و علمی فناوری است. بر این اساس می‌توان گفت در کنار دیگر عوامل اقتدار ملی (سیاسی، اقتصادی، نظامی، علمی فناوری) نقش فرهنگ و ارزش‌ها بیشتر نمود پیدا می‌کند؛ زیرا مقابله خارجی و داخلی با دیگر عناصر جامعه، به شکل نمادین و ظاهری خواهد بود و به عکس این تهدید نسبت به فرهنگ و ارزش‌های جامعه ممکن است، پنهانی بوده و از درون، فرهنگ و ارزش‌ها را دچار فرسایش کرده و آنها را استحاله یا دگرگون سازد.

مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی

در بررسی تعریف‌های انجام‌شده از فرهنگ، مهم‌ترین شاخص‌های فرهنگی اقتدار ملی را می‌توان شامل سه عنصر اساسی «دین، وحدت ملی و هویت ملی» بیان کرد که در عبارت زیر تبیین می‌شود:

۱- دین: شهید آیت‌الله مطهری معتقد است: دین یا مکتب «فلسفه زندگی»، انتخابی آگاهانه و آرمان‌خیز مجهز به منطق است که بشر را وحدت می‌بخشد و آرمان مشترک می‌دهد و ملاک خیر و شر و باید و نباید برایش می‌گردد (مطهری، ۱۳۵۹، ۴۵).

با عنایت به بینش اسلامی، «یکتاپرستی و توحیدمحوری، حاکمیت الهی، ولایت‌مداری، مهدویت‌گرایی، شهادت‌طلبی، ظلم‌ستیزی و استقلال‌خواهی، عدالت‌طلبی» به عنوان مهم‌ترین شاخص‌های دین اسلام ملاک عمل قرار گرفته است. منظور از یکتاپرستی، وحدانیت و پرستش خدای یگانه، و منظور از حاکمیت الهی، فرمانروایی خداوند بر جهان است.

۲- وحدت ملی: عبارت است از: «چگونگی واکنش مردم در باب دفاع از منافع عمومی و مصالح کشور» (روشندل، ۱۳۷۴: ۸۱)؛ به عبارت دیگر، «هم‌سویی و وفاق همه آحاد بر آنچه مورد قبول همه است» (فاضلی، ۱۳۸۱: ۱۱۷) و مهم‌ترین شاخص‌های وحدت ملی عبارتند از:

الف- وفاق اجتماعی: منظور از وفاق اجتماعی یعنی اجماع شهروندان بر سر ارزش‌ها و اعتقادات مشترک (نیک گوهر، ۱۳۶۹، ۳۶۹) و یا به عبارت دیگر توافق جمعی بر سر مجموعه‌ای از اصول و قواعد اجتماعی می‌باشد (چلی، ۱۳۷۳: ۱۷).

ب- بسیج عمومی: منظور از بسیج عمومی، مسلح کردن افراد کشور بدون انضمام ایشان به ارتش منظم، به منظور دفاع در مقابل خطر خارجی و یا به عبارت دیگر توسعه و تقویت توان رزمی کشور از طریق ایجاد و تشکیل سازمان‌هایی جدید و افزایش پرسنل (کارکنان) نظامی بر نیروهای نظامی موجود و پرسنل (کارکنان) احتیاط و بسیج منابع مالی برای تأمین نیازهای ناشی از جنگ یا شرایط اضطراری کشور است (آقابخشی، ۱۳۷۹، ۲۳۲).

۳- هویت ملی: هویت، بیانگر چه کسی بودن است که از احتیاط بشر به شناخته شدن و شناسانده شدن به چیزی یا جایی ناشی می‌شود. سرزمین، تاریخ، زبان، ادبیات، دین، ساختار سیاسی و هنر مشترک از جمله عناصر تشکیل‌دهنده هویت شمرده می‌شوند (آقابخشی، ۱۳۷۹، ۲۶۵).

مهم‌ترین شاخص‌های هویت ملی عبارتند از:

الف- تمامیت ارضی: منظور از تثبیت مرزهای جغرافیایی یک کشور و یا به بیان دیگر تمامیت ارضی به این معنی است که هیچ‌گاه نباید پاره‌ای از کشور یا وطن جدا شود (آقابخشی، ۱۳۷۹، ۵۸۱).

ب- تاریخ: سرگذشت یا سلسله اعمال، وقایع و حوادث قابل ذکر است که به ترتیب از منته تنظیم شده باشد (معین، ۱۳۷۷، ۱۰۰۱). تاریخ، جهان مادی یا گذشته زنده بشری را تصویر می‌کند.

ج- قانون: جلوه‌گر اعتقادات و هنجارهای مورد قبول یک ملت است و با توجه به اختلاف نظر در منشأ آن مبین هویت و باورهای ملت‌ها می‌باشد. قانون با به رسمیت شناختن مفاهیم و مناسبات خاص و تعیین ضمانت

اجرای مناسب در کنار سایر عوامل و نیروهای اجتماعی، رسماً از برخی مناسبات حمایت کرده و در تثبیت و نهادینگی آن تلاش می‌کند. قانون‌گذاری یکی از راه‌های تثبیت امور فرهنگی است (عبداللهی، ۱۳۷۸، ۱۹).

۲- نقش و کارکرد فرهنگ در اقتدار ملی

هر جامعه‌ای بر هویت و شناسنامه فرهنگی خویش تأکید دارد و می‌کوشد که با منتهای قدرت و غرور ملی، مشخصه‌های چنین هویتی را زنده نگه داشته و از آن دفاع کند (کیهان فرهنگی، ۱۳۷۶). چنین جوامعی داشتن فرهنگ پویا و مقتدر را یکی از نمادهای قدرت و اقتدار ملی خویش تصور کرده و سعی دارند تا از طریق انسجام‌بخشی به مؤلفه‌های دیگر آن در مقوله فرهنگ، از یک طرف و تأکید بر ارزش‌های ملی و فراملی خود از طرف دیگر، این اقتدار را افزایش دهند تا در برابر هجمه‌های دیگر فرهنگ‌ها، رنگ نبازد. باید دانست که یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین ابزار حفظ نظام‌ها و بالطبع، پویایی اقتدار ملی آنها فرهنگ است؛ چرا که عناصر متفاوت هر اجتماع و نظام سیاسی، از طریق بستر فرهنگ به یکدیگر پیوند خورده و منسجم می‌شوند (عظیمی، نامه فرهنگ) و این انسجام فرهنگی، همراه با نگاهداشت و تأکید بر ارزش‌های واقعی آن جامعه، نقش مهمی در اقتدار ملی و فراملی آن جامعه بازی خواهد کرد.

نقش فرهنگ در آماده‌سازی نیروها برای رسیدن به اقتدار ملی، بیشتر حائز اهمیت است. حضرت امام^(ع) در سخنرانی سال ۱۳۵۶ و پس از فاجعه کشتار ۱۹ دی، این نقش را به خوبی نمودار ساخته است و می‌فرماید: «فرهنگ مبدأ هم خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت است. اگر فرهنگ ناصالح شد، این جوان‌هایی که تربیت می‌شوند، به این تربیت‌های فرهنگ ناصالح، اینها در آینده فساد ایجاد می‌کنند... و وقتی فرهنگ فاسد شد، جوان‌های ما نیز که زیربنای تأسیس همه چیز هستند، از دست می‌روند (روزنامه

کیهان، ۱۳۷۸/۹/۲۵). این یعنی از دست رفتن نیروی اصلی و جوان اجتماع که بازروی اقتدار ملی جامعه هستند.

در همین رابطه نیز حداد عادل به نقل از رهبر انقلاب می‌گوید: این فرهنگ بوده و هست که برای جامعه ما ذهنیت مناسب پایداری، مقاومت و پیش‌روی ایجاد می‌کند. ملت ما با فرهنگ اسلامی توانست، در انقلاب پیروز و ما نیز باید با تأکید و تقویت این فرهنگ، روحیه و ذهنیت ملت را برای مقابله با توطئه‌ها و خطرهایی که دشمن پدید آورده، ایجادکنیم (روزنامه کیهان، ۱۳۷۸/۹/۲۷).

این درست که نقش فرهنگ و توجه به ارزش‌های جامعه در اقتدار و پویایی آن، فوق‌العاده مهم و حیاتی است، اما از این نکته هم نباید غافل ماند که برای مهیا شدن چنین اقتداری، مایه و جوهره اصلی آن - یعنی فرهنگ‌ها و ارزش‌ها، می‌بایستی دارای یکسری ویژگی‌هایی باشند تا این اقتدار بیش از پیش سرزنده و فعال و در عین حال مقتدر باقی بماند.

ویژگی‌های یک فرهنگ مقتدر و پویا چنین است:

الف- فرهنگ مقتدر باید دارای اصولی علمی و متقن بوده و افراد آن جامعه در قالب اعضای آن، به صورت یک باور فرهنگی- علمی به آن اعتقاد پیدا کنند (عظیمی، نامه فرهنگ).

ب- فرهنگ قوی و پویا باید ضمن آزاد دانستن انسان‌ها در فکر، بیان و آزادی اظهار عقیده قائل به برابری آنها با یکدیگر نیز باشد (همان).

ج- فرهنگ مقتدر باید عاری از خرافات و افکار پوسیده و منحط باشد. لازمه این پویایی و خالی بودن از خرافه، زایش و حرکت فرهنگ هم از درون و هم از برون است.

د- یک فرهنگ پایدار و باشکوه باید خصلت تعاملی و تقابلی نیز داشته باشد؛ یعنی هم از لحاظ درونی به اقناع افراد تحت سیطره خود بپردازد و هم

از ابزارهای لازم برای پرداختن به مشخصه‌های برون‌ی افراد، به خصوص در برابر فرهنگ‌های دیگر، بهره‌مند باشد.

ه- فرهنگی دوام و ثبات و همکاری در اقتدار ملی را خواهد داشت که خاصیت ابتکار و خلاقیت داشته باشد و در ضمن مبتنی بر دانش و علم روز باشد. اگر فرهنگی همه خصلت‌های یک فرهنگ قوی را دارا باشد، قادر خواهد بود، ضمن پاسداشت ارزش‌های ملی و فراملی خود در تحکیم و اقتدار پایه‌های ملی، در ارکان دیگری همچون اقتصاد، سیاست و غیره نیز کوشا باشد.

عکس چنین قضیه‌ای نیز صادق است؛ یعنی اگر جامعه‌ای در زمینه مسائل فرهنگی به جای پویایی و مجهز شدن به علم روز، به جزم‌اندیشی بپردازد و دارای تفکرات افراطی در مورد هویت‌های فرهنگی خود، همچون جامعه آلمان هیتلری گردد و یا به جای پاسداشت ارزش‌های اسلامی، به سیاست‌زدگی فرهنگی دچار شده و ارزش‌های ناب خود را فراموش کند و اگر به جای پرورش خصلت تعامل و تقابل به ریاضت فرهنگی روی آورد و یا به جای مجهز شدن به قدرت خلاقه ابتکار و شناخت و علم، گرفتار وابستگی غیر اصولی و محافظه کاری سنتی درباره نیاکان شود، خواه و ناخواه دچار تزلزل فرهنگی شده و آن جامعه به راحتی به ورطه نابودی و استحاله فرهنگی خواهد افتاد.

پس فرهنگ می‌تواند نقشی دوگانه-مثبت یا منفی-در زمینه اقتدار ملی ایفا کند و به این لحاظ هر نوع نظام سیاسی که به نقش فرهنگ و اقتدار ملی توجه دارد، باید بذل و عنایت بیشتری به این دوگانگی نقش فرهنگ‌ها داشته باشد.

۳- مناسبات فرهنگ و اقتدار ملی

در مناسبات فرهنگ و اقتدار ملی در جمهوری اسلامی باید اذعان داشت

فرهنگ با ویژگی‌ها و کارکردهای منحصر به فرد از یک سو به عنوان منبع تهدیدکننده و از دیگر سو تقویت‌کننده اقتدار ملی در کنار اقتصاد و سیاست و... مطرح است. در جمهوری اسلامی فرهنگ به عنصر اصلی در جهت‌دهندگی و تعیین‌کنندگی مناسبات جامعه و سیاست‌های نظام که بر اساس آموزه‌های امام خمینی^(ره) و امام خامنه‌ای، اقتصاد و سیاست و دیگر اجزای جامعه ذیل آن تعریف شده‌اند، مهم‌ترین عنصر قدرت و اقتدار ملی است. با این لحاظ فرهنگ و مؤلفه‌های آن بر افزایش یا کاهش اقتدار ملی نقش تأثیرگذار و تعیین‌کننده‌ای دارد. همچنین کاهش یا افزایش قدرت فرهنگی به افزایش یا کاهش مشروعیت سیاسی منجر می‌شود؛ از سوی دیگر کاهش یا افزایش مشروعیت سیاسی به افزایش یا کاهش قدرت فرهنگی می‌انجامد.

بدین لحاظ تقویت عناصر مقتدر قدرت فرهنگی در ایران می‌تواند با توجه به ظرفیت‌های گوناگون از جمله فرصت‌های ایجادشده بر اثر جهانی شدن و فرهنگ جهانی‌شده، راهکار مناسبی برای ارتقای اقتدار ملی جمهوری اسلامی در صحنه‌های مختلف ملی و فراملی باشد.

در حقیقت انقلاب اسلامی به عنوان یک انقلاب فرهنگی، با تقویت توانایی خود در تولید ادبیات فراگفتمانی در حوزه فرهنگی با استفاده از هویت فرهنگی الهام‌بخش اسلامی ایرانی، عنصر تعیین‌کننده در تولید اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران باشد؛ که از ثمرات آن افزایش مشروعیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی در نزد افکار عمومی است. همچنین عنصر مشروعیت نیز منجر به ظرفیت‌سازی‌های نوین برای اقتدار فرهنگی کشور می‌شود؛ بنابراین درخشش ایران اسلامی در حوزه‌های ملی، منطقه‌ای و تمدنی و الهام‌بخشی مؤلفه‌های اقتدار فرهنگی ایرانی اسلامی از جمله منابع اقتدار ملی است که دافع توطئه‌ها و تهدیدهای جنگ نرم معاندان نظام

خواهد بود. امروزه جمهوری اسلامی منبع عظیم و دست‌ناخورده‌ای از اقتدار نرم برخاسته از هویت فرهنگی است که مدیریت هوشمندانه آن می‌تواند هم تحکیم‌بخش امنیت ملی و عمق‌بخشی داخلی انقلاب اسلامی و هم منبع پایان‌ناپذیر در عمق‌بخشی خارجی گفتمان انقلاب اسلامی باشد.

نتیجه‌گیری

در بررسی رابطه اقتدار ملی با فرهنگ به تأثیرگذاری متقابل آنان می‌توان پی برد. برخلاف قدرت سخت که سرمایه مادی بازیگر و مستقل از شاخص‌های محیطی است؛ از این‌رو افزایش آسیب و تهدید قدرت فرهنگی زمینه‌ساز گسترش آسیب و تهدید اقتدار ملی در جمهوری اسلامی است. همچنین کاهش یا افزایش قدرت فرهنگی به افزایش یا کاهش مشروعیت سیاسی منجر می‌شود؛ از سوی دیگر کاهش یا افزایش مشروعیت سیاسی به افزایش یا کاهش اقتدار ملی می‌انجامد.

جامعه‌ای که براساس آرمان‌ها، ارزش‌ها و هویت فرهنگی خود انقلاب کرده و استحاله شدن در فرهنگ غرب را در خود نپذیرفته باید از طریق نهادینه کردن فرهنگ و ارزش‌ها مقتدر شود. از یک طرف، شرط لازم یک فرهنگ قوی را در خود ایجاد کرده و در تقویت و بارور کردن آنها کوشا باشد؛ و از طرف دیگر، از گسترش آسیب‌هایی چون جزم‌اندیشی، تعصبات کور، عقده‌گشایی‌ها، اسارت عقیده‌ها و نظرات، رواج خرافات، جایگزین ساختن اندیشه‌های انفعالی غربی، سکولار، التقاطی، متحجر و...، بیش از پیش مشارکت مردمی را که پشتیبان‌های واقعی فرهنگ هر ملتی بوده و هستند با طیب خاطر به دنبال کشند و روز به روز بر اقتدار ملی بیفزایند.

بر مراجع و نهادهای فرهنگی اعم از علما و اساتید، روشنفکران اسلامی، هنرمندان متعهد و نیز دستگاه‌های فرهنگی از قرارگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی تا دستگاه‌های وسیع فرهنگی چون سازمان بسیج مستضعفین و

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی لازم است در شرایطی که انقلاب اسلامی نیازمند ظرفیت‌سازی فرهنگی در مواجهه با رخنه فرهنگی غرب به نظام جمهوری اسلامی است با رصد تغییر و تحولات فرهنگی جامعه، تولیدات فاخر و در شأن انقلاب اسلامی، همچنین تربیت نیروهای متخصص و متعهد فرهنگی به عمق‌بخشی داخلی و خارجی انقلاب اسلامی بپردازند، تا در سال فرهنگ و مدیریت جهادی، با هجوم فرهنگی به کیان فرهنگی نظام سلطه، ضمن مصونیت‌بخشی، به پیشرفت و توسعه فرهنگی انقلاب اسلامی همت نمایند.

کتابنامه:

- آقابخشی علی (۱۳۷۹) فرهنگ سیاسی، تهران، انتشارات خوارزمی
- افتخاری اصغر (۱۳۸۳-۱۳۸۴) کالبدشکافی اقتدار ملی، دوماهنامه خبری - اطلاع رسانی، سال دهم، شماره ۵۷-۵۶ / دانشگاه امام صادق (ع)
- امام خمینی، روح الله (۱۳۷۱)؛ صحیفه نور، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- بررسی تأثیر فرهنگ بر افزایش اقتدار ملی ۱۳۸۹/۰۷/۱۸ سایت شورای سیاستگذاری ائمه جمعه
- بیانات رهبری در دیدار جمعی از شعرا، ادبا، فرهنگیان و دانشگاهیان استان آذربایجان شرقی (۱۳۷۲/۵/۹) و دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۷۹ و ۱۳۸۱)
- جهانتاب محمد (۱۳۸۵) بررسی مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی و نقش نیروهای مسلح در آن، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۲۶- زمستان
- چلبی (۱۳۷۳) وفاق اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳، تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
- خدایی سیدعلی اکبر (۱۳۷۶) نقش فرهنگ در اقتدار ملی، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک سال سوم، شماره ۱۱ و ۱۲.

- عمید زنجانی عباسعلی (۱۳۶۶) فقه سیاسی، تهران، جلد دوم، انتشارات امیر کبیر
- دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، نقشه مهندسی فرهنگی کشور (۱۳۹۲) دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی
- روزنامه کیهان، شماره‌های ۱۶۶۸۴، ۱۶۶۸۵، ۲۵ و ۲۷ / ۹ / ۱۳۷۸
- روشندل جلیل (۱۳۷۴) امنیت ملی در نظام بین المللی تهران، انتشارات سمت
- سازمان عقیدتی سیاسی ناجا (۱۳۸۲) نگرشی بر تحولات سیاسی، تهران، نشر عقیدتی سیاسی ناجا
- طالقانی سید علی (۱۳۸۴) ترمینولوژی جریان‌شناسی فرهنگی، شماره ۱۱۹
- عبداللهی، ۱۳۷۸
- عظیمی حسین، توسعه و فرهنگ به نقل از نامه فرهنگ، شماره ۲-۱
- فاضلی خلیل الله (۱۳۸۱) وحدت ملی، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۵۶، تهران، دانشگاه امام حسین (ع)
- قوام عبدالعلی (۱۳۷۳) اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌المللی، تهران، انتشارات سمت
- مطهری (۱۳۵۹) مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، تهران انتشارات صدرا
- معین محمد (۱۳۷۷) فرهنگ فارسی، جلد اول، تهران انتشارات امیر کبیر
- نیک گوهر عبدالحسین (۱۳۶۹) مبانی جامعه‌شناسی، تهران انتشارات سمت

زمینه‌های بهره‌گیری جریان اصلاحات از دولت یازدهم برای بازگشت به قدرت

بهزاد کاظمی

چکیده

بعضی اظهارات و تحلیل‌های اصلاح‌طلبان، نشان می‌دهد آنها دولت دکتر حسن روحانی را به منزله پلی برای عبور از شرایط کنونی به منظور رسیدن به قدرت می‌دانند.

تعابیری مانند «رحم اجاره‌ای»، «پل میان دولت اصولگرا و دولت اصلاح‌طلب»، «دولت گشودگی‌ها و گشایش‌های محدود»، «روزنه و دریچه‌ای و نه دری و دروازه‌ای روی جامعه مدنی»، «دولت محلل»، «خانه امن» در این چارچوب قابل ارزیابی است.

به نظر می‌رسد اصلاح‌طلبان که پس از برخی انتصاب‌ها و سخنان آقای روحانی در ماه‌های گذشته، نسبت به شکل‌گیری یک دولت اصلاح‌طلب ناکام مانده‌اند، اکنون به سمت سناریوی دیگری متمایل شده‌اند که در قالب بهره‌گیری هدفمند از دولت یازدهم و عبور آرام و تدریجی از آن دنبال می‌شود.

در این نوشتار زمینه‌های بهره‌گیری جریان اصلاحات از دولت یازدهم برای بازگشت به قدرت را با مورد بررسی قرار می‌دهیم.

کلید واژه‌ها:

جریان اصلاحات، بازگشت به قدرت، دولت یازدهم

مقدمه

بدون شک انتخاب حسن روحانی به عنوان گزینه نهایی اصلاح‌طلبان در

انتخابات در دوران انتخابات برای بسیاری مسأله‌ای گنگ و نامشخص بود، ولی اظهارات خاتمی مبنی بر اینکه دولت چهارساله روحانی برای ما ایجاد فضای تنفس است می‌تواند نشان می‌دهد که وی تنها در راستای بازکردن فضا برای جریان خود تلاش کرده و موضوع حمایت از روحانی به دلیل نوع دیدگاه‌های سیاسی‌اش مطرح نیست.

محمد خاتمی حدود چهار ماه پس از تشکیل دولت یازدهم در جلسه با اصلاح‌طلبان، دولت روحانی را دولتی چهارساله می‌داند و تنها سود جدی دولت روحانی را برای اصلاح‌طلبان ایجاد فضای تنفس و فعالیت معرفی می‌کند.

اصلاح‌طلبان تصریح دارند که این جریان باید از ظرفیت‌های این دولت برای بازسازی تشکیلاتی، شبکه رسانه‌ای، اجتماعی و... استفاده کند. تلاش اصلاح‌طلبان برای تحمیل «توسعه سیاسی» به دولت یازدهم و بهره‌گیری از گشایش سیاسی در مناسبات اجتماعی به فراوانی در رسانه‌های این جریان مطرح شده است.

«حاتم قادری» در گفتگویی که (روز یکشنبه ۳۰ مرداد ۹۲) با روزنامه شرق انجام شد، می‌گوید: «اگر نیروهای اصلاح‌طلب و تحول‌خواه به لحاظ اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بتوانند خود را مقداری بازسازی کنند مثبت است، اما اگر گمان شود با این دولت می‌توان مسیری هموار و طولانی را طی کرد، این وهم است و ناشدنی.»

اصلاح‌طلبان تأکید دارند همانگونه که هاشمی رفسنجانی زمینه‌ساز رخداد دوم خرداد ۷۶ شد، حسن روحانی نیز می‌تواند زمینه‌ساز یک دوم خرداد دیگر در سال ۱۳۹۶ باشد تا موجب بازگشت به قدرت آنها شود.

زمینه‌های موجود در دولت یازدهم

زمینه‌های موجود در دولت یازدهم را برای بازگشت جریان اصلاحات به

قدرت می‌توان در دو بخش کلی در نظر گرفت:

۱. زمینه‌های فکری؛

۲. زمینه‌های رفتاری.

زمینه‌های فکری

زمینه‌های فکری برای بازگشت جریان اصلاحات به قدرت در موارد زیر قابل ذکر است:

الف) قرابت فکری در وعده‌های تبلیغاتی انتخابات ریاست جمهوری

از مستندات قرابت فکری بین اصلاح‌طلبان و دولت یازدهم، وعده‌های رئیس‌جمهور در تبلیغات انتخاباتی است که برخی مصادیق آن در پی می‌آید:

- اعتمادسازی با جهان خارج؛
- تعامل مثبت با دیگر کشورهای جهان؛
- کاهش تنش و شدت تخاصم با آمریکا؛
- پرهیز از تداوم روش و رویکردهای تخریبی و تهییجی در عرصه سیاست خارجی؛

- حل و فصل پرونده هسته‌ای با مذاکره و دیپلماسی فعال؛
- توسعه احزاب سیاسی؛
- حل مسائل فرهنگی از طریق فرهنگ و تأکید بر امنیتی نکردن این مسائل؛

- واگذاری اداره امور سینمایی به تشکل‌های صنفی سینمایی؛
- برداشتن چتر امنیتی از حوزه موسیقی و سینما؛
- خارج کردن فضای کشور از فضای امنیتی.

ادبیات و مضمون بسیاری از موارد یادشده که در تبلیغات انتخاباتی دکتر روحانی مطرح شده است، قرابت و اشتراک قابل توجهی با دیدگاه‌های جریان

اصلاحات دارد.

ب) امکان تفسیر اصلاح طلبانه از اعتدال

با توجه به ابهامات و مواضع قابل تفسیر و نزدیک به جریان اصلاحات در اعتدال گرایی بود که اصلاح طلبان کوشیدند تفسیر اعتدال را به گفتمان اصلاح طلبی نزدیک کنند و اینگونه القا کنند که روحانی به اصلاح طلبان نزدیک تر است و مشی اعتدال گرانه او نیز زیر مجموعه اصلاح طلبی است. بر این اساس رسانه های جریان اصلاحات با دو قطبی کردن فضای سیاسی کشور، اصولگرایان را نماد افراط و تفریط و جریان های وابسته به اصلاحات را نماد عقلانیت و اعتدال معرفی کردند تا زمینه بهره برداری به سود اصلاحات را فراهم سازند.

ج) خوش بینی به غرب

مسأله ی خوش بینی به غرب و تمدن غربی، در دولت یازدهم نمود آشکاری دارد که جلوه بارز آن در روند مذاکرات هسته ای و تماس تلفنی با اوپاما در نیویورک قابل مشاهده است.

کلیت جریان اصلاحات هم به دنیای غرب خوش بین است. چالش با غرب را به صلاح و عقلانی نمی دانند و همواره دنبال راهی هستند که رضایت غرب را جلب کنند. البته بخشی از اصلاح طلبان دلباخته غرب هستند و معتقدند از هر راهی باید با غرب کنار آمد.

د) عدم باور درونی و نگاه به بیرون

با وجود انقلاب اسلامی و احساس خودباوری برخاسته از آن، هنوز هم ردپای این نوع نگاه در برخی جریان های سیاسی و فکری دیده می شود. به عنوان نمونه، گره زدن سرنوشت سیاسی و اقتصادی کشور به نتیجه مذاکرات

هسته‌ای و رفع تحریم‌ها از این نوع نگاه است. با نگاه به بیرون و زمانی که مسیرهای ترقی و پیشرفت در راهی خلاصه شود که غربی‌ها پیموده‌اند، انگیزه‌ای برای یافتن راه‌های «میانبر» و «بومی» پیشرفت باقی نمی‌ماند. غفلت از ساخت درونی قدرت و نگاه به بیرون نیز یکی از مشترکات جریان اصلاحات و دولت یازدهم است.

ه) جهت‌گیری فرهنگی دولت

رویکرد فرهنگی دولت یازدهم را می‌توان تکرار تجربه دوره وزارت مهاجرانی در دوره اصلاح‌طلبان قلمداد نمود که ساختارشکنی و باز کردن پای رجاله‌های فرهنگی به جامعه هنر و رسانه از پیامدهای آن است؛ به‌ویژه نگاه‌های خاص در وزارت ارشاد در خصوص فرهنگ و مسائل فرهنگی بازخوردهای منفی را در میان مراجع عظام تقلید و مسئولان و دلسوزان نظام برانگیخت. این رویکرد یادآور نگاه‌های فرهنگی اصلاح‌طلبان در زمان حضور در حاکمیت است.

زمینه‌های رفتاری

زمینه‌های رفتاری برای بازگشت جریان اصلاحات به قدرت را در موارد زیر می‌توان ذکر نمود:

الف) تخریب دولت دهم و برخی چهره‌های منتسب به اصول‌گرایی

در حالی که دکتر روحانی در جریان رقابت‌های انتخاباتی از برنامه صد روزه خود برای حل مشکلات اقتصادی گفته بود، بعد از انتخابات ابراز کرد که در صد روز اول تلاش خواهد کرد واقعیت‌های اقتصادی را به مردم گزارش بدهد.

در نهایت آنچه در گزارش صد روزه ارائه شد، سیاه‌نمایی از اقدامات و عملکرد دولت‌های نهم و دهم و تخریب برخی چهره‌های منتسب به اصول‌گرایی بود که برای اصلاح‌طلبان بسیار خوشایند بود.

ب) انتصاب جهانگیری به عنوان معاون اول رئیس‌جمهور

جهانگیری وزیر معادن و فلزات در دولت اول سیدمحمد خاتمی بود و پس از ادغام وزارتخانه‌های معادن و صنایع به عنوان نخستین وزیر صنایع و معادن انتخاب شده و تا پایان ریاست جمهوری محمد خاتمی این مقام را در اختیار داشت.

اسحاق جهانگیری با عنوان چهره حزبی نیز شناخته می‌شود و در حال حاضر عضو هیأت علمی بنیاد باران نزدیک به محمد خاتمی است. وی همچنین از مؤسسان حزب کارگزاران سازندگی است و هم‌اکنون در شورای مرکزی این حزب حضور دارد.

اسحاق جهانگیری پیش از انتخابات ریاست جمهوری به عنوان گزینه اجماع برای اصلاح‌طلبان مطرح بود، ولی در نهایت برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری ثبت‌نام نکرد.

پس از ثبت نام هاشمی رفسنجانی در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، اسحاق جهانگیری به عنوان رئیس ستاد انتخاباتی وی معرفی شد.

ج) کناره‌گیری عارف از انتخابات

یکی از مهم‌ترین عواملی که برای مصادره دولت یازدهم به نفع خود، دستاویز اصلاح‌طلبان قرار گرفت کناره‌گیری عارف از انتخابات است. با طرح این موضوع اینگونه القا کردند که روحانی مدیون اصلاح‌طلبان است و باید این دین را در کابینه ادا کند.

د) رفتارهای حاشیه‌ساز در زمینه امور فرهنگی

فهرست زیر بخشی از رفتارهای حاشیه‌ساز دولت یازدهم در امور فرهنگی است که بسترسازی مناسبی برای بهره‌برداری اصلاح‌طلبان بود:

- انتقال اجساد گروه موسیقی "سگ‌های زرد" از ایالات متحده به ایران و دفن خواننده‌های ضد انقلاب و لس‌آنجلسی در قطعه هنرمندان بهشت زهرا^(س) با هزینه ۱۰۰ میلیونی دولت؛

- تعطیلی جشنواره ضد صهیونیستی «افق نو»؛
- اظهار نظر وزیر ارشاد درباره حذف میز میز کتاب قبل از چاپ؛
- حکم وزارت ارشاد به بازگشایی نشر چشمه که به علت انتشار نمایشنامه توهین‌آمیز علیه عاشورا در دولت دهم حکم تعلیق دریافت کرده بود؛

- دفاع وزیر ارشاد از تکخوانی زنان؛
- تعبیر فیلترینگ با عنوان «حصار کشیدن به دور خود» و سخنان بعدی وزیر ارشاد درباره لزوم رفع فیلتر فیس بوک؛

- حضور فیلم‌های توقیف‌شده در دولت قبل در جشنواره فیلم فجر و همچنین تحویل گرفتن بی‌دلیل فیلم پرحاشیه و جنجالی احمدرضا درویش با نام رستاخیز که با اعتراض گسترده مراجع تقلید روبه‌رو شده بود؛

- دفاع از روزنامه "بهار" که به انتشار مطلبی علیه ولایت امیرالمؤمنین^(ع) پرداخته بود و برخوردهای سخت در برابر هفته‌نامه «پالئارات» «وطن امروز» و «۹ دی» به عنوان نشریات منتقد دولت؛

- دعوت جشنواره شعر فجر از شاعر هتاک به اسلام؛
- دیدار وزیر ارشاد به همراه تعدادی از مسئولان دولتی با محمد خاتمی برای تبریک سال نو؛

- بی‌معنا دانستن تقسیم هنرمندان به ارزشی و غیر ارزشی از سوی

رئیس‌جمهور.

ه) انتصابات جهت‌دار در وزارت علوم و دانشگاه‌ها

تغییرات گسترده مسئولان در وزارت علوم و دانشگاه‌ها در ماه‌های آغازین دولت یازدهم به نحوی انجام شد که برخی از همفکران جریان اصلاحات و حتی فعالان فتنه ۸۸ به صورت هدفمند در مسئولیت‌های کلیدی و تأثیرگذار قرار گرفتند و زمینه‌سازی لازم را برای بازگشت اصلاح‌طلبان فراهم نمودند.

نتیجه‌گیری

اصلاح‌طلبان معتقدند دولت روحانی فرصت خوبی است تا در آن به رشد و نمو و بازسازی گذشته بپردازند و نتیجه آن را در انتخابات مجلس دهم و پس از آن در ریاست‌جمهوری سال ۹۶ برداشت کنند.

نگاه منفعت‌طلبانه دوم خردادی‌ها به دولت روحانی حتی در بدنه پایین‌دست آنها در استان‌ها نیز رسوب کرده و آنها تلاش دارند که به نوعی در فضای دولت جدید نیروهای خود را بازیابی کنند و در این فضا چهره مخدوش اشخاصی چون سیدمحمد خاتمی را بازیابی نمایند.

محمد خاتمی در جمع برخی از اعضای مجمع روحانیون گفته است: "باید حوزه نفوذ خود را در فرمانداری‌ها متمرکز کنیم و کارهایمان را پیش ببریم. باید فشار بیاوریم که فرمانداران غیر همسو عوض شوند و نیروهای ما از این حوزه و بخشداری‌ها وارد شوند."

اکنون راهبرد اصلاح‌طلبان نسبت به دولت یازدهم در قالب بهره‌گیری هدفمند و عبور تدریجی از آن دنبال می‌شود.

زمینه‌های بهره‌گیری جریان اصلاحات از دولت یازدهم برای بازگشت به قدرت در دو قسمت زمینه‌های فکری و رفتاری بیان شد.

زمینه‌های فکری در برگیرنده؛ قرابت فکری در وعده‌های تبلیغاتی

انتخابات ریاست جمهوری، امکان تفسیر اصلاح طلبانه از اعتدال، خوش بینی به غرب، عدم باور درونی و نگاه به بیرون و جهت گیری فرهنگی دولت می شود. و زمینه های رفتاری نیز شامل؛ تخریب دولت دهم و برخی چهره های منتسب به اصول گرایی، انتصاب جهانگیری به عنوان معاون اول رئیس جمهور، کناره گیری عارف از انتخابات، رفتارهای حاشیه ساز در زمینه امور فرهنگی، انتصابات جهت دار در وزارت علوم و دانشگاه ها می شود.

تحليلی بر انتخابات پارلمانی عراق

احد کریم‌خانی

سومین دور انتخابات پارلمانی عراق در ۳۰ آوریل (۱۰ اردیبهشت ماه) برگزار شد. این در حالی بود که اختلافات شدید سیاسی از یک سو و بحران امنیتی از دیگر سو، فضای انتخابات را تحت تأثیر خود قرار داده بود. با این حال انتخابات در فضایی به نسبت امن و آرام برگزار شد تا تکلیف ۳۲۸ کرسی پارلمان جدید معلوم شود.

مطابق اعلام کمیساریای عالی انتخابات عراق، بیش از ۲۱ میلیون نفر واجد شرایط رأی‌دهی بودند و از این میزان حدود ۶۳ درصد یعنی بیش از ۱۳ میلیون نفر در انتخابات شرکت کردند که رقم قابل قبولی محسوب می‌شود. به عبارتی مردم عراق با مشارکت و رأی خود در این انتخابات، به گروه‌های تکفیری و تروریستی به ویژه داعش یک «نه» بزرگ گفته و بار دیگر روند دموکراسی را در کشور خود به نمایش گذاردند. به همین دلیل بسیاری از کشورهای جهان به عراق تبریک گفتند. نوری المالکی نخست‌وزیر عراق هم طی یک سخنرانی، برگزاری موفق انتخابات را کشتی نجات کشور برای بازسازی اقتصادی و امنیت و اصلاحات سیاسی قلمداد کرد. کشور عراق پس از تجربه موفق برگزاری اولین انتخابات بدون حضور اشغالگران، اکنون وارد مرحله تعیین دولت شده است؛ مرحله‌ای که به اذعان بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی نسبت به دور قبلی این انتخابات (۲۰۱۰) با موانع کم‌تری مواجه است. در این نوشتار برآنیم ضمن اشاره‌ای به اهمیت انتخابات پارلمانی و صف‌بندی گروه‌های سیاسی این کشور به روند تشکیل دولت و احتمالات پیش رو نیز پرداخته شود.

اهمیت انتخابات:

مجلس نمایندگان یا پارلمان، محور اصلی در نظام سیاسی جدید در عراق به شمار می‌رود؛ چرا که ساختار این نظام سیاسی پارلمانی و مبتنی بر مشارکت و توافق گروه‌های سیاسی از جوامع مختلف شیعی، سنی و کرد عراق است. آرای مردم که عمدتاً با توجه به گرایش‌ها و شکاف‌های قومی - فرقه‌ای به صندوق ریخته می‌شود، به مشخص شدن ائتلاف‌های پیروز و تشکیل پارلمان منجر می‌شود. همچنین پارلمان تعیین‌کننده رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و ترکیب کابینه است.

تعدد گروه‌های سیاسی که در واقع نمایندگان گروه‌های قومی و فرقه‌ای عراق محسوب می‌شوند و اختلاف نظر و منافع آنها در سطوح مختلف، امر تشکیل دولت را طولانی، پیچیده و دشوار می‌کند و باعث شکنندگی نظام سیاسی می‌شود. علاوه بر این، اختلاف‌نظر و مشاجرات بین گروه‌ها و ائتلاف‌های سیاسی، در بسیاری از موارد به حوزه امنیتی سرریز شده و باعث ایجاد ناامنی‌هایی می‌شود. با این حال و به رغم این تغییرات، وضعیت غالب در روند سیاسی عراق پس از صدام، حاکی از حضور شیعیان، با توجه به اکثریت جمعیتی، در رأس هرم قدرت و امکان ائتلاف گروه‌های سنی و کرد با آنهاست.

تاریخچه‌ای کوتاه از تشکیل پارلمان عراق

مجلس عراق در سال ۱۹۲۵ و در دوران پادشاهی این کشور تأسیس شد که به شکل مشروطه بر حکومت این کشور نظارت داشت و این روند تا سال ۱۹۵۸ که با کودتای افسران آزاد عراق به ریاست «عبدالکریم قاسم»، نظام پادشاهی برکنار شد، پابرجا بود. در این دوره نزدیک به ده انتخابات پارلمانی برگزار شد که همواره نفوذ پادشاه و اطرافیان وی در انتخاب نمایندگان مجلس مشهود بود. با وجود کودتای ۱۹۵۸ نیز که نظامیان روی کار آمدند،

مجلس تا حدودی به فعالیت های خود ادامه داد تا اینکه در سال ۱۹۶۳ حزب بعث عراق در کودتایی توانست نظام حاکم را سرنگون کند. در سال ۱۹۷۰ و در زمان حکمرانی حزب بعث، قانونی تصویب شد که براساس آن کشور باید به شکل جمهوری اداره شود، اما این قانون تا سال ۱۹۸۰ و در زمان ریاست جمهوری صدام اجرایی نشد.

پس از این تاریخ صدام مجلس عراق را دوباره احیا کرد، گرچه ورود نمایندگان به مجلس کاملاً تحت کنترل دولت و زیر نظر حزب بعث انجام می شد، از سال ۱۹۸۹ تا سال ۲۰۰۳ که رژیم صدام در حمله آمریکا سرنگون شد، چندین انتخابات پارلمانی برگزار شد که هیچ یک از این انتخابات به شکل شفاف نبوده و نظارت های بین المللی نیز در آنها وجود نداشت. با سقوط دیکتاتوری بعث، انتخابات پارلمانی عراق در سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰ میلادی با رقابت داغ ائتلاف های سیاسی برای کسب ۳۲۵ کرسی مجلس همراه بود.

بر اساس مصوبه مجلس عراق، تعداد کرسی های پارلمانی جدید ۳۲۸ کرسی است که بر این اساس، «۶۹ کرسی به استان بغداد، ۳۱ کرسی به نینوا، ۲۵ کرسی به بصره، ۱۹ کرسی به استان ذی قار، ۱۷ کرسی به استان بابل، ۱۸ کرسی به استان سلیمانیه، ۱۵ کرسی به استان الانبار، ۱۵ کرسی به استان اربیل، ۱۴ کرسی به استان دیالی، ۱۲ کرسی به استان کرکوک، ۱۲ کرسی به استان صلاح الدین، ۱۲ کرسی به استان نجف اشرف، ۱۱ کرسی به استان واسط، ۱۱ کرسی به استان دیوانیه، ۱۱ کرسی به استان دهوک، ۱۱ کرسی به استان کربلای معلا، ۱۰ کرسی به استان میسان و ۷ کرسی به استان المثنی» اختصاص یافته است.

مجلس عراق در آبان ۱۳۹۲، به سبب اختلاف نظر احزاب و گروه های سیاسی درباره تقسیم کرسی ها، سهمیه اقلیت های مذهبی و قومی، حوزه بندی انتخابات و همچنین چگونگی برگزاری انتخابات به شیوه فهرست انتخاباتی باز که می رفت تا چالش جدید و مهمی را در برابر روند سیاسی

عراق جدید پس از صدام به وجود آورد، قانون جدید انتخابات این کشور را پس از چندین دور گفتگو میان نمایندگان گروه های مختلف سیاسی به تصویب رساند.

آرایش سیاسی گروه ها و بازیگران داخلی عراق

آرایش احزاب و جریان های سیاسی در انتخابات پارلمانی عراق تقریباً منطبق بر همان آرایشی بود که سال گذشته در انتخابات شوراها شکل گرفته بود. مهم ترین ائتلافات سیاسی شامل شیعیان، اهل سنت و کردها بود:

الف) جریان های شیعی

جریانات شیعی در عراق را می توان به سه گروه اصلی تقسیم کرد:

۱- **ائتلاف دولت قانون:** این ائتلاف برآمده از حزب الدعوه و تعدادی از احزاب کوچک مستقل است که نوری مالکی نخست وزیر فعلی عراق رهبری آن را بر عهده دارد و طی چند انتخابات گذشته توانسته بیشترین میزان آرا را در میان احزاب و جریان های مختلف عراق به دست آورد. ائتلاف دولت قانون، جریانی بود که با انشعاب حزب الدعوه به رهبری نوری مالکی نخست وزیر عراق از ائتلاف ملی تشکیل شد. نوری مالکی خواهان سهمیه بیشتری برای حزب الدعوه در فهرست ائتلاف ملی و همچنین حضور احزاب متعلق به اقوام و مذاهب دیگر عراق در این فهرست برای تحقق یک ائتلاف واقعاً ملی بود. مالکی نهایتاً در پی عدم توافق با دیگر احزاب این ائتلاف، جریان جدیدی را شکل داد. هر چند استخوان بندی این فهرست را نیز سیاستمداران مذهبی شیعه تشکیل می دادند اما این ائتلاف به طور رسمی فراقومی بود و چند حزب کوچک و کاندیداهای سنی، مسیحی و کرد نیز در این ائتلاف جای داشتند. حزب الدعوه مهم ترین عضو این فهرست بود. جبهه ملی نجات انبار (گروهی متشکل از اعراب سنی استان انبار که پیش تر عضو شوراهای بیداری انبار بودند)، جنبش مستقل عربی (سازمانی از اعراب سنی که از جبهه توافق،

مهم‌ترین ائتلاف اعراب سنی انشعاب کرده بودند)، اتحاد مستقل عراق (سازمانی متعلق به قوم فیلی عراق)؛ تجمع کفایت عراق مستقل (گروهی به رهبری علی الدباغ سخنگوی دولت که بیشتر از اعراب سکولار شیعی تشکیل می‌شد) و التجمع گروه سکولار دیگری از اعراب شیعه از دیگر اعضای این فهرست بودند. عبدالقادر عبیدی وزیر دفاع عراق که از اعراب سنی بود نیز در این فهرست قرار می‌گرفت.

۲) ائتلاف مواطن: دومین ائتلاف از احزاب شیعه که با عنوان ائتلاف مواطن (شهروند) شناخته می‌شود از ائتلاف مجلس اعلای انقلاب اسلامی و دیگر احزاب کوچک‌تر شیعه همچون حزب «احمد چلبی و حزب ابراهیم جعفری» تشکیل شد که در انتخابات شوراها و پارلمانی گذشته در جایگاه دوم پس از دولت قانون قرار گرفت. البته ابراهیم جعفری در این دور از انتخابات از ائتلاف مواطن خارج شد و یک ائتلاف جدید به نام «اصلاح ملی» ایجاد کرد. در انتخابات اخیر شوراهای استان‌ها این ائتلاف ۷۸ کرسی را به دست آورد تا پس از ائتلاف دولت قانون به رهبری نوری المالکی، نخست‌وزیر عراق درصدد دستیابی به جایگاه گذشته خویش به عنوان بزرگ‌ترین و قدرتمندترین قدرت سیاسی در کشور باشد؛ چراکه این مجلس از زمان وفات «عبدالعزیز الحکیم»، رهبر سابقش در آگوست ۲۰۰۹ میلادی با ضعف‌هایی مواجه شده بود، به گونه‌ای که در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ تنها موفق به کسب ۳۵ کرسی شد.

از آن زمان، مجلس اعلای عراق در معرض تجدید نظر و بازنگری گسترده در ساختار خویش به رهبری عمار حکیم، رهبر جوانش، قرار گرفت و این موجب شد تا انتقادهای بسیاری از منتقدان این جریان در پارلمان که این جریان را به افراط‌گرایی و عدم موافقت با تشکیل دولت ائتلافی متهم کرده بودند، پایان یابد. همچنین در برهه‌ای از زمان این جریان تلاش کرد تا خط مشی میانه‌روتری پیش گیرد و رهبری سیاسی خود را توسعه دهد تا

جریان‌های لیبرال را نیز در بر گیرد و خطابه‌های خود را بیش از پیش بر «گفتگو» و «آشتی ملی» متمرکز کرد.

این جریان برخلاف بسیاری از جریان‌های دیگر عراق که به شدت از نوری مالکی انتقاد کرده‌اند، ترجیح داده است از انتقادهای شدید و بسیار صریح از نخست‌وزیر عراق دوری کند و به جای خصومت‌ورزی در این مرحله روابط خویش را با مالکی حفظ کند و به این طریق قدرت مانور خود را افزایش دهد. این در حالی است که این جریان همانند جریان ائتلاف دولت قانون تلاش می‌کند، حمایت مراجع دینی عراق را به عنوان مهم‌ترین قدرت روحی و اخلاقی حاکم بر جامعه عراق جلب کند.

۳) **فراکسیون الاحرار:** سومین جریان شیعه مهم و تأثیرگذار در عراق به رهبری «مقتدی صدر» است. نکته قابل توجه آن است که صدر طی ماه‌های اخیر پس از آنکه انتقادهای تندی را علیه دولت مالکی مطرح کرد به ناگاه خود را از صحنه سیاسی خارج کرد. این جریان در انتخابات پارلمانی عراق در دسامبر سال ۲۰۰۵ میلادی تحت لوای ائتلاف ملی عراق حضور داشت، ولی اختلافاتی بین رهبران این حزب و «نوری مالکی»، در زمان دولت اول مالکی پدید آمد، موجب جدا شدن آن از ائتلاف و حضور مستقل در انتخابات شوراهای استانی عراق در سال ۲۰۰۹ میلادی و انتخابات پارلمانی عراق در سال ۲۰۱۰ میلادی شد که با کسب ۴۰ کرسی موفقیت نسبی برای آنها به همراه داشت.

جریان صدر با ائتلاف با سه «جناح الاحرار»، به ریاست ضیاء نجم عبدا... احمد؛ «تجمع شراکه الوطنیه»، به رهبری بهاء الاعرجی و «جناح النخب» در این دور از انتخابات پارلمانی عراق حضور و مشارکت دارد. این در حالی است که خبرهایی مبنی بر نزدیکی جریان صدر به «یاد علاوی»، نخست‌وزیر سابق عراق برای رویارویی با ائتلاف نوری المالکی به گوش می‌رسد و این بیانگر این امر است که عراق در آستانه مرحله جدیدی از ائتلاف‌های سیاسی است.

هرچند جریان الاحرار هم‌اکنون دیگر به طور مستقیم تحت رهبری مقتدا صدر نیست، ولی همچنان یکی از جریان‌های سیاسی قدرتمند عراق به ویژه در جنوب این کشور است که از حمایت معنوی مقتدا صدر بهره‌مند است.

ب) جریان‌های اهل تسنن

جریان‌های اهل تسنن را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: ائتلاف العراقيه به رهبری "ایاد علاوی" به نوعی اصلی‌ترین جریان سیاسی اهل سنت است. از درون این ائتلاف سه جریان سیاسی متولد شد: اولین آنها جریان «متحدون» به ریاست «اسامه نجیفی» رئیس مجلس عراق است؛ دومین جریان «العربیه» به ریاست «صالح مطلق»؛ سومین جریان نیز «الوطنیه» به ریاست «ایاد علاوی» نخست‌وزیر اسبق عراق است و البته به غیر از این سه جریان اصلی، احزاب کوچک اهل تسنن نیز در انتخابات فعالیت داشتند.

ج) جریان‌های کردی

کردهای عراق برخلاف گذشته، ائتلافی فراگیر نداشتند که این ناشی از عدم حضور «جلال طالبانی» در عرصه سیاسی عراق است؛ ولی با پنج ائتلاف به نسبت قوی به میدان آمدند:

- ۱) «حزب دموکرات کردستان عراق» به رهبری «مسعود بارزانی»؛
- ۲) «ائتلاف ملی کردستان» به رهبری «محمد حاج محمود»؛
- ۳) «جماعت اسلامی کردستان عراق» به ریاست «علی پاپیر»؛
- ۴) «اتحاد اسلامی» به ریاست «محمد فرج»؛
- ۵) «جنبش تغییر» (گوران) به رهبری «ملا مصطفی»، اصلی‌ترین جریان‌های سیاسی در کردستان هستند که از مدت‌ها پیش برای حضور در انتخابات عراق آماده شده بودند.

نتایج انتخابات

کمیساریای عالی انتخابات عراق عصر دوشنبه (۲۹ اردیبهشت)، نتایج نهایی انتخابات پارلمانی عراق را اعلام کرد که بر اساس آن ائتلاف «دولت قانون» به ریاست «نوری المالکی» با تصاحب ۹۲ کرسی از مجموع ۳۲۸ کرسی، پیروز سومین انتخابات پارلمانی عراق پس از سقوط رژیم «بعث» شد. بر اساس اعلام کمیساریای عالی انتخابات عراق، ائتلاف مالکی در بغداد و ۹ استان بصره، میسان، واسط، بابل، ذی قار، نجف، کربلا، مثنی و قادسیه، گوی سبقت را از رقبای خود ربود. بر این اساس، ائتلاف‌های جریان‌های شیعی صدر (فراکسیون الاحرار و سایر گروه‌های وابسته به صدر) با ۳۲ کرسی و المواطن (به ریاست عمار الحکیم) با ۲۹ کرسی در مرتبه دوم و سوم و ائتلاف متحدون (به ریاست اسامه النجیفی رئیس پارلمان) متعلق به اهل سنت عراق با ۳۲ کرسی در رتبه چهارم قرار گرفتند. همچنین ائتلاف الوطنیه به ریاست ایاد علاوی با ۲۱ کرسی در مرتبه پنجم و دموکراتیک کردستان و اتحادیه میهنی کردستان با ۱۹ کرسی، به طور مشترک ششم شدند.

گمانه‌زنی درباره فرایند تشکیل دولت آینده

هرچند رسانه‌های غربی برای کمرنگ کردن پیروزی ائتلاف دولت قانون و شخص مالکی تأکید می‌کنند که مالکی نتوانست اکثریت پارلمان را از آن خود کند تا بتواند به تنهایی دولت تشکیل بدهد، اما باید گفت بر خلاف همه انتقادات و حملات سیاسی داخلی و خارجی پیش از انتخابات، وی نتیجه‌ای کسب کرد که دور از انتظار حتی خوشبین‌ترین طرفدارانش بود؛ اختلافی نزدیک به ۶۰ کرسی از دومین جریان شیعی در عراق (جریان صدر با ۳۲ کرسی) به خوبی بیانگر معنای پیروزی مالکی است.

گذشته از این که در تمامی رسانه‌های عراقی، مالکی پیروز میدان رقابت انتخاباتی اعلام شد، اما نباید از نظر دور داشت که عرصه سیاسی عراق،

نقاشی مینیاتوری است که ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های مخصوص به خود دارد. با اینکه پس از سقوط رژیم صدام، تلاش برای برقراری دموکراسی در این کشور آغاز شد، اما این پدیده به دلیل اختلافات ریشه‌ای داخلی و تداوم دخالت‌های خارجی و صرف هزینه‌های هنگفت برای ناکام گذاشتن روند دموکراتیک در این کشور، هنوز برای تحقق کامل، با موانعی جدی روبه‌روست. بزرگ‌ترین مانع در آغاز برگزاری انتخابات اخیر، که سومین انتخابات پارلمانی پس از سقوط رژیم بعث بود، مسأله برقراری امنیت بود که با تدابیر دولت این انتخابات با وجود بحران استان الانبار در آرامشی نسبی برگزار شد. پس از آن ۱۹ روز طول کشید تا نتیجه انتخابات اعلام شود. البته تأخیر ۱۹ روزه در اعلام نتایج، کاملاً قابل پیش‌بینی بود و در قانون اساسی عراق نیز این مسأله ذکر و پیش‌بینی شده است.

بر اساس نتایجی که کمیساریای عالی انتخابات عراق، اعلام کرد، ائتلاف نوری مالکی ۹۲ کرسی و اکثریت را به دست آورد اما این ائتلاف برای انتخاب نخست‌وزیر به ائتلاف با سایر گروه‌های سیاسی نیاز دارد.

انتخابات سال ۲۰۱۰ پارلمان عراق ثابت کرد که برنده نهایی انتخابات کسی است که بزرگ‌ترین فراکسیون پارلمانی را تشکیل دهد. هرچند در آن زمان ائتلاف دولت قانون با جریان‌های شیعی دیگر عراق هم‌پیمان شد و با کسب اکثریت کرسی‌های پارلمان، تحت عنوان فراکسیون «هم‌پیمانی ملی» نخست‌وزیر را انتخاب کرد.

درست است که جریان‌های وابسته به اهل سنت مانند جریان‌های «الوطنیه» (به ریاست ایاد علاوی) و «متحدون» (به ریاست اسامه النجیفی) نتوانسته‌اند کرسی‌های قابل ملاحظه‌ای کسب کنند و اکنون مسأله تقلب در انتخابات را بدون استناد به هیچ مدرک و دلیل قانع‌کننده‌ای غلم کرده‌اند، اما به هر حال می‌توانند به عنوان اهرم‌های فشار بر «دولت قانون» بر جریان‌های سیاسی دیگر از جمله کردها و برخی گروه‌های شیعی تأثیر بگذارند.

همین امر پارلمان را برای تشکیل دولت جدید با مشکل مواجه می‌کند. در انتخابات سال ۲۰۱۰ تشکیل دولت ۹ ماه طول کشید؛ بنابراین می‌توان گفت که برگزاری انتخابات، خوان نخست بود که به خوبی پشت سر گذاشته شد.

اعلام نتایج انتخابات، خوان دوم بود که به رغم تمام حواشی و اتهام‌زنی‌ها، بغداد آن را نیز با موفقیت پشت سر گذاشت و اکنون توافق بر سر نامزد نخست‌وزیری، خوان سوم است. هرچند که تعیین هیأت رئیسه پارلمان، رأی اعتماد به وزرای انتخابی دولت و انتخاب رئیس‌جمهور نیز خوان‌های بعدی هستند که مشکلات خاص خود را خواهند داشت.

در صورت ائتلاف گروه‌های شیعی با یکدیگر، آنها بالغ بر ۱۶۵ کرسی را از آن خود خواهند کرد و انتخاب نخست‌وزیر جدید تسهیل خواهد شد، اما این امر منوط به توافق و چانه‌زنی‌های آنها است. ائتلاف دولت قانون برای ائتلاف با «فضیلت و النخب المستقلة» (۶ کرسی)، «اصلاح ملی» به ریاست «ابراهیم الجعفری» (۶ کرسی) و برخی احزاب شیعی کوچک‌تر مانند «الصادقون» و «الدعوه» و... مشکلی ندارد و به راحتی موافقت آنها را کسب خواهد کرد، اما مشکل اصلی توافق با «الاحرار» و «المواطن» است.

به نظر می‌رسد که جریان صدر به رهبری «مقتدا صدر» مشکلی با این ائتلاف ندارد، اما تنها با نخست‌وزیری مجدد مالکی برای بار سوم مخالف است. از سوی دیگر از آنجا که مقتدا صدر چندی قبل از انتخابات، از سیاست کناره‌گیری کرد، زمینه برای توافق جمعی از اعضای جریان او با مالکی فراهم است و بقیه می‌توانند در نقش اپوزیسیون فعالیت کنند.

المواطن نیز که تحت رهبری عمار حکیم است کاملاً میانه‌رو است و مالکی با رایزنی‌ها و چانه‌زنی‌ها قادر خواهد بود این جریان را نیز با خود همراه کند. با وجود این، پیش‌بینی نتیجه این رایزنی‌ها و مناقشه‌ها مشخص نیست؛ هرچند به نفع شیعیان است که با پرهیز از دامن زدن به اختلافات به

پاسخگویی به مطالبات مردمی بیندیشند.

اختلاف اصلی ائتلاف دولت قانون (مالکی) با الموطن (حکیم) و الاحرار (صدر) بر سر ساختار دولت جدید است. دولت قانون خواستار تشکیل دولت اکثریت سیاسی است و می‌خواهد دولت را گروهی که بیشترین رأی را آورده هدایت کند و دیگر تجربه دولت قبل و مشکلات آن تکرار نشود، اما الاحرار و الموطن خواستار دولت مشارکت سیاسی هستند.

مالکی معتقد است که تجربه دولت قبل نشان داد که مشارکت حقیقی در دولت به وجود نخواهد آمد و حضور برخی جریان‌های معاند در دولت تنها کار دولت را دشوارتر خواهد کرد. به همین دلیل با تقسیم کرسی‌های وزارت میان تمام گروه‌های سیاسی که برخی از آنها مأموریتی جز کارشکنی در امور اجرایی کشور ندارند، مخالفت می‌کند. برای اثبات این امر می‌توان به کارنامه نشست‌های هیأت دولت اخیر اشاره کرد که هر بار به بهانه‌ای، تحریم و لغو شده است و فهرست العراقیه در این دوره بیشترین کارشکنی را در روند عملکرد دولت و در نتیجه در روند خدمت‌رسانی به مردم ایجاد کرد تا جایی که هنوز برای برخی وزارتخانه‌ها وزیر انتخاب نشده و تحت نظارت یک سرپرست اداره می‌شوند.

در خوشبینانه‌ترین حالت اگر ائتلاف مالکی و جریان‌های صدر و حکیم که در مجموع بیش از ۱۶۰ کرسی دارند، و نیز سایر احزاب شیعی که کرسی‌های کمتری دارند، توافق کنند بیش از ۷۰ کرسی به ائتلاف شیعیان افزوده خواهد شد و بی‌تردید دولت به راحتی تشکیل خواهد شد و اینجاست که باید اعلام کرد اکنون زمان ائتلاف شیعیان و کنار گذاشتن اختلافات فرا رسیده است.

اما اگر جریان صدر و حکیم با مالکی به توافق نرسند، «ائتلاف با گُردها» نیز می‌تواند راهی جایگزین برای مالکی باشد. احزاب گُرد در مجموع ۶۲ کرسی را کسب کرده‌اند که عبارت است از: ۱۹ کرسی برای حزب اتحادیه میهنی کردستان، ۱۹ کرسی برای حزب دموکراتیک کردستان، ۶ کرسی برای

ائتلاف کردستانی در نینوا و ۴ کرسی برای اتحاد اسلامی کردستان و ۳ کرسی برای جماعت اسلامی کردستان.

کردها در مقایسه با دوره انتخابات قبلی ۵ کرسی بیشتر کسب کرده‌اند، اما به هر حال حتی در خوشبینانه‌ترین حالت مالکی قادر به ائتلاف با همه کردها نخواهد بود؛ زیرا اتحادیه دموکراتیک کردستان به ریاست مسعود بارزانی یکی از اصلی‌ترین مخالفان وی به شمار می‌رود و هنوز بر سر بودجه و مسأله نفت کردستان میان مالکی و کردها اختلاف نظر و مناقشه وجود دارد. اما به هر صورت، مالکی در اولین اظهارنظر خود پس از اعلام نتیجه انتخابات، اعلام کرد که حاضر است با همه گروه‌ها همکاری کند و مطالبات کردها را در چارچوب قانون پاسخ دهد و این خود بیانگر جرقه‌امیدی برای رفع اختلافات اربیل- بغداد و تشکیل دولت جدید و در نتیجه خدمات‌رسانی به مردم عراق است.

نتیجه

چند مسأله عمده درباره انتخابات و دوران بعد از آن به خوبی نشان می‌دهد که همه جریان‌های معارض داخلی و خارجی در عراق نه تنها نتوانستند به گوشه‌ای از اهداف خود برسند، بلکه با شکست سنگین و بی‌سابقه‌ای روبه‌رو شدند.

یکم) تنها چند ساعت پس از پایان رأی‌گیری، نماینده دبیرکل سازمان ملل در عراق با صدور بیانه‌ای برگزاری موفقیت‌آمیز انتخابات مجلس را ستود و حضور گسترده مردم را باور نکردنی توصیف نمود و از آنان و کمیساریای عالی انتخابات قدردانی کرد.

علاوه بر سازمان ملل، اتحادیه عرب نیز که با ارسال ۲۵ ناظر از نزدیک شاهد فرایند انتخابات بود، بر موفقیت آن تأکید کرد. وزارت امور خارجه فرانسه، آمریکا، روسیه، سفیر استرالیا در بغداد، شورای امنیت و تعداد دیگری

از کشورها نیز با تبریک پیروزی برگزاری انتخابات بر سالم و موفقیت‌آمیز بودن آن تأکید کردند.

دوم) مشارکت گسترده و ۶۳ درصدی مردم نشان می‌دهد شهروندان عراقی با اعتماد به برگزارکنندگان انتخابات در صیانت از آرای آنها، همچنان به فرایند سیاسی موجود در کشورشان اعتقاد دارند و این نسبت وسیع، پشتوانه‌ای برای ادامه این روند خواهد بود.

سوم) هرچند تا پیش از برگزاری این دور از انتخابات بسیاری از تحلیل‌گران شانس دولت قانون برای پیروزی در این انتخابات را بیش از رقبای دیگر جریان‌ها می‌دانستند، اما پیروزی در این تعداد از استان‌ها (حداقل ۱۱ استان) و با رأی بالا موضوعی غیرقابل پیش‌بینی بود.

این مسأله نشان‌دهنده افزایش اعتماد مردم عراق به نخست‌وزیر فعلی و حمایت قاطع از اقدامات سیاسی و امنیتی وی در برخورد با تروریست‌ها و مواجهه آشکار او با کشورهای حامی تروریسم در منطقه است.

هر چند حوادث ماه‌های اخیر در استان الانبار و برگزاری میتینگ‌های اعتراضی در استان‌های غربی علیه مالکی منجر به توهم برخی شخصیت‌های داخلی عراق، کشورهای معاند با بغداد و گروهک تروریستی منافقین مبنی بر شکست حتمی وی در این دور از انتخابات شده بود، اما نتایج به دست‌آمده نشان‌دهنده پیروزی مجدد مالکی و ناکامی خفت‌بار معاندان در برابر خواست و اراده ملت عراق است.

به هر جهت آنچه برای مردم عراق اهمیت داشته و دارد تلاش‌های دولت این کشور در مبارزه با جریان‌های تکفیری و همه گروه‌های تروریستی است که می‌تواند امنیت، ثبات و آرامش را در تمامی ابعاد سیاسی و اقتصادی به این کشور بازگرداند.

ساخت درونی قدرت مهم‌ترین الزام تحقق اقتصاد مقاومتی

«استحکام‌بخشی ساخت درونی قدرت» در قبل از پیروزی انقلاب به خواست ملی و عمومی تبدیل شد و ملت ایران جهت دستیابی و تحقق آن، انقلاب بزرگی را آفریدند. در واقع اتکا به درون، عزت ملی و استقلال در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی- دفاعی بر مبنای مکتب اسلام و هویت ملی یکی از اصلی‌ترین اهداف مردم در مبارزه با رژیم وابسته پهلوی بوده است. این تفکر مبارزاتی در حالی شکل گرفت که حتی در بین نیروهای مخالف رژیم پهلوی هم مبارزه و انقلاب بدون اتکا به قدرت‌های بیرونی و بهره‌گیری از مدل‌های شرقی یا غربی برای تغییر، ناممکن به حساب می‌آمد. اما انقلاب اسلامی با رهبری حضرت امام (رحمت الله علیه) و با تکیه بر شعار نه شرقی و نه غربی محصول پیروزی رویکرد ساخت درونی قدرت و اتکا به ظرفیت‌ها و نیروهای داخلی بوده است.



پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مقاطع مختلف هرگاه بر ساخت درونی قدرت تکیه کرده‌ایم موفق و پیروز شده‌ایم؛ نمونه‌های بارز آن پیروزی‌های متعدد در دوران دفاع مقدس، صنایع نفت و گاز، صنایع دفاعی به ویژه موشکی و هسته‌ای است. اتکا به داخل و نیروهای خودی برای توسعه و ساخت قدرت درونی از خواسته‌های دینی ماست که به وفور می‌توان برای آن از آیات و روایات استناد کرد. آیاتی نظیر آیه مبارکه نفی هر گونه سبیل و طریقی برای سلطه کفار بر مسلمانان، آیه «واعدولهم مااستطعتم من قوه و من رباط الخیل» و روایاتی چون عزت مؤمنی در بی‌نیازی از دیگران است، ملتی که در تأمین مایحتاج اولیه خود وابسته باشد، طعم استقلال و عزت را نخواهد چشید.

البته در همین بحث مقام معظم رهبری توضیحاتی که ارائه می‌فرمایند تا حد زیادی منظور و خواسته معظم‌له روشن می‌شود: «{منظور} تکیه به ظرفیت درون‌زای کشور است؛ نگاهمان به بیرون نباشد. این، توصیه ما است؛ این معنایش این نیست که از امکاناتی که در بیرون هست استفاده نکنیم؛ این دو حرف با هم اشتباه نشود. امیدمان را به بیرون از ظرفیت داخلی کشور ندوزیم. در بیرون از مجموعه کشور و نظام جمهوری اسلامی، جبهه بزرگی وجود دارد که با همه توان از سی و چند سال پیش به این طرف کوشیده نگذارد که این انقلاب ریشه‌دار بشود، نگذارد که این نظام جمهوری اسلامی پایدار بماند، نگذارد که پیشرفت کند، نگذارد که در زمینه‌های گوناگون الگو بشود. نمی‌شود از دشمن و روش‌های خصمانه‌ای که کرده، انتظار دوستی و محبت و صمیمیت داشت. نمی‌گوییم از اینها استفاده نکنید، اما می‌گوییم اطمینان نکنید، اعتماد نکنید، چشم به آنجا ندوزید، چشم به داخل بدوزید. در داخل کشور خیلی امکانات وجود دارد که اگر چنانچه نگاه ما - چه در زمینه‌های اقتصادی، چه در زمینه‌های فرهنگی، چه در زمینه‌های گوناگون دیگر - [به آنها باشد و] اگر بتوانیم از این نیروهای داخلی استفاده کنیم،

کلید حل مشکلات اینجا است؛ یعنی در درون کشور و امکانات داخلی کشور است که از اینها می‌شود خردمندانه بهره‌برداری کرد. اینها باید شناسایی بشوند. و این است که رتبه ما را در دنیا بالا می‌برد.»

عوامل و الزامات درون‌زایی قدرت

• **افزایش ایمان و باورهای اعتقادی و روحیه ملی:** مقام معظم رهبری در همین رابطه می‌فرمایند: «ساخت اقتدار درونی ملت که در درجه اول با ایمان صحیح و راسخ و با اتحاد آحاد مردم و با عمل درست مسئولین کشور و با همراهی مسئولان و آحاد مردم و با توکل به خدای متعال انجام خواهد گرفت؛ یعنی به کار گرفتن عقل و معنویت و توکل و حرکت و عمل؛ بلاشک در اوضاع منطقه هم اثر می‌گذارد، کما اینکه تا حالا هم اثر گذاشته است.»

• **عزم راسخ:** مقام معظم رهبری یک عنصر را در تحقق راهبرد ساخت درونی قدرت عنصر مهم و همیشگی می‌دانند: «عناصر این استحکام، برخی عناصر همیشگی است، برخی هم عناصر فصلی است. آنچه که جزو عناصر همیشگی است، عزم راسخ است؛ که عرض کردیم. مسئولان کشور باید تصمیمشان را در مواجهه با مشکلات حفظ کنند، عزم راسخ خودشان را محفوظ بدارند، دچار تزلزل نشوند. به سمت آرمان‌ها حرکت کردن، این عزم راسخ را نیاز دارد. اینجاور نباشد که با مشاهده احم دشمن، ترشروی دشمن، حرکت معارضة دشمن با شکل‌های مختلفش - تبلیغاتی‌اش، سیاسی‌اش، اقتصادی‌اش و امثال اینها - متزلزل شوند. هم عزم راسخ مسئولین لازم است، هم عزم راسخ مردم لازم است.»

- تقویت سرمایه اجتماعی با عمل درست مسئولان
- تقویت اتحاد و وحدت و انسجام داخلی و هماهنگی بین قوا
- کاربست عقل و درایت همراه با معنویت و توکل
- ولایت‌مداری و تنظیم رفتارها و تصمیم‌ها بر محور ولایت

- باور و کاربست مدیریت جهادی در همه عرصه ها
- هدایت و جهت‌دهی فرهنگ عمومی به سمت قدرت و پیشرفت درون‌زا
- اهتمام به اقتصاد مقاومتی
- افزایش بنیه دفاعی و توان بازدارندگی دفاعی کشور
- اولویت‌بخشی به ظرفیت‌ها و منابع داخلی
- بهره‌گیری مدبرانه و بهینه از فرصت‌ها و امکانات بیرونی در چارچوب مصالح نظام و منافع ملی
- اجماع‌سازی در بین نخبگان و جامعه و نسبت به الگوی قدرت و پیشرفت درون‌زا

مزایا و ظرفیت‌های اقتصادی ایران

اقتصاد ایران دارای چندین ویژگی و ظرفیت‌هایی است که اگر کشور دچار بحران و رکود اقتصادی ایجاد گردد و حتی شریان‌های حیاتی کشور دچار اختلال شوند می‌تواند خنثی‌کننده، نجات‌بخش و حتی پیش‌برنده باشند. به نوعی می‌توان گفت اقتصاد ایران دارای یک‌سری امتیازات و مزایایی است که اقتصاد کشورمان را از سایر کشورها متمایز می‌سازد که به صورت اجمال به آنها اشاره می‌گردد:

- هجدهمین اقتصاد برتر دنیا
- رشد مثبت اقتصادی علی‌رغم تحریم اقتصادی به غیر از سال ۹۲
- جمعیت جوان
- نیروی انسانی ماهر
- غنی به لحاظ ذخایر طبیعی
- زیرساخت‌های اقتصادی قوی و گسترده
- تنوع در حوزه‌های اقتصادی و غنی به لحاظ ذخایر هیدروکربنی و نفتی

- چهارمین تولیدکننده نفت در جهان
- دارای دومین ذخایر گازی جهان
- حائز رتبه دهم در صنعت توریسم و رتبه پنجم در اکوتوریسم
- دارا بودن بزرگ‌ترین و بیشترین میزان صنایع در حوزه غرب آسیا و شمال آفریقا

- رتبه‌های چهارم تا دهم دنیا در تولید روی و کبالت
- حائز رتبه برتر در ذخایر آلومینیوم، منگنز و مس در جهان
- رتبه چهارم دنیا به لحاظ تنوع تولیدات محصولات کشاورزی در جهان
- گستردگی سرزمینی و عمق راهبردی ایران
- تنوع آب و هوایی و مواهب خدادادی
- تنوع و تعدد معادن
- ظرفیت‌های بالای نیروی انسانی تحصیل کرده و ماهر و نیمه‌ماهر در زمینه ملی

- رتبه پنجم تولیدکننده سیمان
- رتبه هفدهم تولیدکننده فولاد
- ساخت مخازن نفتی و خطوط انتقال نفت تا مخازن به منظور توسعه فعالیت‌های ترانزیت سوخت

- احداث ترمینال کالاهای سردخانه‌ای و تأسیسات مرتبط با آن
- احداث سیلو و انبارهای فراوان برای کالاهای غلات و فله خشک
- ایجاد تجهیزات و ماشین‌آلات مورد نیاز عملیات بندری و کارخانه تولید کانتینر

- ایجاد مراکز ارائه‌کننده خدمات ارزش افزوده از جمله احداث صنایع تبدیلی، مونتاژ

- ایجاد ترمینال‌های مخصوص صادرات- ترانزیت و سوآپ فرآورده‌های

نفتی

البته ناگفته نماند پرداختن صرف به ظرفیت‌ها، به تحلیلی سطحی و شعارگونه منجر خواهد شد، اما به چگونگی اداره و مدیریت ظرفیت‌ها باید نگاه تحلیلی عمیق و راهبردی داشته باشیم.

ظرفیت‌های بیرونی برای مقاومت‌سازی اقتصاد

امروزه همکاری و انسجام جهان اسلام، یکی از پیش‌شرط‌های توسعه و اقتدار کشورهای اسلامی به شمار می‌رود. در همین زمینه، همکاری و ارتباطات گسترده اقتصادی کشورهای اسلامی نیز از موضوعاتی است که برای تحقق آن، تلاش‌های فراوانی انجام می‌شود؛ به‌ویژه آنکه همکاری کشورهای اسلامی در عرصه مسائل اقتصادی، می‌تواند زمینه اتحاد و انسجام آنان را در زمینه‌های مذهبی و سیاسی نیز فراهم کند. کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی هنوز نتوانسته‌اند متناسب با امکانات و توانایی‌های خود، یک بلوک قدرتمند اقتصادی و سیاسی تشکیل دهند. شک نیست که اگر این امکانات، سازماندهی شود و برای کمک به رفاه اقتصادی و ارتقای سیاسی کشورهای اسلامی به کار رود، تحولات چشمگیری در این کشورها به وجود می‌آید.

اقتصاد مقاومتی ابعاد مختلفی دارد با توجه به وجود جمعیت بالای مسلمانان در جهان می‌توان از این ظرفیت به بهترین نحو استفاده کرد و بازارهای هدف را برای فروش محصولات تولیدی فراهم ساخت. ایران اسلامی ضمن حفظ ارزش‌ها، آرمان‌های اسلامی و همچنین انقلابی، می‌تواند روابط سیاسی و اقتصادی با کشورهای اسلامی را توسعه دهد و از ظرفیت بازارهای متعدد در کشورهای اسلامی استفاده بهینه کند.

بازار مسلمین

همکاری‌های اقتصادی کشورهای اسلامی با توجه به جمعیت ۱/۵

میلیاردی و منابع عظیم طبیعی با پشتیبانی عقیدتی و ایمانی مشترک به دین مقدس اسلام، می‌تواند کشورهای اسلامی را به سطح توسعه مطلوب اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ارتقا دهد. و به صورت جغرافیای بزرگ اقتصادی در عرصه مناسبات اقتصادی جهان ظاهر شود.

کشورهای اسلامی با دارا بودن ۲۰ درصد از جمعیت و ۲۳ درصد از مساحت جغرافیایی جهان و دارا بودن ۴۰ درصد از صادرات مواد خام و همچنین ۵۰ درصد صادرات نفت، سهم بزرگی را در مناسبات اقتصادی جهان دارا هستند. کشورهای اسلامی با توجه به داشتن یک‌پنجم جمعیت جهان موقعیت بسیار مناسبی برای مصرف همه نوع کالاها و خدمات را دارند. گردش کالا در بازارهای مشترک اسلامی علاوه بر رونق فعالیت‌های بازرگانی باعث رشد تولید و ارتقای سطح کیفی تولید و شکل‌گیری صنایع مختلف و توسعه صنعت و ارتقای سطح تکنولوژیکی کشورهای اسلامی نیز می‌شود. برای تأسیس یک بازار فراگیر در کشورهای اسلامی نخست باید مناطق آزاد تجاری در میان کشورهای اسلامی به وجود آید. گسترش اینگونه بازارها و توافقات تجاری، زمینه‌ساز شکل‌گیری بازار بزرگ‌تر و هدایت بیشتر فعالیت‌ها و تمرکز آن را در میان کشورهای اسلامی در پی خواهد داشت.

ایران به دلیل (محور بودن، تولیدات متنوع، نیروی انسانی ماهر و مبدع، جمعیت بالا و موقعیت طبیعی و ...) می‌تواند نقش بسیار بالایی ایفا نماید و با این کار اقتصاد خودش را مقاوم سازد. داد و ستد کشورهای اسلامی با همدیگر حدود ۱۰ درصد کل تجارت کشورهای اسلامی را تشکیل می‌دهد و ۹۰ درصد تجارت کشورهای اسلامی با کشورهای دیگر عمدتاً با جهان غرب صورت می‌گیرد؛ یعنی بازار کشورهای اسلامی در اختیار شرکت‌های چند ملیتی غرب قرار دارد. کل جریان ورودی تجارت بین در کشورهای اسلامی در سال ۲۰۱۲ به ۱۳۹/۵ میلیارد دلار رسید.

تولیدات حلال

محصولات غذایی حلال اولین بار در کشور مالزی به وجود آمد و در چند سال اخیر این علامت تجاری غذایی به صورت یک علامت جهانی از طرف کشورهای اسلامی به دنیا معرفی شد. "حلال" این روزها نام یک برند یا نشان تجاری است که بر محصولات غذایی درج می‌شود. "حلال فود"، مبتنی بر انتخاب غذا بر اساس شریعت استوار است و البته ذائقه انسان‌ها نیز در مرتبه دوم حایز اهمیت است. در این مسیر، مسلمانان در تلاشند که نه صرفاً برای دیپلماسی عمومی بلکه برای ترمیم وجهه و افزایش اعتبار خود نزد خداوند و معرفی ظرفیت‌های مکتب اسلام به بشریت، از غذای حلال بهره ببرند. اگرچه "غذای حلال" عموماً به محصولات غذایی که از طریق قوانین شرعی (مثلاً ذبح حلال یا گوشت حیوانات حلال گوشت یا نوشیدنی‌های غیر الکلی) تهیه می‌شوند گفته می‌شود، اما از آنجا که "حلال" ذاتاً امری دینی است تنها شامل فرایند تولید محصولات غذایی نمی‌شود، بلکه به‌دست آوردن آن محصول از مال حلال نیز مقوله‌ای است که دنیای امروز هنوز ظرفیت درک و سازمان‌یافته کردن آن را ندارد. به دلیل پاکیزگی و خوش طعمی محصولات که عنوان حلال بر آن درج شده، غیر مسلمانان نیز به سمت این محصولات ترغیب شده‌اند؛ به طوری که مشتریان غیرمسلمان "حلال فود" بخش کمی نیستند.

بازار جهانی چند میلیارد دلاری محصولات حلال، محرکی مناسب برای رونق صادرات تولیدات خوراکی ایران می‌تواند باشد. گفتنی است که پس از مطرح شدن این طرح، کشور ایران تلاش‌های گسترده‌ای را در تدوین استانداردها، جامعیت و فراگیری جهانی این محصول به انجام رسانده که این اقدامات، مورد تحسین برخی از علما و مراجع تقلید نیز قرار گرفت. بازار محصولات غذایی حلال در اروپا دارای ارزشی معادل با ۱۰۰ میلیارد دلار

تخمین زده شده است که این میزان در بازار جهانی ارزشی نزدیک به ۶۴۰ میلیارد دلار برآورد شده است که ۱۰ درصد از کل جریان ورودی جهانی را به خود اختصاص می‌دهد.

بانک توسعه اسلامی

بانک توسعه اسلامی مخفف (ISDB) (Islamic Development Bank)

یکی از مؤسسات بزرگ مالی توسعه‌ای بین‌المللی و از نهادهای تخصصی سازمان کنفرانس اسلامی است که با هدف پیشبرد توسعه اقتصادی و پیشرفت اجتماعی کشورهای عضو و جوامع مسلمان کشورهای غیر عضو، در سراسر جهان براساس اصول شریعت اسلامی در تاریخ ۲۰ اکتبر ۱۹۷۵ میلادی از سوی ۲۲ کشور اسلامی و با سرمایه اولیه ۷۵۵ میلیون دینار اسلامی در جده عربستان تأسیس شد. هم‌اکنون اعضای بانک توسعه اسلامی، در برگیرنده ۵۶ کشور از چهار قاره آسیا، آفریقا، اروپا و آمریکا هستند و سرمایه پذیرهنویسی‌شده این بانک در حال حاضر ۳۰ میلیارد دینار اسلامی است. جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۸۹ میلادی به عضویت بانک توسعه اسلامی در آمد و در حال حاضر با پذیرهنویسی ۱۴۹۱ میلیون دینار اسلامی پس از عربستان سعودی و لیبی، سومین سهام‌دار بزرگ آن بانک است. براساس آخرین گزارش سالانه بانک، جمهوری اسلامی ایران در استفاده از تسهیلات بلندمدت بین ۵۶ کشور عضو، رتبه اول و در استفاده از تسهیلات کوتاه‌مدت، رتبه سوم را دارا می‌باشد. کسب این موقعیت یک ظرفیت مناسبی برای توانمندی اقتصاد است و می‌توان از آن برای تقویت و مقاوم‌سازی اقتصادی کشور به ویژه در دوره تحریم‌ها استفاده کرد.

سازمان تجارت جهانی

اقتصاد جهانی امروز بیشتر در قالب سازمان تجارت جهانی کار می‌کند که

اکثر کشورهای جهان به عضویت آن در آمده‌اند. این سازمان ۹۵ درصد تجارت جهانی را به خود اختصاص داده است. شیوه کار سازمان بر اساس مزیت نسبی، تخصیص کاراتر منابع و همکاری‌های گسترده فنی و تکنولوژیکی است. گسترش بازارهای محصولات صنعتی، رشد صنایع با مزیت نسبی را در پی خواهد داشت. دسترسی آسان و ارزان به محصولات کشاورزی و سایر کالاها و همچنین آزادی ورود سرمایه از مزیت‌های این اقتصاد است که می‌تواند برای کشورهای در حال توسعه حائز اهمیت باشد.

بنابراین ورود در شبکه اقتصاد جهانی، فرصت‌های بی‌شمار را برای کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته فراهم می‌آورد که استفاده از این فرصت‌ها به مدیریت عالی و تدابیر اساسی نیازمند است. در غیر این صورت از عوارض ناخواسته آن هم کشورهای در حال توسعه در امان نخواهد بود که از آن جمله فرار سرمایه از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه‌یافته و نفوذ سلطه‌جویانه برخی شرکت‌های فراملیتی و قدرت‌های اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته و دخالت در امور سیاسی و اقتصادی این کشورها خواهد بود.

با این حال کشورهای زیادی از فرصت‌های فراهم‌آمده ناشی از عضویت در شبکه اقتصاد جهانی بهره‌مند شده، از عوارض آن نیز در امان مانده‌اند و به سطح رفاه و توسعه اقتصادی مطلوب رسیده‌اند که از آن جمله کشورهای جنوب شرق آسیا و کشورهای عضو آ.سه.آن و برخی از کشورهای آفریقایی هستند که با استفاده از سرمایه‌های خارجی و جلب این سرمایه‌ها در درون کشور و همچنین با ورود فناوری و همکاری‌های علمی آنان به توسعه صنایع و سطح تکنولوژیکی مطلوب رسیده‌اند، جمهوری اسلامی ایران نیز چندین سال است تلاش می‌کند به این سازمان وارد شود، اما حدود ۱۴ بار با مخالفت آمریکا و حامیان آنها مواجه شده است، اما به تازگی به عنوان عضو ناظر

انتخاب شده است. ورود به سازمان تجارت جهانی برای اقتصاد ایران، که یک اقتصاد جوان است می‌تواند در تجارت بسیاری از کالاها مزیت‌های مناسبی داشته باشد و اگر ملاحظات سیاسی و تبعات آن را داشته باشیم فرصت خوبی است تا بتوانیم اقتصاد را در تعامل با سایر کشورها تقویت کنیم.

تبعات و آسیب‌های رویکرد به ساخت بیرونی قدرت

بی‌توجهی به ساخت درونی قدرت و تبعیت صرف از نگاه بیرونی پیامدهای زیادی خواهد داشت که به برخی از پیامدهای توجه به نگاه بیرونی برای ساخت قدرت اشاره می‌شود:

بخش روابط بین‌الملل

- دنباله‌روی و تضعیف استقلال واقعی
- خنثی شدن نقش تعیین‌کننده بازیگری در معادلات قدرت
- تضعیف شعار صدور انقلاب و ارزش‌های ضد سلطه
- تبعیت از هژمون نظام سلطه
- عدم موفقیت و تک بعدی شدن کشورهای متکی به بیرون امثال مصر، مالزی، ترکیه، عربستان

بخش اقتصادی

- آسیب‌پذیری شدید اقتصادی
- به خطر افتادن ظرفیت‌ها و توانمندی‌های داخلی
- عدم خروج از وابستگی اقتصادی
- تراز منفی تجارت
- به‌هم‌ریختگی احتمالی امنیت غذایی به ویژه در واگرایی‌های سیاسی

بخش فرهنگی

- تضعیف هویت فرهنگی

- زوال روحیه و اعتماد به نفس ملی
- تعمیق فرهنگ غیر بومی و تضعیف فرهنگ ملی
- آسیب‌پذیر شدن فرهنگ و تشدید تهاجم‌های فرهنگی بیگانه
- بخش علم و فناوری
- توقف نهضت تولید علمی در کشور
- افزایش پدیده فرار مغزها و نخبگان
- تداوم وابستگی در بخش‌های علمی و تکنولوژیک
- بی‌اعتمادی به ظرفیت‌های فکری و علمی داخلی

در پایان باید گفت اکثر تحلیل‌گرانِ منصف بر این امر اذعان دارند دلیل اصلی نظام سلطه در تمرکز تحریم‌ها در حوزه اقتصاد، این است که نوعی تضاد منافعِ جدی میان ایران و دنیای سلطه و در رأس آن، آمریکا وجود دارد. عنصر محوری این تضاد اسلام است و طبیعی به نظر می‌رسد که جبهه‌ی حریف، بر مبنای این تضاد ماهوی، موضعی خصمانه اتخاذ کند، اما ارتباط و استفاده از ظرفیت‌های بیرونی به ویژه جهان اسلام منعی با ساخت درونی قدرت ندارد.

امت اسلام در اندیشه سیاسی امام خمینی^(ه)

علی مرادزاده

مقدمه

مفهوم امت در مکاتب و حیانی به ویژه در قرآن کریم از جایگاهی ارزشمند برخوردار است و در کلام شریعت همواره از پیروان و معاصران هر یک از انبیا با عبارت امت موسی، امت عیسی و امت محمد^(ص) یاد می‌شود؛ بنابراین واژه امت، هم ریشه تاریخی به ازای تاریخ حیات بشر دارد و هم مفهومی کاملاً ایدئولوژیک و دینی به شمار می‌رود. امام خمینی^(ه) رهبر کبیر و بنیانگذار انقلاب اسلامی از ابتدای شکل‌گیری مبارزات تا رحلت و نگارش وصیت‌نامه خویش پیوسته در صدد تشکیل امت واحد اسلامی و تحکیم ارکان وحدت و انسجام دینی آنها در برابر امت کفر و نظام‌های سلطه‌گر و شیطانی بودند، نگرش امت‌مدارانه جزء جدایی‌ناپذیر اندیشه و رفتار سیاسی امام راحل است. امام خمینی^(ه) در فرایند انقلاب وحدت‌بخش الهی خویش همه مسلمانان و مستضعفان را مخاطب قرار دادند و بر نفی سلطه متکبران جهان‌خوار به ویژه شیطان بزرگ آمریکا و غده سرطانی اسرائیل در ممالک اسلامی تکیه و تأکید داشتند. اصل بنیادین سیاست خارجی در اندیشه سیاسی امام خمینی^(ه) اصل



امت‌گرایی اسلامی و احیای تمدن اسلام و عزت مسلمین است تا مفهوم و رسالت امت واحد قرآنی را تحقق بخشند. از این رو کلید واژه‌هایی چون امت اسلام، بسیج جهانی مستضعفین، ید واحد و اخوت بین مسلمانان در بیان و قلم امام راحل از بیشترین فراوانی تکرار برخوردار است و نوشتار حاضر تلاش می‌کند به تبیین و تشریح آن پردازد.

پیشینه و خاستگاه امت

واژه امت از مفاهیم سیاسی است که ۴۹ بار در قرآن تکرار شده است؛ ۳۴ مورد آن آیات و سوره‌های مکی و ۱۵ مورد آن در آیات و سوره‌های مدنی. علاوه بر آن واژه‌هایی چون قوم نیز با همین بار معنایی به کار رفته است؛ نظیر قوم موسی و قوم عیسی و ... اما امت از ژرفای بیشتر و عمیق‌تری برخوردار می‌باشد. قرآن کریم انسان‌ها را علی‌رغم عوامل اختلاف‌انگیز و تمایزها و تفاوت‌های گوناگونی که بین آنها حکم‌فرماست مجموعه‌ای همگرا و همگون و متشکل و چون کاروانی منسجم و در حال حرکت به سوی هدف واحد تلقی می‌کند و او را به یک سازماندهی فراگیر دعوت می‌نماید و این حالت را شکل مطلوب و معقول آینده بشر می‌داند (عمید زهنجانی، مبانی اندیشه سلیسی اسلام، ص ۲۶۱).

قرآن کریم تصریح می‌کند که مردم امت واحد بودند از آن پس خداوند انبیا را برانگیخت (بقره/ ۲۱۳) انسان‌ها جز امت واحد نبودند، از آن پس اختلاف نمودند (یونس، ۱۹) این است امتنان که امت واحد است و من نیز پروردگارتان، پس مرا عبادت کنید (انبیاء/ ۹۲، مؤمنون/ ۵۲).

بنابراین مسلمانان موظف‌اند که وحدت و یکپارچگی را نخست در جامعه کوچک‌تر جهان اسلام تحقق بخشند و سرانجام آن را به سراسر جامعه بشری گسترش دهند.

مفهوم‌شناسی امت در فرهنگ لغات

واژه امت در اصطلاحات حقوقی جدید ایران مترادف ملت است (جعفری

لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۷۹).

امت از ریشه "ام" به معنی آهنگ و قصد و عزیمت کردن است و این معنی ترکیبی است از سه معنی حرکت، هدف و تصمیم آگاهانه و چون در ریشه ام مفهوم و پیش روی نیز نهفته است بنابراین چهار عنصر این معنی مرکب را می‌سازند: ۱- انتخاب ۲- حرکت ۳- پیش رو ۴- مقصد. با حفظ همه این معانی، کلمه امت، در اصل به معنی طریق الواضح، راه روشن است؛ یعنی جامعه یا گروهی انسانی به معنی راه.

رهبری کردن، رهبری شدن و راه رفتن در این کلمه نهفته است، پس اسلام پیوند اساسی و مقدس افراد انسانی را در اینجا، نه اشتراک افراد در خون می‌بیند، نه خاک، نه تجمع، نه اشتراک در مقصد، نه اشتراک در شکل کار و ابزار آن، و نه تشابه نژاد یا حیثیت اجتماعی و نوع زندگی و ... پس از چه پیوندی است که در نظر اسلام، اساسی‌تر و مقدس‌تر از همه اینهاست؟ رفتن، گروهی از افراد انسانی که یک راه را برای رفتن انتخاب کرده‌اند.

امت، حرکت به سوی قبله مشترک اساسی فکر است

امت، جامعه انسانی از همه افرادی است که در یک هدف مشترک گرد هم آمده‌اند تا براساس یک رهبری مشترک به سوی ایده‌آل خویش حرکت کنند (علیرضا شابان، دایره‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، کتاب اول، ص ۸۲).

وحدت امت اسلام هدف تشکیل حکومت

امام خمینی^(ه) هدف اصلی مسلمانان را وحدت امت اسلام می‌داند و تشکیل حکومت اسلامی را ابزاری برای انسجام و اتحاد امت اسلام تلقی می‌کند؛ بنابراین اتحاد امت، مقدم بر تشکیل حکومت و نظام سیاسی است. امام در این زمینه می‌فرماید: ما برای اینکه وحدت امت اسلام را تأمین کنیم، برای اینکه وطن اسلام را از تصریف و نفوذ استعمارگران و دولت‌های دست‌نشانده آنها خارج و آزاد کنیم، راهی نداریم جز اینکه تشکیل حکومت

بدهیم... تشکیل حکومت برای حفظ نظام و وحدت مسلمین است (ولایت فقیه، ص ۴۲).

سرنگونی حکومت‌های ظالم لازمه وحدت امت

در اندیشه سیاسی امام خمینی^(ع) علت و انگیزه اینکه باید برای سرنگونی حکومت‌های ظالم و سقوط و براندازی نظام‌های سیاسی دست‌نشانده و وابسته مجاهدت و تلاش کنیم این است که می‌خواهیم زمینه شکل‌گیری امت اسلام فراهم شود و حکومت‌های ظالم و عوامل دست‌نشانده مانع شکل‌گیری امت واحد هستند. ایشان می‌فرمایند: منظور تحقق وحدت و آزادی‌های ملت‌های مسلمان بایستی حکومت‌های ظالم و دست‌نشانده را سرنگون کنیم و پس از آن حکومت عادلانه اسلامی را که در خدمت مردم است به وجود آوریم (همان).

برنامه انقلاب اسلامی وحدت امت اسلامی است

در بیانات امام خمینی^(ع) مسیر برنامه‌ریزی و فرآیند تحقق اهداف انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی تبیین می‌شود که برنامه ما وحدت کلمه مسلمین و تشکیل امت واحد اسلامی است تا این امت واحد الگو و سرمشق ملت‌های جهان گردد. امام می‌فرمایند: ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در هر حال مهیا هستیم. برنامه ما برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است، برادری با جمیع فرق مسلمین است در تمام نقاط عالم، هم پیمانی با تمام دول اسلامی است در سراسر جهان (صحیفه امام، ج ۱، ص ۳۳۶).

ما امت اسلام را عزیز می‌داریم

امام راحل با نگاه ولایی خویش تمامی مسلمان‌ها را در قالب امت اسلام و ملت مسلمان عزیز و قابل احترام و دفاع می‌داند و تأکید می‌کند: ما ملت اسلام را، ترکش باشد، عربش باشد، عجمش باشد، از هر ملت، آفریقا باشد،

آمریکا باشد، هر جا می‌خواهد باشد، ما ملت اسلام را عزیز می‌داریم (صحیفه امام، ج ۱، ص ۳۸۱).

مسلمانان ید واحد هستند

امام خمینی^(۵) به تبع نگاه قرآنی و دینی که همواره در تمامی شئون زندگی سیاسی و اجتماعی خویش نشان داده‌اند مسلمانان را ید واحد می‌دانند و بر این باور هستند که: مسلمانان به مثابه دست واحدند و همه در مسئولیت عمومی یکسانند، تفرقه‌جویی و نژادپرستی در کار نیست و بین ملت‌های اسلامی هیچ‌گونه امتیازی وجود ندارد جز تقوا و پرهیزگاری (صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۰۱).

این دیدگاه امام خمینی^(۵) برگرفته از روایتی است که از معصوم نقل گردیده، امام^(۴) می‌فرماید: المؤمنون ید، علی من سواهم یسعی بدمتهم ادناهم. (بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۴۸)

منشور امت اسلام در مناسک حج

امام خمینی^(۵) همواره نگاه ویژه‌ای به مناسک حج و گروه‌های بزرگ امت اسلام در سرزمین وحی دارند. ایشان از نخستین مراحل آغاز مبارزات انقلابی خویش حج را فرصتی گرانبها برای تبیین مسائل امل اسلام و چاره‌اندیشی برای حل مشکلات مسلمانان جهان می‌دانسته‌اند و پیوسته مسلمانان را ترغیب به بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت حج کرده‌اند. ایشان در آثار خویش وظایف امت اسلام در ایام حج را در چند محور اساسی بر شمرده‌اند:

۱- کوشش در اهداف مقدسه اسلام و مقاصد عالیه شریعت مطهره؛

۲- کوشش در راه ترقی و تعالی مسلمین؛

۳- کوشش برای اتحاد و پیوستگی در راه استقلال؛

۵- هم‌فکر شدن در راه ریشه کن کردن سرطان استعمار؛

۶- شنیدن و حل گرفتاری‌های ملل مسلمان از زبان اهالی هر مملکت؛

- ۷- فکر کردن و چاره‌اندیشی برای فقرا و مستمندان کشورهای اسلامی؛
- ۸- چاره‌اندیشی برای آزادی سرزمین اسلامی فلسطین از چنگال صهیونیسم، دشمنی سرسخت اسلام و انسانیت، و غفلت نورزیدن از مساعدت و همکاری با مردان فداکاری که در راه آزادی فلسطین مبارزه می‌کنند؛
- ۹- بر حجاج دانشمند لازم است برای بیداری ملت‌ها بیانیه صادر کنند.
- ۱۰- بر امت اسلامی و ملت‌های اسلامی لازم است... در اجتماع مقدس حج اولاً در مسائل اساسی اسلام و ثانیاً در مسائل خصوصی کشورهای اسلامی تبادل نظر کنند (صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۲۲).

علل عقب‌ماندگی امت اسلام

امام راحل مهم‌ترین علت عقب‌ماندگی امت اسلام را دوری از قرآن کریم می‌دانند و تأکید می‌کنند: دوری اول اسلامی در قرآن کریم، ملت اسلام را به این وضع سیاه نکبت‌بار مواجه ساخته و سرنوشت ملت‌های مسلمان و کشورهای اسلامی را دستخوش سیاست سازشکارانه استعمار چپ و راست قرار داده است (همان، ص ۴۳۸).

بیداری امت اسلام کلید نجات آنهاست

امام خمینی^(۵) بیداری امت اسلام را عامل نجات آنها می‌داند و تأکید می‌کنند از فرصت‌ها و ایام الله برای افزایش بیداری مسلمین و وحدت کلمه آنها استفاده شود، ایام حج، ماه مبارک رمضان، نمازهای جمعه و جماعات و دیگر اجتماعات بزرگ از این جمله است و امام می‌فرمایند: در این اجتماعات بزرگ اسلامی ... حقایق را به گوش عموم مسلمین برسانند و پیروان قرآن را به وحدت کلمه و تشریک مساعی برای آزادی فلسطین و حل مشکلات خانمان‌سوزی که گریبان‌گیر ملت اسلام است، دعوت نمایند (همان - ص ۴۶۲).

تفرقه امت اسلام اساس و قرآن را به خطر می‌اندازد

امام خمینی^(۵) بیش از هر یک از علما و اندیشمندان اسلام نسبت به هر اعتلاف و تفرقه امت اسلام اعلام خطر کرده‌اند. ایشان در بسیاری از موارد مانند حرمت تفرقه مذهبی و وجوب به نماز جماعت ایستادن شیعیان در جماعت اهل سنت در ایام حج، دیدگاه‌های جدیدی ارائه کردند که کمتر در میان فقها مشهور بوده است و بدین وسیله خط‌شکنی کرده‌اند. همه اینها برای این بوده است که امام خطر تفرقه را درک کرده‌اند و بسیاری از علما و فقها در این حد نبوده‌اند و هنوز هم برخی از فقه‌های شیعه و اهل سنت بر طبل تفرقه مذهبی و تحریک شیعه و سنی علیه یکدیگر می‌کوبند. امام راحل می‌فرماید: چنانچه کراراً اعلام خطر کرده‌ام، اگر امت اسلام بیدار نشوند و به وظایف خود آگاهانه نگرند، اگر علمای اسلام احساس مسئولیت نکنند و بپا نخیزند، اگر اسلام واقعی که عامل وحدت و تحریک کلیه فرق مسلمین در مقابل بیگانگان است، و ضامن سیاست و استقلال ملل مسلمان و کشورهای اسلامی می‌باشد به دست عوامل و ایادی اجانب همین طور در زیر پرده سپاه استعماری پوشیده بماند و آتش اختلاف و تشتت در میان مسلمین افروخته گردد، روزهای سیاه‌تر و نکبت‌باری برای جامعه اسلامی در پیش است و خطر ویران‌کننده‌ای متوجه اساس اسلام و احکام قرآن می‌باشد (همان، ص ۴۸۸).

تفرقه، عامل تمام بدبختی‌های مسلمین

تفرقه و اختلاف یکی از عوامل سقوط تمدن‌ها در طول تاریخ بشر بوده است. اختلاف از هر نوع آن که باشد ویرانگر و خانمان‌سوز است. تفرقه و اختلاف مذهبی بیش از هر عامل دیگر تمدن‌ها را به سقوط و انحطاط می‌کشاند؛ برای اینکه یک فتوای مذهبی مجوز کشتار و جنگ‌های ویرانگر داخلی در مبارزه مسلمانان را فراهم می‌سازد و آب به آسیاب دشمن می‌ریزد. مانند آنچه افراطی‌های تکفیری در جهان اسلام به وجود آورده‌اند. امام خمینی^(۵) می‌فرماید: تمام بدبختی‌های مسلمین برای این تفرقه‌ای است که

بین‌شان هست، ملت‌های مسلم با هم اجتماع کنند و حکومت‌ها را از الزام کنند به اینکه دست از تفرقه بردارند و دست از حمایت از منافع اجانب هم بردارند (همان، ج ۴، ص ۴۴۴).

اسلام، حلقه اتصال تمام امت اسلام

امام راحل اسلام را دارای چنان ظرفیت و جامعیتی می‌دانند که قادر است حلقه اتصال و محور وحدت و همگرایی امت اسلام باشد و مسلمین را از اختلاف نژادی و قومی و زبانی و مذهبی برحذر می‌دارند. امام خطاب به امت اسلام می‌فرمایند: پیام من برای برادران عرب و مسلمان این است که بیایید اختلافات را کنار بگذارید و دست برادری به یکدیگر بدهید و هم‌گام و هم‌پیمان با همه برادران مسلمان غیر عرب، تنها اسلام را تکیه‌گاه خود قرار دهید (همان، ج ۵، ص ۸۲).

تفرقه امت، عامل تسلط استکبار

امام خمینی^(۵) علت اصلی تسلط استکبار جهانی و سلطه اجانب در ممالک اسلامی و نفوذ آنها در امت اسلام را تفرقه مسلمین می‌دانند و تأکید می‌کنند: اگر مسلمین وحدت کلمه داشتند امکان نداشت اجانب بر آنها تسلط پیدا کنند. این تفرقه در بین مسلمین (امت اسلام) است که باعث شده است اجانب بر ما تسلط پیدا کنند (همان، ج ۶، ص ۸۳).

رهایی، ثمره وحدت امت اسلام

امیدواریم که همه ملت‌های اسلامی و همه دولت‌های اسلامی یک روز به خود آیند و تفرقه‌ها و هواهای نفسانی و اغراض شخصیه را کنار بگذارند و تحت لوای اسلام و قرآن مجتمع شوند و در این اجتماع قدرتی مافوق قدرت‌های موجود در عالم را به دست بیاورند (همان، ج ۷، ص ۱۲۴).

اعتصام به حبل‌الله راه حل تمام مشکلات

اگر مسلمین به حسب امر... واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا (آل

عمران/ ۱۰۳) اگر به همین یک امر و نهی عمل می‌کردند تمام مشکلاتشان؛ مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی‌شان رفع (می‌شد) و هیچ قدرتی نمی‌توانست با آن مقابله بکند (همان، ج ۹، ص ۱۲۹).

ضرورت قیام برای احیای عزت امت اسلام

ای مسلمانان جهان چه شد شما را که در صدر اسلام با عده بسیار کم، قدرت‌های عظیم را شکستید و امت بزرگ اسلامی- انسانی ایجاد نمودید، اکنون با قریب یک میلیارد جمعیت و دارا بودن مخازن بزرگی که بالاترین حربه است در مقابل دشمن، این چنین ضعیف و زبون شدید؟! آیا می‌دانید که تمام بدبختی‌های شما در تفرقه و اختلاف بین سران کشورهای شما و بالنتیجه بین خود شماست؟ از جای برخیزید و قرآن کریم را به دست گرفته و به فرمان خدای تعالی گردن نهید تا مجدد خود را عظمت اسلام عزیز را اعاده کنید (همان، ج ۱۰، ص ۳۳۹).

همه مسلمین با هم برادرند

امام خمینی^(۵) در اغلب بیانات و آثار خویش تکرار می‌کنند که ما با هم برادریم، مؤمنین با هم برادرند و آن را پیام قرآن می‌دانند که انما المؤمنون اخوه (جمرات/ ۱۰) و می‌فرمایند: ما با همه ملت‌های مسلم برادر هستیم و در شادی و غم آنها شریک هستیم (همان، ج ۱۱، ص ۱۰۴).

اگر همه مؤمنین در تمام کشورهای اسلامی همین یک دستور خدا را که خدا عقد اخوت بین‌شان انداخته است را عمل بکنند قابل آسیب دیگر نیست (همان، ص ۴۹۱).

وعاظ السلاطین مانع وحدت امت اسلام

امام از عبارت وعاظ السلاطین بارها استفاده کرده‌اند و آنها را عامل تفرقه و اختلاف امت اسلام می‌دانند و نتیجه کار آنها را در خدمت به استعمار ارزیابی می‌کنند. امام راحل پس از آنکه وحدت و یکپارچگی امت اسلام را

تبیین می‌کند می‌فرمایند: ما می‌خواهیم که یک میلیارد جمعیت دنیا از مسلمین با هم متحد بشوند، اگر متحد بشوند نه قضیه قدس دیگر باقی می‌ماند و نه قضیه افغانستان و نه قضایای دیگر و اگر وعاظ السلاطین (آخوندهای درباری) بگذارند و اتحاد ما را به هم زنند ان شاء الله پیروز خواهیم شد و دول اسلامی و ممالک اسلامی پیروز خواهند شد (همان، ج ۱۳، ص ۹۸).

تفرقه امت توحیدی، توطئه شیطان بزرگ است

شیطان بزرگ جوجه‌های خود را فرا خوانده است تا با هر حيله متصور، بین مسلمین تفرقه افکند و امت توحیدی و برادران ایمانی را به اختلاف و دشمنی بکشانند و راه سلطه‌گری و چپاول را برای خویش هر چه بیشتر باز کند... مسلمانان جهان باید این تفرقه‌افکن‌ها را بشناسند و توطئه پلید آنان را خنثی کنند (همان، ج ۱۳، ص ۳۳۷).

اسلام آمده امت بزرگ اسلام در دنیا تشکیل دهد

در اندیشه سیاسی امام خمینی^(ه) هدف اصلی اسلام عبارت است از تشکیل امت بزرگ اسلام در سراسر جهان، و مسأله ملی‌گرایی را از موانع شکل‌گیری امت اسلام می‌دانند و ملی‌گرایی را نقشه قدرت‌های بزرگ برای سلطه بر جهان اسلام و امت اسلام قلمداد می‌کنند. امام راحل تصریح می‌کنند: از نقشه‌های بزرگ مسأله ملت‌گرایی است، اسلام آمده است تا تمام ملل دنیا را، عرب را، عجم را، ترک را، فارس را، همه را با هم متحد کند و یک امت بزرگ به نام امت اسلام در دنیا برقرار کند (همان، ص ۴۴۳).

هر کس بین امت اسلام تفرقه بیندازد لشکر شیطان و مخالف قرآن

است

اینهایی که با اسم ملیت و گروه‌گرایی و ملل‌گرایی بین مسلمین تفرقه می‌اندازند، اینها لشکرهای شیطان و کمک کارهای به قدرت‌های بزرگ و

مخالفین با قرآن کریم هستند (همان). این عبارت بسیار صریح و شفاف است؛ بنابراین حتی اگر علمای اسلام از هر مذهب و فرقه‌ای عامل تفرقه و اختلاف مذهبی باشد لشکر شیطان بزرگ آمریکای جهانخوار و مخالف نص قرآن است.

دولت‌های وابسته مشکل جهان اسلام‌اند

امام خمینی^(۵) در بیاناتی که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از آن داشته‌اند پیوسته خطر دولت‌های وابسته و دولت‌های سرسپرده و دولت‌های مرعوبی که از استکبار و اجانب پیروی کنند را مهم‌ترین مشکل جهان اسلام دانسته‌اند و همواره تأکید داشته‌اند: از مشکلات مسلمانان قضیه دولت‌هاست؛ دولت‌هایی که گمارده شده‌اند بر سر ملت‌ها و به نفع دولت‌های بزرگ فعالیت می‌کنند، مشکل اسلام، دولت‌های اسلامی است، نه ملت‌ها (همان، ج ۱۴، ص ۱۳۵).

استکبار عامل تفرقه شیعه و سنی

در اندیشه امام خمینی^(۵) شیعه و سنی برادرند و آنچه بین آنها اختلاف می‌اندازد دست‌های دشمن است. امام تأکید می‌کنند: امام راجع به اصل و اساس مسائل مسلمین، ما معتزیم که این دو برادر شیعه و سنی به واسطه دست‌هایی که در کار بوده است، چه از روی تقصیر یا قصور، نتوانسته‌اند اتحادی را که مسلمین باید در مقابل کفار و مشرکین داشته باشند، ایجاد نمایند، الآن هم نمی‌گذارند... آنها می‌خواهند اسلام نباشد تا بتوانند فضائل ما را بگیرند، در زمانی که همه مسلمین گرفتار و مشرکین و منافقین هستند، وقت آن نیست که ما با هم جنگ و نزاع کنیم (همان، ج ۱۶، ص ۴۸۸).

همه کفر و استکبار در کمین امت اسلام و امت محمد^(ص)

فریاد برائت ما فریاد امتی است که همه کفر و استکبار به مرگ او در کمین نشسته‌اند و همه تیرها و کمان‌ها و نیزه‌ها به طرف قرآن و عترت

عظیم، نشانه رفته‌اند و هیهات که امت محمد^(ص) و سیراب‌شدگان کوثر عاشورا و منتظران وراثت صالحان به مرگ ذلت‌بار و به اسارت غرب و شرق تن در دهند و هیهات که خمینی در برابر تجاوز دیو سیرتان و مشرکان و کافران به حریم قرآن کریم و عترت رسول خدا و امت محمد^(ص) و پیروان ابراهیم حنیف ساکت و آرام بماند و یا نظاره‌گر صحنه‌های ذلت و حقارت مسلمانان باشد (همان، ج ۲۰، ص ۳۱۸).

امت اسلام منتظر کمک خارجی نباشد

امام خمینی^(ه) در وصیتنامه سیاسی الهی خویش، امت اسلام را بر حذر می‌دارد از اینکه منتظر کمک خارجی باشد؛ زیرا بیگانگان هرگز نمی‌خواهند مسلمین به اهداف الهی و اسلامی خویش برسند؛ بنابراین کمک آنها به این است که امت اسلام از اهداف خود دور شود. امام می‌فرماید: وصیت من به ملت‌های کشورهای اسلامی است که انتظار نداشته باشید که از خارج کسی به شما در رسیدن به هدف که آن اسلام و پیاده کردن احکام اسلام است کمک کند، خود باید به این امر حیاتی که آزادی و استقلال را تحقق می‌بخشد قیام کنید (وصیتنامه سیاسی الهی امام خمینی).



جامعه بین‌المللی و جهانی چیست؟

واژه‌ها و عبارات‌ها بار معنایی خاصی دارد که گاهی با بهره‌گیری از رسانه‌ها معنایی غیر از مفهوم واقعی آنها به افکار عمومی ارائه و القا می‌شود. واژه‌سازی و ایجاد مفاهیم ساختگی از جمله کارکردهای نظام سلطه برای توجیه رفتارهای سلطه‌جویانه خویش است.

دولت‌های مستکبر و زورگوی غربی وقتی می‌خواهند وانمود کنند که روش و عقیده آنها درست و خواست همه است از اصطلاحات زیبا و ظاهر فریب استفاده می‌کنند. یکی از واژگانی که نظام سلطه برای این هدف به کار می‌گیرد "جامعه جهانی" است. این اصطلاح، امروزه به معنی واقعی استعمال نمی‌شود و فقط چند کشور محدود که در رأس نظام سلطه و جبهه باطل هستند خود را جامعه جهانی می‌خوانند و مدعی هستند که بقیه کشورها باید از آنها تبعیت کنند.

بنابر این مفاهیم بسیاری از واژگان را باید در دو ساحت "واقعی" و "ساختگی" مورد بررسی قرار داد. در این مجال به بیان مفهوم واقعی و ساختگی "جامعه جهانی" می‌پردازیم.

مفهوم واقعی جامعه بین‌المللی و جامعه جهانی

کتاب «از جامعه بین‌الملل تا جامعه جهانی» نوشته

باری بوزان، ترجمه دکتر محمدعلی قاسمی، در این باره می‌نویسد:

"جامعه بین‌المللی" که با گروسیوس شناخته شده و به نهادینگی نفع و هویت مشترک میان دولت‌ها مربوط می‌شود، بر ایجاد و حفظ هنجارها، قواعد و نهادهای مشترک تأکید دارد و "جامعه جهانی" که با کانت شناخته شده به افراد، سازمان‌های غیر دولتی و اهالی کره زمین مربوط می‌شود و با انقلابی‌گری شهرت یافته و بر عبور از سیستم دولت‌ها تأکید دارد.

به طور کلی جامعه بین‌المللی یا اجتماع بین‌المللی یک جامعه سیاسی است که از مجموعه موجودات انسانی تشکیل شده که در کره خاکی زندگی می‌کنند و از طریق همبستگی متقابل با یکدیگر در ارتباط هستند. اما از دیدگاه جامعه‌شناختی، جامعه انسانی به تشکیلات کوچک‌تری تقسیم شده که در کل، جامعه بین‌المللی را به وجود می‌آورند و مهم‌ترین این تشکیلات کشورها هستند. کشورها از دید تاریخی، عامل مؤثر سیاسی در جامعه بین‌المللی می‌باشند (گلییار، کلود البر، نهادهای روابط بین‌الملل، ترجمه و تحقیق از هدایت‌الله فلسفی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۸).

پیوستگی و روابط روزافزون متقابل اشخاص خصوصی در سطح بین‌المللی موجب شد تا جامعه بین‌المللی به صورت جامعه جهانی تحول یابد. بنابراین جامعه جهانی مفهومی گسترده‌تر از جامعه بین‌المللی دارد (حسن ارسنجانی، حاکمیت دولت‌ها، تهران، جیبی، ۱۳۶۸).

امروزه جامعه جهانی از مطالعه کنش متقابل کشورها فراتر رفته، گروه‌ها و افراد نیز انواع زیادی از روابط فراملی را میان خود برقرار کرده‌اند که نمایانگر تحول جدیدی از مناسبات جامعه جهانی است و طبعاً به عنوان بازیگران جامعه جهانی به حساب می‌آیند؛ هرچند در سال‌های اخیر توجه زیادی به روابط فراملی و فعالیت‌های بازیگران غیردولتی معطوف شده است.

در مجموع می‌توان جامعه بین‌المللی را عمدتاً یک جامعه بین‌الدول، و جامعه جهانی را جامعه بین‌الملل به مفهوم عام کلمه دانست.

از منظر نظریه‌پردازی به نام «هدلی بال»، جامعه بین‌المللی زمانی پا به

عرصه وجود می‌گذارد که گروهی از دولت‌ها با آگاهی از منافع و ارزش‌های مشترک اقدام به تأسیس یک جامعه کرده و خود را متقاعد کنند که در روابط با یکدیگر از قواعدی مشترک پیروی کنند.

به این ترتیب، جامعه بین‌المللی قراردادی سیاسی است که بر مبنای دسته‌ای از ارزش‌های مشترک بشری شکل می‌گیرد که در میان این ارزش‌ها می‌توان به حق تعیین سرنوشت، عدم مداخله، حق دفاع از خود و مهم‌تر از همه، «استقلال سیاسی» اشاره کرد. استقلال سیاسی به معنای حاکمیت بلامنازع داخلی در عین احترام به این حاکمیت، از سوی واحدهای سیاسی خارجی است؛ بنابراین از «حاکمیت» به عنوان اصل یا قرارداد ضامن استقلال نام برده می‌شود.

در جامعه بین‌المللی قواعد مشترکی وجود دارد که دیپلماسی و حقوق بین‌الملل از آن جمله‌اند. دیپلماسی، ابزار تسهیل روابط بین دول دارای حاکمیت است و حقوق بین‌الملل هم قوانینی را شکل می‌دهد که کشورها باید بر اساس آن با یکدیگر تعامل کنند.

مفهوم ساختگی جامعه بین‌المللی و جامعه جهانی

امروزه فقط چند کشور محدود و سلطه‌گر، خود را "جامعه بین‌المللی و جامعه جهانی" می‌نامند و مدعی هستند که از طرف همه کشورها صحبت کنند.

بسیاری از تحلیل‌گران بر این باورند که قدرت به معنای «ترکیبی از توان‌مندی‌های دولت‌ها» اصلی‌ترین عامل در تعیین جایگاه کشورها در عرصه هرج و مرج آمیز بین‌المللی بوده و این قدرت‌های بزرگ هستند که قواعد بین‌المللی از جمله قواعد حاکم بر نهادهای بین‌المللی را تعیین کرده و می‌کنند.

بنابر این دیدگاه آنچه نگرانی‌های جامعه بین‌المللی و جهانی را تبیین می‌کند، «منافع قدرت‌های بزرگ» است. از این رو هنگامی که مثلاً مسائل سیاست خارجی اتحادیه اروپا در حال سخن گفتن از نگرانی‌های جامعه

بین‌المللی و جهانی در خصوص برنامه هسته‌ای ایران است، در واقع در حال سخن گفتن از نگرانی‌های قدرت‌های بزرگ در این زمینه است.

به این ترتیب، وقتی اشتون، اوباما، کری، آمانو، بان‌کی‌مون و سایر مقامات نهادهای بین‌المللی از نگرانی‌های جامعه جهانی سخن می‌گویند در حال سخن گفتن از نگرانی‌های قدرت‌های غربی و در رأس همه آنها ایالات متحده آمریکا هستند.

بر همین اساس است که امام خامنه‌ای در ۱۳۹۳/۰۲/۳۱ در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام تأکید فرمودند:

"بنده موافق نیستم که تعبیر دروغین «جامعه جهانی» را در مقابل جمهوری اسلامی - که دشمنان ما به کار می‌برند - به کار ببریم؛ کدام جامعه جهانی؟ کسانی که در مقابل جمهوری اسلامی قرار دارند جامعه جهانی نیستند، چند دولت مستکبرند که آنها هم عمده‌تاً زیر نفوذ یک مشت کمپانی داران صهیونیست غارتگرِ بدنامِ بددلند؛ این جامعه جهانی نیست؛ آنها خودشان را جامعه جهانی می‌نامند.

جامعه جهانی ملت‌ها هستند، جامعه جهانی دولت‌های مظلومی هستند که جرأت و دلیری اظهار مخالفت را ندارند و اگر فضا پیدا کنند، آنها هم مخالفت خواهند کرد. جامعه جهانی دانشمندان و اندیشمندان و متفکران و عالمان و خیرخواهان و آزادی‌خواهانی هستند که در همه دنیا متفرقند و حقیقت را می‌فهمند و آن را ستایش می‌کنند."

« پاسخ به سؤالات »

« سؤالات اقتصادی »

۱- علت نوسانات نرخ ارز چیست؟

در فاصله ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ نرخ ارز بیش از دو برابر افزایش یافت و این افزایش نرخ ارز، محصول شدت یافتن بی‌سابقه میزان تحریم، تحریم بانک مرکزی، سوء مدیریت مسئولان وقت و تهدیدهای منطقه‌ای از یک طرف و فعال شدن بانک‌های خصوصی و شرکت‌های آنها و رشد بخش غیرمولد اقتصاد و... بود. بعد از روی کار آمدن دولت جدید، در وعده‌ها و اقدامات خود، تنش‌زدایی با دنیای خارج و حل و فصل مسأله هسته‌ای را در اولویت قرار داده بود که این موضوع نیز تا حدی پیش رفت و به تبع آن قیمت دلار تا حدی کاهش پیدا کرد. واکنش بانک مرکزی هم این بود که اگر کاهش دلار تا حد زیاد و غیر قابل انتظاری ادامه یابد، برای دولت قابل تحمل نیست و اعلام کرد که روند منطقی خردورزانه بازگشت نرخ دلار به سال‌های قبل از دولت نهم بی‌فایده است. این مواضع نشان می‌دهد که دولت



حد خاصی را برای کاهش نرخ دلار قائل است. اما در تغییرات نرخ دلار طی سال جاری عوامل متعددی دخیل خواهد بود که یکی از آنها به تحریم‌های اقتصادی بازمی‌گردد. عوامل داخلی نظیر سودجویی بانک‌های خصوصی، دولت و مدیریت اقتصاد داخلی بسیار مؤثر است. این در حالی است که به نظر می‌رسد، دولت سرنوشت ارز را کاملاً به مسائل سیاسی و تحریم سپرده است. یکسان‌سازی نرخ ارز نیز که جزو برنامه‌های سال ۹۳ عنوان شده، بعید به نظر می‌رسد در ایران محقق شود. با این وجود اگر قرار باشد به سمت ارز تک نرخ حرکت کنیم باید توجه داشت که مهم‌تر از تثبیت نرخ است که بدانیم در چه نرخ قرار است این تثبیت رخ دهد. نرخ نهایی ارز باید مورد بررسی و کارشناسی دقیق‌تری قرار گیرد، چرا که این موضوع در بخش‌های مختلف اقتصاد تأثیرگذار خواهد بود.

۲- پیش‌بینی تورم اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۳ چه میزان است؟

در طول یک سال گذشته، با توجه به روند مثبت مذاکرات ایران و ۵+۱ در رابطه با پرونده هسته‌ای و کاهش یا ثبات نسبی فشارهای بین‌المللی بر اقتصاد ایران، شاهد بهبود روند شاخص‌های کلان اقتصاد هستیم. بنا بر آخرین اعلام بانک مرکزی، نرخ تورم نقطه به نقطه در اسفند ماه ۹۲ معادل ۱۹.۷ درصد و نرخ تورم ۱۲ ماهه منتهی به اسفند ماه ۹۲ نسبت به ۱۲ ماهه منتهی به اسفند سال ۹۱ معادل ۳۴.۷ درصد اعلام شده است، که نشان از کاهش ۵.۷ درصدی نرخ تورم در فاصله مهرماه تا اسفندماه سال ۹۲ دارد. با توجه به اینکه بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش نرخ تورم در دولت جدید در اولویت قرار گرفته است، پیش‌بینی می‌شود که نرخ تورم تا پایان سال ۹۳ به ۲۵ درصد برسد. البته بعید است نرخ تورم در سال ۹۳ با توجه به پیش‌بینی وزیر اقتصاد و سخنان وی در مجلس خبرگان و پیش‌بینی صندوق بین‌المللی

پول به ۱۵ درصد برسد.

۳- آیا وضعیت رکود تورمی ادامه دارد یا اصلاح خواهد شد؟

شواهد موجود نشان می‌دهد که وضعیت رکود تورمی در سال ۹۳ باز هم تشدید شود و به احتمال زیاد، تشدید رکود بیشتر از تورم خواهد بود. عواملی همچون افزایش نرخ ارز رسمی به ۲۶۵۰ تومان، افزایش محسوس قیمت حامل‌های انرژی، افزایش ۲۵ درصدی حداقل دستمزد، افزایش قابل توجه نرخ تسهیلات بانکی به حدود ۲۴ تا ۳۰ درصد، در کنار کاهش قدرت وام‌دهی بانک‌ها خصوصاً به فعالیت‌های تولیدی، در کنار سیاست‌های نسبتاً انقباضی پولی دولت برای کنترل نسبی آثار تورمی افزایش قیمت حامل‌های انرژی، همگی باعث تشدید رکود تورمی خواهند شد و وضعیت تولید و اشتغال را با چالش‌های جدی مواجه خواهند ساخت.

۴- میزان تجارت خارجی در ۲ ماهه امسال چه مقدار است؟

در دو ماهه سال جاری در مجموع به ارزش ۸ میلیارد و ۱۵۴ میلیون دلار کالا به خارج از کشور صادر شده که این میزان نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲۹۰۱۸ درصد افزایش داشته است. میزان وزنی صادرات غیرنفتی ۱۸ میلیون و ۲ هزار تن بوده که ۲۷۰۲۲ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش داشته است. از مجموع صادرات غیرنفتی کشور، ۳ میلیارد و ۳۰ میلیون دلار به «معانات گازی»، یک میلیارد و ۹۹۱ میلیون دلار به «محصولات پتروشیمی» و ۳ میلیارد و ۱۳۲ میلیون دلار به «سایر کالاهای اختصاص داشته است. بیشترین میزان کالاهای صادراتی در این مدت به کشورهای چین، عراق، امارات متحده عربی، افغانستان و هند بوده است. همچنین در دو ماهه سال جاری، ۷ میلیارد و ۶۸۸ میلیون دلار انواع کالا وارد کشور شده است. اقلام عمده وارداتی در این مدت شامل «گندم» به

ارزش ۴۹۵ میلیون دلار، «وسایل نقلیه با موتورپیستونی درونسوز با حجم سیلندر ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ سانتی‌متر مکعب» به ارزش ۲۶۳ میلیون دلار، «کنجاله» به ارزش ۲۴۰ میلیون دلار، «برنج» به ارزش ۲۳۵ میلیون دلار و «روغن خام سویا» به ارزش ۱۷۲ میلیون دلار بوده است. کشورهای عمده صادرکننده کالا به ایران در این مدت به ترتیب امارات متحده عربی، چین، هند، ترکیه و جمهوری کره بوده‌اند.

۵- موارد اقتصادی طرح مجلس برای افزایش جمعیت بیان کنید؟

کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی طرحی تهیه کرده که در صورت تصویب نهایی آن در صحن مجلس سازوکارهایی برای تأمین مسکن متاهلان اندیشیده شده و دولت مکلف به تأمین حداقل ۵۰ درصد هزینه ازدواج جوانان می‌شود. همچنین این طرح، بر لزوم پرداخت کمک هزینه مسکن به سربازان متأهل تأکید دارد و دولت را مکلف به پرداخت ۵۰ درصد هزینه آغاز زندگی مزدوجین می‌کند. علاوه بر این در صورت تصویب نهایی این طرح دولت مکلف به پرداخت تسهیلات برای تهیه مسکن متاهلان با پایین‌ترین نرخ سود می‌شود. همچنین دولت مکلف به پرداخت وام مسکن ۲ برابر سقف تعیین‌شده به خانواده‌های دارای ۳ فرزند یا بیشتر خواهد شد که با افزایش تعداد فرزندان میزان وام هم به صورت پلکانی افزایش می‌یابد. این طرح دولت را مکلف به پرداخت یک سکه بهار آزادی به پسرانی که زیر ۲۲ سال ازدواج می‌کنند و دخترانی که زیر ۲۰ سال ازدواج می‌کنند، می‌کند. همچنین در ماده ۳۴ دولت مکلف است برای خانواده‌های ایرانی دارای سه فرزند و بالاتر (زیر ۲۰ سال) که یکی از زوجین از گروه‌های دارای تحصیلات دانشگاهی لیسانس و بالاتر، نخبگان، مخترعان و دارندگان تحصیلات حوزوی سطح دو و بالاتر که فاقد مسکن بوده و از تسهیلات دولتی برای مسکن استفاده نکرده‌اند، وام خرید مسکن به میزان حداقل دو برابر سقف وام‌های

اعطایی بانک مسکن، با بازپرداخت سی ساله و حداقل سود بانکی بخش مسکن یا یک قطعه زمین مسکونی یکصد و پنجاه تا دویست متر مربعی در شهرها (به استثنای مراکز استان‌ها) به شرط تعهد ساخت و سکونت حداقل پانزده سال در آن، تأمین نماید.

همچنین در ماده دولت مکلف است در قالب طرح آتیه مهر امام رضا^(ع)، از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون به ازای تولد هر فرزند مبلغ ده میلیون ریال بر مبنای سال ۱۳۹۲ به حساب نوزاد واریز نماید. سهم فرزندان سوم به بعد، به ازای هر فرزند بیست درصد (۲۰٪) افزایش می‌یابد. اینها بخشی از تسهیلات در نظر گرفته شده است که در طرح، پیش‌بینی شده است.

«سؤالات سیاسی»

۱- نسبت میان منافع ملی و مسئولیت‌های فراملی از دیدگاه امام

خمینی^(ره) چگونه است؟

سوال مذکور را می‌توان به گونه ای دیگر، اینگونه بیان کرد که علی‌رغم گذشت بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، هنوز برای عده بسیاری در داخل و خارج کشور این سؤال مطرح است که چرا جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های فراملی مانند حمایت از انتفاضه فلسطین، حزب‌الله لبنان و... نقش‌آفرینی می‌کند؟ بنابراین سعی می‌شود تا بر مبنای اصول اندیشه سیاسی امام خمینی^(ره) به این سؤال پاسخ داده شود.

در اندیشه امام خمینی^(ره)، انقلاب اسلامی، جهان‌گراست. بدین معنا که تلاش در جهت گسترش حوزه نفوذ اسلام در دنیا و زمینه‌سازی برای جهان‌گیری آن به دست امام موعود^(عج)، مسئولیت اصیل دولت اسلامی برآمده از چنین انقلابی است. پس ایشان با توسعه وظایف نظام اسلامی، درکنار اهداف ملی، قائل به مجموعه‌ای از مسئولیت‌های فراملی برای چنین دولتی در دو سطح جهانی و دنیای اسلام است.

حال سؤال اینجاست که رابطه بین این دو چگونه است؟ یعنی آیا تحقق

منافع ملی با مسئولیت‌های فراملی در تعارض نیست؟

امام^(ره) معتقدند که دولت اسلامی یک سری وظایف دارد. به عبارت دیگر، یکی از دلایل قائل بودن امام^(ره) به ضرورت نظم سیاسی در عصر غیبت، پیگیری همین تکلیف دینی یعنی گسترش اسلام در دنیاست. مسئولیتی که تعطیل‌بردار نیست و نمی‌توان تمامیت وظیفه را به عهده موعود^(عج) گذاشت. از

سوی دیگر، ایشان معتقدند که پیگیری همین وظایف فراملی نیز یک راهبرد ارزشمند ملی است. بدین معنا که صدور انقلاب با توسعه عمق استراتژیک نظام اسلامی، عامل صیانت از کشور اسلامی است.

به عبارت دیگر، پیگیری مسئولیت‌های فراملی عامل حفظ مرکزیت جریان جهان‌گرایی اسلامی یا همان ام‌القری است. امام خمینی^(ه) معتقد است که اگر این نقطه کانونی (ام‌القری) در بسته بماند و در مرزهای جغرافیایی محبوس شود، قطعاً شکست خواهد خورد (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۰۳). پس این الهام‌بخشی جهانی عامل توسعه عمق راهبردی ام‌القری است که با کم‌ترین هزینه، مرزهای قدرت نرم و سخت آن را گسترش داده و پشتیبانی قابل اتکایی را برای خود ایجاد می‌کند و خطوط خطر را از مرزهای انقلاب اسلامی به عنوان هسته مرکزی دور و عامل بازدارندگی دفاعی و صیانت از موجودیت آن است (همان).

در واقع، این از نقاط قوت سیره نظری و عملی امام خمینی^(ه) است که بین آرمان و واقعیت و بین اهداف راهبردی و ملی و درون و برون حکومت اسلامی و به عبارت دقیق‌تر، با رد تزاحم ظاهری مسئولیت‌های فراملی و منافع ملی، سازگاری ایجاد می‌کند. اصولاً امام^(ه) به یک معنا، اهداف ملی و جهانی را در طول هم دانسته و بین آنها تناقضی قائل نیست. در یک سخن، در نظر امام^(ه)، نشر آرمان‌ها، ارزش‌ها و برنامه‌های انقلاب به دنیا، هم ضروری صیانت از این هسته مرکزی رویکرد جهانی و هم لازمه موفقیت جهان‌گرایی اسلامی است. در مجموع باید گفت که امام^(ه) مدعی یک رابطه مبتنی بر نفع دوطرفه بین این دو حوزه از سیاست نظام اسلامی است. بدین معنا که پیگیری مسئولیت‌های فراملی توسط نظام جمهوری اسلامی ایران علاوه بر تأمین منافع خود جمهوری اسلامی، تأمین منافع سایر کشورهای اسلامی را

نیز در پی خواهد داشت.

۲- هدف از طرح مکرر آزادی سران فتنه چیست؟

فرض اول در خصوص کسانی که با طرح مکرر این موضوع اقدام به فضا سازی علیه نظام می کنند این است که این عده نسبت به جرم و خیانت بزرگی که فتنه گران در سال ۸۸ مرتکب شدند، خود را به تغافل زده و در یک نگاه خوش بینانه بر این باورند که با اندک فشاری به نظام خواهند توانست به خواسته خود در آزاد سازی سران فتنه دست یافته و به اصطلاح فضای امنیتی را به سیاسی تبدیل و زمینه فعالیت افراطیون را فراهم نمایند تا به تدریج به قدرت بازگردند. از نگاه این عده که معمولاً خودشان نیز در جریان فتنه نقش آفرین بوده اند، دو مشکل اساسی برای بازگشت اصلاح طلبان به قدرت وجود دارد:

یکی اینکه پاک کردن سابقه فتنه گری آنها تا زمانی که موسوی و کروبی در حبس و سایر مجرمان در حال گذران دوره محکومیت خویش می باشند، امکان پذیر نخواهد بود. چرا که در این شرایط هم شورای نگهبان به خط قرمز ورود فتنه گران به قدرت حساسیت نشان خواهد داد و هم با اقبال عمومی هم مواجه نخواهند شد.

دوم آنکه افراطیون اصلاح طلب از سوی کسانی که در سال ۸۸ با توصیه و تجویز آنها پای به خیابان گذاشته و سابقه رویارویی با نظام اسلامی در کارنامه آنها ثبت شده است، مورد بازخواست قرار گرفته و از آنها می پرسند که با چه توجیهی از بازگشت به قدرت در این شرایط دم می زنند که قربانیان فتنه گری گذشته آنها هنوز مجازات خود را پس نداده و معلوم نیست چه کسانی باید تاوان افراط گری آنها را بپردازند.

فرض دوم در این ماجرا آن است که افراطیون اصلاح طلب امیدی به آزادی سران فتنه با راه کار فشار به نظام ندارند اما اولین نگرانی آنها این است که اگر ادامه وضعیت فعلی آنها را وادار به توبه کند، اولاً خطای خود را پذیرفته و گناه بزرگ فتنه گری علیه نظام اسلامی در کارنامه اصلاحات ثبت شده و در ادامه کار سیاسی آنها تأثیر منفی خواهد گذاشت. ثانیاً چنانچه پرونده سران فتنه با مدیریت نظام بسته شود، از نظر آنها فتنه و اصلاحات افراطی به پایان خود نزدیک شده و عملاً بستر سوء استفاده از آزادی قهرمانانه و ظرفیت محوری آنها از بین خواهد رفت.

لذا افراطیون با علم به اینکه نظام از موضع خود عقب نشینی نخواهد کرد، بر طبل آزادی سران فتنه می کوبند تا اولاً این موضوع به عنوان خواست مشترک اصلاحاتی ها فراموش نشود و ثانیاً، آرامش فعلی کشور دستخوش فضای نامساعد سیاسی و روانی گردد. تلاش اصلاح طلبان برای کشاندن دولت یازدهم به این ماجرا و تغییر اولویت اقتصادی دولت به اولویت های فرعی و حاشیه ای نیز در همین راستا ارزیابی می گردد.

ادامه این فشارها دو احتمال دیگر را نیز در پی دارد؛ یکی فشار به نظام جهت برگزاری دادگاه محاکمه سران فتنه که در این صورت افراطیون اقدام به جنجال آفرینی کرده و برای مدت مدیدی به سوژه کافی جهت راه اندازی جو روانی نامساعد دست خواهند یافت تا با صدور حکم نهایی، زمینه برخی اقدامات را نیز به زعم خویش فراهم سازند. احتمال بعدی فوت سران فتنه در شرایط حبس است که به دلیل کهولت سن و برخی بیماری ها متصور می باشد. فضا سازی جهت آزادی آنها بستر لازم را برای سوء استفاده از مرگ احتمالی سران فتنه را نیز فراهم می سازد.

۳- هدف از تدوین «منشور حقوق شهروندی» چیست؟

رئیس جمهور در جریان گزارش صد روزه خود از تدوین پیش‌نویس منشور حقوق شهروندی خبر داد و هدف از انجام این کار را احترام به حقوق همدیگر و احساس آرامش در بخش‌های مختلف جامعه از جمله دانشگاه، بازار، ورزش و مدارس اعلام کرد. وی البته تأکید کرد این پیش‌نویس روی سایت دولت قرار گرفته تا نخبگان و مردم درباره آن نظر دهند.

تعداد زیادی از صاحب نظران و منتقدان اقدام به طرح دیدگاه‌های خود در این رابطه نموده‌اند. مهمترین انتقادات سیاسی و حقوقی که نسبت به این منشور صورت گرفته عبارت است از:

۱- در میان دیدگاه‌های مطرح شده عده‌ای با گرایشات سیاسی متفاوت، علت مخالفت خود را عدم ضرورت پرداختن به این امر به جهت تصریح قانون اساسی به حقوق ملت و وجود آن در قوانین عادی کشور بیان داشته‌اند. این افراد تأکید دارند که در منشور حقوق شهروندی دولت چیز جدیدی دیده نمی‌شود. در این رابطه می‌توان به نقطه نظرات جامعه‌شناسان و حقوقدانان زیادی اشاره کرد (روزنامه شرق، چهارشنبه ۱۳ آذر، ش ۱۸۹۷).

۲- برخی دیگر از کارشناسان با استناد به عدم توجه به حقوق اقلیت‌ها و آموزش عالی و برخی موارد دیگر، این منشور را در تضاد با قانون اساسی دانسته و خواستار اعلام این مغایرت و تلاش برای تغییر قانون اساسی شده‌اند (فاطمه صادقی، جامعه‌شناس، روزنامه شرق، چهارشنبه ۱۳ آذر، ش ۱۸۹۷ ص ۹).

۳- عده‌ای در نگاهی بدبینانه مقصود از طرح زود هنگام و شتابزده این منشور را صرفاً انحراف افکار عمومی از اولویت مشکلات اقتصادی به مسائل سیاسی و حاشیه‌ای می‌دانند، موضوعی که در دوره اصلاحات تجربه و

پیامدهای منفی آن آشکار شده است. معتقدین به این دیدگاه تأکید می‌کنند که پس از توافقنامه ژنو^۳ مطابق با وعده‌های دولت لازم است اتفاقات مثبتی در عرصه اقتصادی روی دهد و پیش کشیدن مباحث انحرافی و غیر اولویت‌دار می‌تواند سرپوشی بر عدم توانایی‌های دولت به حساب آید. در این رابطه می‌توان به نوشتاری از حسین شریعتمداری اشاره کرد که تحت عنوان «حقوق شهروندی؛ متن یا حاشیه» می‌نویسد: «نمی‌توان منشور حقوق شهروندی مورد نظر رئیس جمهور محترم را یک ابتکار یا نوآوری در عرصه حقوق و تأمین حقوق شهروندان تلقی کرد. چرا که مفاد آن با تعریف جامع و مانع در قانون اساسی و سایر قوانین پیرامونی آمده و ضرورت اجرایی دارد. از این رو، بیم آن می‌رود که اقدام مورد اشاره فقط در بستر یک حرکت سیاسی و تبلیغاتی به صحنه آمده باشد که بیش از آن نیز نمونه‌های مشابهی در دولت موسوم به اصلاحات داشته و سیاسی بودن آن به جای محتوای حقوقی بر کسی پوشیده نیست» (سرمقاله کیهان شنبه ۹ آذر ۱۳۹۲). تقی آزاد ارمکی نیز در یادداشتی تصریح می‌کند: «دولت یازدهم هم مانند دولت‌های قبلی به جای اجرای وظایف قانونی اش به طرح منشوری جدید دست‌زده است تا اینکه اجرای قانون اساسی را اصل قرار دهد.» (تقی آزاد ارمکی، جامعه‌شناس، روزنامه شرق، چهارشنبه ۱۳ آذر، ش ۱۸۹۷ ص ۸).

۴- برخی دیگر از مخالفان علت مخالفت خود را اشکالات حقوقی و وجود پاره‌ای از نارسائی‌ها در آن می‌دانند. در این خصوص می‌توان به عدم وجود حقوق اقتصادی در این منشور اشاره کرد که روزنامه رسالت به آن اشاره کرده و می‌نویسد: «اکنون پیش نویس حقوق شهروندی که در پایگاه اطلاع‌رسانی رئیس‌جمهور قرار گرفته است، حقوق اقتصادی و مالکیت را در ۳ بند به رسمیت شناخته است. این سه بند اختصاص به حقوق خصوصی دارد و هیچ

عنایتی به حقوق عمومی شهروندان در حوزه اقتصاد که در فصل چهارم قانون اساسی به آن اشاره شده، نفرموده است.» (سرمقاله رسالت، یکشنبه ۱۰ آذر ۱۳۹۲).

موضوع عدم توجه عملی دولت به آلودگی هوا نیز از جمله حقوق شهروندی است که مورد اشاره سخنگوی قوه قضائیه قرار گرفته و روزنامه وطن امروز هم متعرض آن شده است. این روزنامه در سرمقاله یکشنبه دهم آذر می‌نویسد: «نگاهی به گزارش صد روزه رئیس جمهور حکایت از آن دارد که با وجود آن که آلودگی هوا معضل جدی شهروندان کلان شهرها بوده و عواقب و تبعات جبران‌ناپذیری بر سلامتی شهروندان دارد تا کنون هیچ برنامه استراتژیک عملیاتی از سوی دولت برای این مهم تدوین نشده است. باید از رئیس جمهور حقوق خوانده پرسید که تکلیف قانون و مردم در برابر بی‌توجهی دولت به این حق اساسی شهروندی چیست؟».

۵- در میان مخالفان گروهی دیگر به سابقه این موضوع در ماجرای فتنه ۸۸ و ادعای فرزند یکی از سران فتنه استناد کرده و یادآور شده‌اند: «این مدعای آقای روحانی و منتسب کردن تدوین و تهیه منشور حقوق شهروندی در حالی مطرح می‌شود که بیش از چهار سال پیش و به طور دقیق‌تر در روز ۲۴ فروردین ماه سال ۱۳۸۸ همین مسئله از جانب یکی از سران فتنه سال ۸۸ به عنوان ابتکارش برای جذب آرای مردم و اقبال آحاد جامعه به او و برنامه‌هایش مطرح شده است. نکته‌ای که مورد ادعای فرزند کروی نیز قرار گرفته و او منشور حقوق شهروندی روحانی را کپی منشور کروی در چهار سال پیش می‌داند!» (روزنامه جوان، شنبه ۹ آذر ۱۳۹۲).

۴- آیا مواضع اعلامی رژیم صهیونیستی می‌تواند رفتار و تعهد امریکا و غرب نسبت به توافق ژنو را تغییر دهد؟

نگاهی تاریخی به سیاست‌های امریکا در منطقه و میزان نفوذ و اثرگذاری لابی‌های صهیونیستی بر ساختار قدرت در امریکا نشان می‌دهد که اسرائیل در این کار تاکنون موفقیت‌آمیز عمل کرده است. فراموش نکنیم که ساختار قدرت در ایالات متحده به نحوی شکل گرفته است که دولت فقط بین ۳۰ تا ۶۰ درصد قدرت در این کشور را در اختیار دارد و وقتی ما از امریکا حرف می‌زنیم نباید فقط به دولت امریکا توجه کنیم. بقیه قدرت در این کشور به کنگره، سنا، گروه‌های فشار و لابی‌ها تعلق دارد. آن چیزی که امروز ما تحت عنوان تمایل دولت امریکا به پیشرفت مذاکرات و حل مسائل با ایران مطرح می‌کنیم، فقط به ۳۰ تا ۶۰ درصد دولت مربوط می‌شود. به هر حال در شرایط کنونی کنگره با دولت دموکرات همراه نیست. بنابراین بیش از چهل درصد قدرت در امریکا در اختیار دولت نیست و اسرائیلی‌ها برای پیشبرد اهداف خود به خصوص در زمینه رابطه امریکا با ایران، تلاش می‌کنند با بخش‌های دیگر قدرت در امریکا کار کنند. آنها به شدت تلاش می‌کنند که رسانه‌ها، لابی‌ها، نمایندگان کنگره و بعضاً سنا را تحت‌تأثیر خود قرار دهند و با اهداف خود همراه کنند.

بنابراین در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت که خیلی مشکل است که امریکا بتواند سیاستی را طراحی و اعمال کند که از دسترس تاثیر لابی‌های قدرتمند صهیونیستی که به نفع سیاست‌های رژیم صهیونیستی در منطقه خاورمیانه به شدت برنامه‌ریزی و لابی می‌کنند و پول هنگفت هزینه می‌نمایند دور باشد. لذا با مرور زمان، معلوم می‌شود که منافع طرفین چه اقتضایی دارد و با چه مکانیزمی آمریکایی‌ها می‌خواهند بر عوامل مزاحم از

جمله لابی‌های اسرائیلی غلبه کنند. اما آنچه تا کنون مطابق با سابقه و عملکرد آمریکا به یاد داریم این است که اهداف و خواسته‌های صهیونیست‌ها برای سران آمریکا و غرب دارای اولویت و ارجحیت بوده است.

امام خامنه ای (مدظله العالی) :
(۹۲/۰۳/۱۴)

**در باور به خود - اعتماد به نفس - امام به
مردم ایران «ما میتوانیم» را تعلیم داد.**



نماینده ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین
معاونت سیاسی